

درس‌های زندگی

درس‌های زندگی

از
کتاب‌های بزرگ

تألیف

جی روفس فیروز

ترجمه

دکتر احمد شهشانی

این کتاب ترجمه‌ای است از راهنمای درسی زیر با عنوان:

Life Lessons from the Great Books, Course Guidebook
Professor J Rufus Fears, University of Oklahoma
Published by: The Great Courses, 2009

مؤلف:	جی روفس فیروز
مترجم:	دکتر احمد شهشهانی
عنوان:	درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ
موضوع:	درس‌های زندگی، کتاب‌های بزرگ، چگونه زندگی کنیم، آموختن از تاریخ، کتاب‌های بزرگ چه درس‌هایی می‌آموزند، کتاب‌هایی که می‌توانند زندگی را تغییر می‌دهند
شابک:	۹۷۹-۸۸۹۲۹۲-۵۴۲-۶
طرح جلد:	فرزین پزشکی
مشخصات:	۱۴۴ صفحه، ۶ در ۹ اینچ
چاپ اول:	آذر ماه ۱۴۰۳ - دسامبر ۲۰۲۴
قیمت:	۱۲ دلار

پخش و فروش: آمازون

ISBN: 979-889292-542-6
ASIN: B0DLLQSBLQ

Printed in:
Superfast Copying and Binding Systems Inc.
11964 Wilshire Boulevard
Los Angeles, CA 90025
USA

فهرست

پیش‌گفتار	۹
روش، محتوا و هدف مطالعه	۱۱
۱. "درباره خدا،" سنکا	۱۵
۲. انجیل یوحنا	۱۸
۳. وجدان، بوئتیوس، مارتین لوتر کینگ	۲۱
۴. برادران کارامازوف، داستایوفسکی	۲۴
۵. شب، الی ویزل	۲۷
۶. زندگی و افکار من، شوایتزر	۳۰
۷. رنج‌های ورتر جوان، گوته	۳۳
۸. هملت، شکسپیر	۳۶
۹. آژاکس، سوفوکلِس	۴۰
۱۰. رساله هفتم، افلاطون	۴۳
۱۱. "درباب پیری،" سیسرون	۴۶
۱۲. توبه‌کار، ایزاک سینگر	۴۹
۱۳. آلستیس، اوریپید	۵۱
۱۴. مده‌آ (نمایش‌نامه)، اوریپید	۵۴

۵۷	۱۵. تریستان و ایزولت، وان اشتراسبرگ
۶۱	۱۶. آنتونی و کلوتوپاترا، شکسپیر
۶۵	۱۷. مکبث، شکسپیر
۶۸	۱۸. دنیای قشنگ نو، آلدوس هاکسلی
۷۱	۱۹. ادیسه، هومر
۷۵	۲۰. فیلوکتس، سوفوکلس
۷۹	۲۱. سرود رولان، ماجراجویی و دلاوری
۸۳	۲۲. سرود نیلونگ‌ها، عشق و دلاوری
۸۶	۲۳. دفتر خاطرات، لوئیس و کلارک
۸۹	۲۴. هفت رکن حکمت، لورنس عربستان
۹۲	۲۵. نمایش‌نامه‌های کمدی، آریستوفان
۹۵	۲۶. کمدی آدم بدخلق، مناندر
۹۹	۲۷. ماندراگولا، ماکیاولی
۱۰۲	۲۸. در ستایش دیوانگی، اراسموس
۱۰۵	۲۹. آرمان شهر، تامس مور
۱۰۸	۳۰. قلعه حیوانات، جرج اورول
۱۱۲	۳۱. تراژدی کاتو، جوزف ادیسون
۱۱۶	۳۲. سخنرانی خدا حافظی، جرج واشنگتن
۱۱۹	۳۳. جنگ، آبراهام لینکلن، جرج پاتون
۱۲۲	۳۴. زندگینامه، تئودور روزولت
۱۲۶	۳۵. حکمت کتاب‌های بزرگ

مطالب تکمیلی ۱۲۹

جدول زمانی ۱۲۹

واژه نامه ۱۳۱

کتابشناسی ۱۳۵

پیش‌گفتار

کتاب‌های بزرگ به عنوان یکی از بهترین دستاوردهای بشری، همواره آینه‌ای از زندگی و تجربیات انسان بوده‌اند. در طول تاریخ، کتاب‌های بزرگ جهان، با کلامی شیوا و اندیشه‌هایی عمیق، نه تنها بیان‌گر دوران‌ها و فرهنگ‌های متنوعی بوده‌اند، بلکه درس‌های بی‌پایانی از زندگی، عشق، حقیقت و هستی را در خود جای داده‌اند. این آثار، همچون چراغ‌هایی درخشان، راهنمای انسان‌ها در مسیر پیچیده و پرچالش حیات بوده‌اند، و هر یک به نوعی، تأثیری بنیادین در شکل‌گیری و تحول اندیشه‌ها و باورهای نسل‌های مختلف داشته‌اند.

در دو جلد پیشین این مجموعه با عنوان: کتاب‌های بزرگ جهان: کتاب‌هایی که تاریخ را رقم زدند و می‌توانند زندگی شما را تغییر دهند، کوشش به عمل آمد تا شصت اثر از برترین آثار تاریخ جهان، از جمله چهار شاهکار از فرهنگ ایران زمین را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کنیم. این آثار به پرسش‌های ماندگاری پرداختند که هر انسان متفکری باید در پی پاسخگویی به آنها باشد، پرسش‌هایی از جمله خدا، سرنوشت، خوب و بد، معنای زندگی، حقیقت، وظیفه و مسئولیت، حکومت، عدالت، عشق، حسادت، شجاعت و آموزش و پرورش.

اکنون در این بررسی جدید با عنوان: درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ، به سراغ مجموعه‌ای از سی و چهار اثر دیگر رفته‌ایم، و به بررسی شش موضوع اساسی و حیاتی پرداخته‌ایم. این موضوعات هر یک به نوعی نشان‌دهنده زوایای مختلفی از روح و روان انسان هستند. نخستین موضوع، روح بی‌کران انسان است، روحی که در برابر ناملايمات و سختی‌های زندگی خستگی‌ناپذیر و تسخیرناپذیر است. موضوع دوم به مراحل زندگی انسان اختصاص دارد، از جوانی تا پیری، و تمامی چالش‌ها و تجربه‌هایی که انسان در مسیر گذر از این دوران‌ها با آنها مواجه می‌شود.

سومین موضوعی که در این کتاب به آن پرداخته شده، عشق و عاشقی و تأثیر شگرف آن بر انگیزه‌ها و تصمیمات انسان است؛ احساسی که همواره به عنوان یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های بشری مطرح بوده و بسیاری از انسان‌ها به خاطر آن دست به کارهای بزرگی زده و یا همه چیز خود را از دست داده‌اند. در ادامه به ماجراجویی و شجاعت پرداخته‌ایم، فضیلتی که در قرون وسطی پایه‌گذار بسیاری از داستان‌های جوانمردی و قهرمانی بود و نقشی اساسی در شکل‌گیری نظام فئودالی ایفا کرد. پنجمین موضوع این کتاب به اهمیت خنده و طنز اختصاص دارد، کیفیتی که همواره در ادبیات به عنوان وسیله‌ای برای بهبود روحیه و ایجاد نشاط مورد استفاده قرار گرفته و تأثیری مثبت و عمیق بر روان انسان‌ها داشته است. و در نهایت، به میهن‌پرستی و عشق به سرزمین مادری پرداخته‌ایم، احساسی که یکی از باشکوه‌ترین و عمیق‌ترین سرچشمه‌های الهام در آثار ادبی بزرگ جهان بوده است.

در ترجمه و نگارش این کتاب کوشش بر این بوده که با رعایت ایجاز و اختصار، محتوایی آموزنده، مفید و مستند به خوانندگان ارائه شود. در این راستا، علاوه بر بهره‌گیری از ترجمه، از منابع معتبر دیگر مانند ویکی‌پدیا نیز استفاده شده است. امید است این تلاش گامی در جهت افزایش درک و آگاهی علاقمندان از درس‌های نهفته در این آثار بزرگ باشد و در مسیر زندگی مفید واقع شود.

با آرزوی توفیق خوانندگان.

احمد شهشهرانی

آذر ماه ۱۴۰۳

روش، محتوا و هدف مطالعه

کتاب‌های بزرگ زندگی ما را تغییر می‌دهند. این کتاب‌ها با زندگی ما نیز تغییر می‌کنند. نشانه یک کتاب بزرگ این است که می‌توانیم آن را دوباره و دوباره بخوانیم و کتاب در هر مرحله از زندگی با صدای تازه‌ای با ما سخن می‌گوید. تجربیات زندگی که همیشه در حال تغییرند این توانایی را به ما می‌دهند تا درس‌های جدیدی را از کتابی که سال‌ها پیش خوانده‌ایم بیاموزیم، یا امروزه مجذوب کتابی شویم که در مدرسه ما را خسته کرده بود.

در جلد اول و دوم کتاب‌های بزرگ جهان، کتاب‌هایی که تاریخ را رقم زدند و می‌توانند زندگی شما را تغییر دهند، ما ۶۰ اثر مهم را مورد بحث قرار دادیم و روی موضوعاتی مانند معنویت، سیاست و تاریخ متمرکز شدیم. در این بررسی جدید، درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ، تمرکز روی مجموعه‌ای از آثار کاملاً جدید است که هر یک بیان منحصر به فردی از روح انسانی و گواهی بر این است که کتاب‌های بزرگ به مانند روح انسان بی‌کران و نامتناهی هستند. این مطالعه جدید به بررسی شش موضوع می‌پردازد که هر یک از ما یا آنها را تجربه کرده یا تجربه خواهیم کرد: روح شکست‌ناپذیر انسانی؛ جوانی، سالخوردگی و همه چیز بین ادوار زندگی؛ عشق و عاشقی؛ ماجراجویی و شجاعت؛ خنده و طنز و کنایه؛ و میهن‌پرستی.

هر یک از این مضامین را از طریق آثاری ادبی بررسی می‌کنیم که واجد شرایط ما برای یک کتاب بزرگ باشند. یک کتاب بزرگ از چهار ویژگی برخوردار است:

- به موضوعی مهم می‌پردازد.
- با کلامی فصیح و به زبانی خوش نوشته شده است.
- در طول قرون و اعصار با ما سخن می‌گوید.
- در دل‌ها و خاطرات می‌نشیند.

هر شش موضوع بسیار گسترده‌اند. همه این موضوعات با مهم‌ترین پرسش‌هایی سروکار دارند که هر فردی با آنها مواجه است: چگونه نحوه زندگی خود را انتخاب کنیم؟ روح تسخیر ناپذیر انسان نشان می‌دهد که هر یک از ما اراده‌ای آزاد داریم. از جوانی تا پیری، در تمام پیچ و خم‌های زندگی می‌توانیم انتخاب کنیم که زندگی پرباری داشته باشیم که دنیا را به مکان بهتری برای آیندگان تبدیل کند، یا انتخاب کنیم که خود و دیگران را بدبخت کنیم. پیچ و خم‌های زندگی اغلب نتیجه قوی‌ترین و غیرمنطقی‌ترین انگیزه‌ها یعنی عشق هستند. ماجراجویی و شجاعت دعوتی است برای کسانی که زندگی را به صورت یک چالش می‌بینند، و به گفته تئودور روزولت ترجیح می‌دهند که "قدم به عرصه زندگی بگذارند." این افراد مردان و زنان سرنوشت‌سازی هستند که می‌دانند در زندگی مأموریتی دارند که باید به انجام برسانند. خنده و طنز از ناامیدی‌های ما در زندگی می‌کاهند، و مجال لذت بردن از موفقیت‌های زندگی را در اختیار ما می‌گذارند. میهن‌پرستی چیزی جز یک کیفیت دوستی پایدار در ابعاد گسترده آن نیست، و مانند عشق و مذهب می‌تواند مایه ایجاد بهترین و بدترین نوع احساس در انسان شود.

زبان و فن بیان در لذت بردن از کتاب‌های بزرگ امری طبیعی و اساسی است. هر زبانی اعم از انگلیسی، لاتین، چینی و زبان‌های بومی (اینویتی) می‌توانند دلنشین باشند. این زبان است که با وضوح، سجع و تناسب خود روح ما تعالی می‌بخشد. کتاب‌های بزرگ مورد مطالعه ما در این مجموعه آثاری از زبان لاتین کلاسیک و سره‌سیسرون و زیبایی شاعرانه اشعار اورپید گرفته تا سخنان نغز شکسپیر و زبان آلمانی گوته و نثر محکم و روشن جورج اورول و آیزاک سینگر همه را در بر می‌گیرند.

یک آزمون دیگر کتاب بزرگ این است که بتواند در گذر زمان با ما سخن بگوید. کتاب‌های بزرگ از یکدیگر الهام می‌گیرند، همان گونه که افلاطون از هومر الهام گرفته، سیسرون از افلاطون و هومر بهره برده، و توماس مور، اراسموس و گوته از هر سه نشأت گرفته‌اند. کتاب‌های ما در این مجموعه به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که جوامع، فرهنگ‌ها و اندیشه‌هایی که سنت کتاب‌های بزرگ در اروپا و آمریکا را شکل داده‌اند، منعکس می‌سازند.

درس‌های ۱ تا ۶ این مجموعه به بررسی زندگی و نوشته‌های کسانی می‌پردازد که با چالش‌های بزرگی که زندگی دائماً در برابر هر یک از ما قرار می‌دهد روبرو شدند. هر یک این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا اتفاقات بد برای آدم‌های خوب رخ می‌دهد؟ چگونه دولتمردان و رهبرانی مانند سنکا، بوئتیوس و مارتین لوتر کینگ آرامش خود را در فلسفه یافتند؟ چگونه انجیل یوحنا برای انسان‌گرایی والای آلبرت شویتزر و افکار عمیق رمان‌نویس روسی، داستایوفسکی الهام‌بخش بود؟ و چگونه الی ویزل برندهٔ جایزه صلح نوبل فرضیات ما را در موری نیکی ذاتی انسان‌ها، در رمان غم‌انگیز خود به نام شب درهم می‌شکند؟

در بخش‌های ۷ تا ۱۲ به سراغ درس‌هایی از زندگی می‌رویم که می‌توانیم در هر مرحله از زندگی آنها را بیاموزیم. این بحث را با عشق نوجوانی و ویرانگر رنج‌های ورتر جوان اثر گوته آغاز می‌کنیم، و با واکنش‌های بسیار متفاوت در بارهٔ پیری از سوی سیسرون میهن‌پرست رومی و ایزاک سینگر برندهٔ جایزه نوبل به پایان می‌بریم.

عشق موضوع برخی از بزرگ‌ترین آثار ادبی است و درس‌های ۱۳ تا ۱۸ به آن می‌پردازد. اورپید هر دو ویژگی حیات‌بخش و ویرانگر عشق را در دو نمایشنامهٔ خود آلكستیس و مده‌آ، به تصویر می‌کشد. عشقِ درباری در قرون وسطی در داستان ترستان و ایزولت نشان داده شده است. شکسپیر استاد مطالعه روی طبیعت انسان، ما را از دلسوزی‌های آنتونی و کلئوپاترا به سوی فداکاری‌های خطرناک و بی‌رحمانه لیدی مکبث نسبت به همسر و حرفه‌اش می‌برد، و در عین حال دنیای قشنگ نو که در آن جایی برای عشق وجود ندارد توسط آلدوس هاکسلی به تمسخر گرفته می‌شود.

از ادیسو هومر تا لورنس عربستان، در درس‌های ۱۹ تا ۲۴ به سیر و سیاحت و کاوش در ماجراجویی می‌پردازیم. مردان و زنان سرنوشت‌ساز افرادی هستند که در زندگی مأموریت خود را پیدا می‌کنند، مأموریتی که تنها برای آنها مقدر شده است. ماجراجویی نه تنها موضوع حماسه‌های قرون وسطایی، مانند سرود رولان و سرود نیلونگ‌ها بود، بلکه باعث کارهای بحث‌برانگیز و بسیار جنجالی روزگار ما، از جمله اکتشافات لوئیس و کلارک و توصیه‌های

زندگی چالش‌هایی را پیش روی ما قرار می‌دهد، و درس‌های ۲۵ تا ۳۰ به ما می‌آموزند که بهترین راه برای مقابله با این چالش‌ها این است که بخندیم. کتاب‌های بزرگ طنز و کنایه ما را وادار می‌کنند تا در باره پرسش‌های مهم بیندیشیم، و به ما می‌آموزند که اغلب بهتر است خود یا دیگران را بیش از حد جدی نگیریم. یونانی‌ها تراژدی‌های سوفوکل را با کمدی‌های آریستوفان و مناندر تعدیل می‌کردند. انسان‌گرایی مانند اراسموس و تامس مور می‌دانستند که چگونه درس‌های زندگی را با شوخ‌طبعی و کنایه بیاموزند. و بالاخره جورج اورول وعده‌های دروغین دیکتاتورها را با رمان قلعه حیوانات به تمسخر می‌گیرد.

میهن‌پرستی یا عشق به میهن مانند عشق رمانتیک یکی از غنی‌ترین سرچشمه‌های کتاب‌های بزرگ است. بنیانگذاران ایالات متحده آرمان میهن‌پرستی را گرمی می‌داشتند و متوجه نمونه‌های آن در تاریخ یونان و روم بودند. در پنج درس پایانی این کتاب به معنای واقعی وطن‌پرستی خواهیم پرداخت. مبارزات قهرمانانه ملت‌ها برای کسب آزادی، مانند مبارزه مردم و آرمان‌های انقلاب آمریکا که در نمایشنامه کاتو اثر جوزف ادیسون مجسم شده، اثری است که برای بنیانگذاران آمریکا بسیار ارزشمند بود. جورج واشنگتن، تئودور روزولت و ژنرال جرج پاتون نمونه‌های برجسته‌ای از این آرمان‌ها بودند. زندگی و پیام‌های این سه آمریکایی منحصر به فرد، یک مجموعه نهایی از افکار و اندیشه‌هایی در مورد انتخاب‌هایی را ارائه می‌دهد که هر یک از ما در زندگی شخصی، حرفه‌ای و مدنی خود به عمل می‌آوریم.

اهمیت ماندگار کتاب‌های بزرگ در رهنمودهایی است که این کتاب‌ها در تصمیم‌گیری نسبت به آن انتخاب‌ها ارائه می‌دهند. همان گونه که انتخاب‌های هر یک از ما با یکدیگر متفاوتند، تمایل هر یک از ما نیز به مجموعه متفاوتی از کتاب‌ها، ایده‌ها و الگوهای تاریخی خواهد بود. شاید نشانه یک کتاب بزرگ در نهایت این باشد که پیشگام رفتن ما به سراغ کتاب‌های بیشتر و زمینه‌های فکری دیگری شود که هرگز تصور نمی‌کردیم وجود داشته باشند.

”درباره خدا“

سنکا

یک کتاب عالی کتابی است که مضمونی مهم دارد، کتابی است که در گذر زمان با ما سخن می‌گوید، کتابی است که به زبانی رسا نوشته شده است، و کتابی است که به باور من باید در دل‌ها و خاطرات ما می‌نشیند.

در این مطالعه مجموعه‌ای از کتاب‌های بزرگ را بررسی می‌کنیم که یک گستره وسیع تاریخی از زمان یونان باستان تا قرن بیستم را در بر می‌گیرند، کتاب‌هایی که می‌توانیم از آنها درس‌هایی بیاموزیم که برای زندگی ما سودمند باشند. هر یک از کتاب‌هایی را که مطالعه می‌کنیم به برخی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که می‌توانیم مطرح کنیم پاسخ می‌دهند: چگونه باید زندگی کنیم؟ چه تصمیماتی باید بگیریم؟ خواهیم دید که منظور ما از "حکمت" چیست، زیرا هر یک از این کتاب‌ها به حکمت نیز می‌پردازند. یک کتاب بزرگ باید با کلامی شیوا نوشته شده باشد، زبانی که روح ما را تعالی بخشد. در این مطالعه ما همچنین به بررسی راه‌هایی خواهیم پرداخت که چگونه یک کتاب بزرگ به پایدار بودن هیجان فکری و گفتگوهای ما نیز کمک می‌کند. در خصوص هر موضوع، کتابی را در بستر تاریخی آن قرار می‌دهیم و درس‌هایی را که می‌توانیم از آن برای به کارگیری در زندگی خود بیاموزیم، بررسی خواهیم کرد.

نخستین نویسنده‌ای که با او آشنا می‌شویم، لوسیوس آنائوس سنکا^۱ (۴ - ۶۵ قبل از میلاد) است، و مطلب را با نگاهی به زندگی او آغاز می‌کنیم. سنکا از یک خانواده برجسته در ایالت

۱. Lucius Annaeus Seneca.

کوردوبا^۱ واقع در اسپانیا بود که در آن زمان بخشی از امپراتوری روم محسوب می‌شد. سنکا در یونان تحصیل کرد و بسیار تحت تأثیر فلسفه رواقی‌گری^۲ قرار گرفت. او می‌خواست زندگی خود را به فلسفه، مطالعه و جستجوی حکمت، اختصاص دهد. پس از بازگشت به رم، سنکا یک مجموعه از تراژدی‌های ابتکاری نوشت که روح تازه‌ای در سنت رایج آن دوران دمید. اما سنکا که در اثر دسیسه‌های بدخواهانه دربار روم فریب خورده بود، به اتهام خیانت به مدت هشت سال به جزیره کُرسیکا^۳ تبعید شد و تنها به درخواست همسر امپراتور، آگریپینا^۴ که از کودکی تشنه قدرت بود، توانست به رم بازگردد. برای آگریپینا، سنکا فقط وسیله‌ای بود که به او کمک می‌کرد تا از دست شوهر و پسرش خلاص شود، و در نتیجه پسرش نرون^۵ (از ازدواج قبلی) بتواند حاکم شود. سنکا با این باور که همه این وقایع برای خیر بزرگ‌تری هستند، در این مبارزه برای قدرت درگیر شد.

اما در سن ۶۶ سالگی سنکا به عنوان یک دولتمرد بزرگ کناره‌گیری کرد و به منزل مجلل خود در حومه شهر نقل مکان کرد (در آن زمان او دومین مرد ثروتمند رم بود). سنکا در آنجا کتاب "درباره مشیت"^۶ یا "درباره خدا"^۷ و مجموعه‌ای از گفتگوها^۸، گفتگوهای فلسفی را نوشت، گفتگوهایی که در آن‌ها به راهی که در جوانی فکر کرده بود بازگشت، مسیری که می‌دانست باید آن را می‌پیمود.

اگرچه سقراط آموزش می‌داد که خودکشی اشتباه است و از بین بردن جان که خدا به شما داده است، نادرست است، اما این دیدگاه رواقیون نبود. برای رواقیون زمانی که زندگی غیرقابل تحمل می‌شد، پایان دادن به آن مجاز بود و مرگ به مراتب بهتر از تسلیم شدن در برابر یک استبداد بود. این مفاهیم رواقی نگرش سنکا نسبت به خودکشی را شکل دادند، چنانکه این مطلب در داستان مارکوس پورسیوس کاتو^۹ سناتور و تاریخ‌نویس روم باستان نیز نشان داده شده است.

۱. Córdoba.

۲. Stoicism.

۳. Corsica.

۴. Agrippina.

۵. Nero Caesar Augustus.

۶. "On Providence."

۷. "On God."

۸. *Dialogues*.

۹. Marcus Porcius Cato.

سنکا که به ناحق به خیانت علیه نرون متهم شده بود، ترجیح داد به جای درخواست عفو یا مرگ به دست سربازان نرون، خودکشی کند. گرچه او در طول زندگی خود به دنبال قدرت بود و مرتکب اشتباهاتی شد، اما سرانجام به فلسفه‌ای که در جوانی به آن باور داشت بازگشت. سنکا برای ما این درس را به جا گذاشت که هیچ انسان نیکوکاری هرگز واقعاً از شر رنج نمی‌برد تا زمانی که باور داشته باشد خداوند همه چیز را برای خیری بزرگ‌تر خلق کرده است.

انجیل یوحنا

من سعی می‌کنم عاشقی را برای دانشجویانم توضیح دهم، اما آنها اصلاً باور نمی‌کنند که عشق و عاشقی قوی‌ترین احساس انسان هستند، و تاریخ پر از مردان و زنان بزرگی است که در راه عشق همه چیز خود را فدا کرده‌اند.

در این بخش به کاوش در درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ ادامه می‌دهیم، و روی موضوع روح تسخیرناپذیر انسان آن گونه که در انجیل یوحنا^۱ به تصویر کشیده شده می‌پردازیم.

نخستین آزار و اذیت مسیحیان توسط نرون^۲ امپراتور روم در سال ۶۴ میلادی آغاز شد. نرون به دلیل آتش‌سوزی بزرگی که بخش‌های وسیعی از شهر رم را ویران کرده بود، مورد سرزنش قرار گرفت، اما او مسیحیان را عاملان این آتش‌سوزی معرفی کرد. در آن زمان مسیحیان فقط به طور مشکوکی برای رومیان قابل شناسایی بودند. نرون از تمام کسانی که مظنون به مسیحیت بودند خواست تا یا از مسیحیت دست بردارند و به امپراتور به عنوان یک خدای زنده، یک قربانی تقدیم کنند، یا کشته شوند. مردم روم شاهد بودند که مسیحیان پیوسته خواسته‌های امپراتور را رد می‌کردند و به دنبال آن از وحشیگری‌های معمول بیشتری رنج می‌بردند. تا اینکه رومیان شروع به زیر سوال بردن باورهای خود کردند و نسبت به ماهیت واقعی مسیحیت کنجکاو شدند. مسیحیانی که تحت آزار و اذیت نرون بودند به نمونه‌هایی از روح شکست‌ناپذیر انسان تبدیل شدند و زندگی عیسی که هسته اصلی باورهای آنها بود به صورت یکی از بزرگترین نمونه‌های

۱. The Gospel of John.

۲. Nero (۳۷-۶۸).

توانایی روح انسانی برای تأثیرگذاری بر مردان و زنان زیادی در طول قرن‌ها درآمد.

ما در باره زندگی عیسی اطلاعاتی از انجیل‌های متی، مرقس، لوقا^۱ و یوحنا، همه چهار انجیل در اختیار داریم. هر چهار انجیل نمایانگر دیدگاه‌های متفاوتی از عیسی هستند، اما انجیل یوحنا به ویژه از سه انجیل مختصر و هم‌نظر دیگر متمایز است. انجیل یوحنا تلاش می‌کند تا راز زندگی عیسی را در قالبی فلسفی که تفکر یونانی را در بر می‌گیرد، بیان دارد. این انجیل با یادآوری کلمه خدا و نور خدا، در ابتدا یادآور آغاز کتاب عهد عتیق^۲ است. انجیل یوحنا داستانی در باره نور است. در آغاز این انجیل، یحیی تعمید دهنده به عنوان شخصیتی ظاهر می‌شود که مأموریتش بشارت دادن به آمدن نور و کلام خداست. هنگامی که فریسیان^۳ (اساتید شریعت یهود) برای بازجویی از یحیی تعمید دهنده^۴ می‌آیند، او حضور عیسی را در میان آنها تشخیص می‌دهند.

پس از اینکه عیسی مردی نابینا را شفا می‌دهد و ایلعازر را چهار روز بعد از مرگ زنده می‌کند، چنان تأثیرگذار می‌شود که تهدیدی برای مقامات وقت محسوب می‌شود.

ترتیب وقایع در انجیل یوحنا با انجیل‌های هم‌نظر متفاوت است. عیسی پس از شهادت

یحیی تعمید دهنده، شاگردان خود را فرا می‌خواند. اولین معجزه‌ای که در انجیل یوحنا توصیف شده، تبدیل آب به شراب در مراسم ازدواج در مکانی به نام قانا^۵ (جلیل) است. سپس عیسی صرافان را از معبد در اورشلیم بیرون می‌راند و با نیکودیموس^۶ (از فریسیان و بزرگان یهود) روبرو می‌شود.

انجیل یوحنا همچنین با انجیل‌های هم‌نظر از این جهت متفاوت است که از همان ابتدا عیسی آمادگی خود را برای اذعان به اینکه او مسیح یا مسیح، به معنی مسح شده یا انتخاب شده برای رهبری است نشان می‌دهد. عیسی برای بیان چگونگی آوردن نجات به جهان به جای استفاده از تمثیل‌ها، از توضیحات فلسفی بهره می‌برد. او به زنی سامری اعلام می‌کند که مسیح است،

۱. Matthew, Mark, Luke.

۲. The Old Testament.

۳. Pharisses.

۴. John, the Baptist.

۵. Cana.

۶. Nicodemus.

و ایمان و شهادت آن زن باعث خشم فریسیان می‌شود. معجزات عیسی به تدریج به شهادت‌های بزرگتری تبدیل می‌شوند. هنگامی که او جمعیت‌ها را با دو ماهی و پنج قرص نان تغذیه می‌کند، توضیح می‌دهد که خود او نان و شراب زندگی است. ایده مشارکت عیسی در الوهیت برای تضمین نجات برای یک یونانی که دیونوسوس^۱ (خدای شراب و زراعت انگور و قداست می) را می‌پرستید امری قابل فهم بود، اما برای مخاطبان یهودی عیسی غیرقابل تصور به نظر می‌رسید.

عیسی مانع سنگسار زنی می‌شود که متهم به زنا شده بود، و با این کار درس گذشت و بخشش را تأیید می‌کند. پس از اینکه عیسی مردی نابینا را شفا می‌دهد، و ایلعازر^۲ را چهار روز پس از مرگ زنده می‌کند، تأثیر او چنان زیاد می‌شود که تهدیدی برای مقامات حاکم محسوب می‌شود.

اگرچه پونتیوس پیلاتس^۳ حاکم استان یهودیه روم و محاکمه کننده عیسی در انجیل یوحنا، بیش از دیگر انجیل‌ها به عنوان یک دیوان‌سالار حساس و وظیفه‌شناس تصویر شده است، اما تصمیم گرفته می‌شود که عیسی به مرگ محکوم شود. روح انسان که شکست ناپذیر است نه تنها در عیسی، بلکه در شاگردان او نیز آشکار است، زیرا این شاگردان برای رساندن پیام عیسی به سراسر جهان، متحمل رنج‌های فراوانی می‌شوند، و همان گونه که می‌دانیم میراث آنها تاریخ را دگرگون کرده است.

۱. Dionysus.

۳. Pontius Pilate.

۲. Lazarus.

وجدان

بوئتیوس و مارتین لوتر کینگ

متفکران مسیحی در آغاز مسیحیت بر این باور بودند که باید کوشید تا راز مسیحیت را در چهارچوب یک فلسفه کلاسیک تفسیر کرد.

رومیان در قرن‌های اول و دوم میلادی، مسیحیت را به عنوان یک فلسفه در نظر می‌گرفتند. مسیحیت دیگر به عنوان یک فرقه از یهودیت دیده نمی‌شد، بلکه بخشی از جریان‌های فکری یونان و روم بود. مسیحیت از طریق این جریان‌های فکری جذب و در عین حال متحول شد، اما همچنین مجبور بود که خود را با دنیای روم سازگار کند.

امپراتوری روم نسبت به ادیان مختلف تحمل نشان می‌داد، به شرطی که افراد میهن پرست بوده و خدایان روم از جمله امپراتور را پرستش می‌کردند. اما از آنجا که مسیحیان از پرستش امپراتور امتناع می‌کردند، در نظر رومیان خائن به حساب می‌آمدند. مسیحیان از قرن اول تا سوم میلادی به دلیل سرپیچی از تطابق با قواعد روم، به شدت تحت آزار و اذیت قرار گرفتند. کنستانتین بزرگ^۱ که از سال ۳۰۶ تا ۳۳۷ امپراتور بود، تحت تأثیر ایمان و فداکاری مسیحیان قرار گرفت و پس از پیروزی در نبردی که او معتقد بود خدای مسیحیان در آن نقش داشته است، به مسیحیت گروید. تنها یک نسل پس از کنستانتین، مسیحیت به دین رسمی امپراتوری روم تبدیل شد.

۱. Constantine the Great (۲۷۲-۳۳۷).

تئودوریک^۱ پادشاه گوت‌ها^۲ (یکی از قبایل ژرمن) پس از سقوط امپراتوری روم غربی در سال ۴۷۶ میلادی در ایتالیا به قدرت رسید. او تلاش کرد که برجسته‌ترین اندیشمندان زمان خود را در حکومت خود گرد آورد. در میان این نخبگان انیکیوس مانلیوس بوئتیوس^۳ فیلسوف قرن ششم (حدود ۴۷۰ - ۵۲۴ میلادی) بود. بوئتیوس از خانواده‌ای برجسته رومی و یک مسیحی قدرتمند بود. او همچنین یک دانشمند و نویسنده برجسته بود. بوئتیوس نیز مانند سنکا به انجام کارهای نیک اعتقاد داشت. او به عنوان یکی از مدیران حکومت تئودوریک، وظیفه ملّی خود می‌دانست که ایجاد یک دولت متمدن و منطقی را تضمین کند. بوئتیوس به سرعت تحت رهبری تئودوریک پیشرفت کرد، اما تلاش‌های او برای ایجاد تغییرات مثبت موجب شد که از سوی دیگر مقامات عالی‌رتبه مورد دشمنی قرار گیرد، و این افراد در صدد برآمدند تا او را از سمت خود برکنار کنند. بوئتیوس با اتهامات متعدد خیانت مواجه شد، به زندان افتاد، ثروتش مصادره شد و کتابخانه‌اش ویران گردید.

بوئتیوس در زندان یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های تاریخ به نام دربارهٔ تسلی فلسفه^۴ را نوشت. این کتاب با دیداری خیالی آغاز می‌شود که در آن زنی به عنوان مظهر فلسفه ظاهر می‌شود و در زندان با بوئتیوس صحبت می‌کند. بوئتیوس از اتهامات و ضررهایی که به خاطر تلاش‌هایش برای انجام کارهای نیک متحمل شده است، شکایت می‌کند. فلسفه به عنوان شخصیت خیالی به او پاسخ می‌دهد که مواردی مانند شهرت، ثروت و قدرت، نه مالکیت‌های دائمی، بلکه هدایایی هستند که بخت و اقبال می‌دهد و هر لحظه ممکن است از انسان گرفته شود.

در گفتگوی بعدی، بوئتیوس درمی‌یابد که خوشبختی نمی‌تواند بر اساس این هدایای زودگذر استوار باشد، بلکه خوشبختی باید تنها بر پایه درک خیر و نیکی بنا شود. فلسفه او را راهنمایی می‌کند تا به ارزش‌های پایدار مانند دانش و فضیلت به عنوان سرچشمه حقیقی خوشبختی توجه کند. این دیدگاه تأکیدی بر اهمیت خرد و معنویات در برابر مادیات و ناپایداری‌های دنیوی دارد.

۱. Theodoric (۴۵۵-۵۲۶).

۲. Goths.

۳. Anicius Manlius Boethius

۴. *On the Consolation of Philosophy*.

فلسفه استدلال می‌کند که خدا نیکوست و همه چیز حتی آنچه به ظاهر شر به نظر می‌رسد، در خدمت اراده خداوند است. شر در جهان به عنوان ابزاری الهی عمل می‌کند که ما را به درکی عمیق‌تر از آنچه پایدار و ابدی است، می‌رساند. طبق این دیدگاه، خداوند همه چیز را از پیش

تعیین کرده است، اما ما آزادی داریم که به آنچه خداوند به ما می‌دهد واکنش نشان دهیم. اگرچه ممکن است دشواری‌هایی از سوی خداوند بر ما نازل شود، اما ذهن ما آزاد است و با این آزادی می‌توانیم با عشق یا نفرت به آنها

مارتین لوتر کینگ به این درک رسیده
بود که جنگ، مانند جنگ ویتنام
ناعادلانه است و آزادی بدون ثبات
اقتصادی معنایی ندارد.

پاسخ دهیم، شر را با شر یا با نیکی تلافی کنیم. در باره تسلی فلسفه در قرون وسطی بسیار مورد تحسین قرار گرفت و یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌هایی است که تا کنون نوشته شده است.

یکی دیگر از بیانیه‌های قدرتمند در باره روح شکست‌ناپذیر انسانی که از تاریکی زندان برخاسته است، نامه‌ای از زندان بیرمنگام^۱ نوشته مارتین لوتر کینگ^۲ رهبر سیاه‌پوستان آمریکا است. کینگ در سال ۱۹۶۳ به دلیل سازماندهی و شرکت در تظاهرات علیه تبعیض نژادی به زندان افتاد. گروهی از روحانیون سفیدپوست نامه‌ای نوشتند و مدعی شدند که مشارکت کینگ در چنین تظاهراتی با توجه به موقعیت او به عنوان یک "کشیش مسیح" مایه شرم‌ساری است. کینگ در پاسخ، با استناد به مثال‌هایی از جمله کتاب مقدس، تاریخ و فلسفه نشان داد که قوانین و سیاست‌هایی که او علیه آنها دست به تظاهرات زده، ناعادلانه هستند و هیچ انسانی نباید از قانون ناعادلانه پیروی کند. کینگ به رهبری خود در راهپیمایی به سوی واشنگتن^۳ برای کار و آزادی ادامه داد و از رویای خود در باره آزادی و برادری سخن گفت. او به این درک رسیده بود که جنگ، مانند جنگ ویتنام غیرعادلانه است و آزادی بدون ثبات اقتصادی معنایی ندارد. او آماده بود تا نفوذ سیاسی که به دست آورده بود را به خطر بیندازد تا همیشه بتواند برای دفاع از حق و حقیقت ایستادگی کند - یک نمونه بارز دیگر از روح شکست‌ناپذیر انسانی.

۱. Letter from a Birmingham Jail.

۳. March on Washington.

۲. Martin Luther King (۱۹۲۹-۱۹۶۸).

برادران کارامازوف

داستایوفسکی

سنگا به همان شیوه سقراط تأیید می‌کرد که روح انسان جاودانه است و بر این باور بود که زندگی او ادامه خواهد یافت و روح او شکست‌ناپذیر است، حتی اگر جسم او از بین برود. این همان درس اصلی و راز بنیادین مسیحیت است که از مرگ زندگی برمی‌خیزد.

یکی از قدرتمندترین رمان‌هایی که تاکنون نوشته شده برادران کارامازوف^۱ است. این اثر بسیاری از موضوعاتی را که تاکنون بررسی کرده‌ایم در خود جای داده است. این رمان همچنین یادبودی ماندگار از خلاقیتی است که حتی در دوران استبداد تزارهای روسیه در قرن نوزدهم وجود داشت. پاپ‌ها در طول قرن پنجم در روم نظریه‌ای را توسعه دادند که زیربنای اندیشه سیاسی در اروپای غربی شد. نظریه بر این مبنا بود که دو قدرت وجود دارد: قدرت روی این زمین و قدرت خدا. پاپ به عنوان مظهر قدرت خدا روی زمین بود و بنابراین حاکم مطلق تلقی می‌شد.

این نظریه هرگز در روسیه توسعه پیدا نکرد. روسیه مسیحیت خود را از کلیسای ارتدکس در قسطنطنیه (استانبول فعلی) گرفت که هرگز قدرت پاپ را به رسمیت نشناخت. روس‌ها معتقد بودند که تنها یک قدرت وجود دارد، و آن پادشاه یا تزار است که صدای مطلق خداوند روی زمین است. روسیه در طول تاریخ مسیری متفاوت از اروپای غربی را دنبال کرد. در زمانی که انگلستان در حال توسعه نهادهای حکومت پارلمانی بود، روسیه به ریشه‌های استبدادی خود

۱. *The Brothers Karamazov*.

پایبند ماند.

فیودور داستایوفسکی^۱ نویسنده مشهور و تأثیرگذار در دنیای استبداد و ارتدکسی که در قرن نوزدهم بر روسیه حاکم بود به دنیا آمد. او در یک مدرسه نظامی تحصیل کرد، اما بیماری صرع^۲ یا اختلال عصبی او را از پیگیری یک حرفه نظامی بازداشت. پس از استعفا از خدمت، داستایوفسکی شروع به نوشتن کرد و به محافل انقلابی کشیده شد. او به دلیل پخش تبلیغات و خیانت به وطن به زندان افتاد و تا آستانه اعدام پیش رفت. پس از آزادی از زندان و اقامتی کوتاه در اروپا، داستایوفسکی بیش از پیش متقاعد شد که کلیسای ارتدکس روسیه می‌تواند اتحادی عارفانه از عشق به خدا^۳ را ترویج کند.

رمان جنایت و مکافات^۴ در این دوره از خلاقیت او نوشته شد. مرگ پسر داستایوفسکی که از همان تشنج‌های عصبی رنج می‌برد که پدرش متحمل شده بود، باعث گردید که او به پرسش‌هایی درباره ماهیت خیر و شر، جایگاه روسیه در جهان، و معنای خدا بپردازد. این پرسش‌ها همه در رمان برادران کارامازوف مطرح شده‌اند، اثری که به عنوان یکی از شاهکارهای

ادبی جهان شناخته می‌شود و در عین حال منعکس‌کننده دیدگاه‌های فلسفی و مذهبی داستایوفسکی است.

داستایوفسکی اجازه نمی‌دهد که روح او از طریق آنچه بسیاری به عنوان اتفاقات تصادفی زندگی و درد و رنج مرگ می‌دانند، نابود شود.

برادران کارامازوف داستان خانواده‌ای است که

می‌توان آن را یک خانواده نابسامان توصیف کرد. پدر خانواده فردی بی‌رحم و افراطی است. او سه پسر (قهرمانان رمان) از دو همسر و پسر چهارمی دارد که نتیجه رابطه‌ای نامشروع است. در ذهن داستایوفسکی، هر یک از این چهار پسر نماینده بخشی از روح روسیه هستند: دیمتری: خشن و شهوانی. ایوان: گمراه و تلاش‌گر برای وارد کردن ایده‌های غربی. الکسی: قوی در ایمان و اعتقاد، تجسم روح واقعی روسیه. و اسمردیاکف: مرموز و پست.

۱. Fyodor Dostoevsky (۱۸۲۱-۱۸۸۱).

۲. Epilepsy.

۳. Mystical union of love with God.

۴. *Crime and Punishment*.

داستان با یک مشاجره بین دیمتری و پدرش آغاز می‌شود، و در پی آن الکسی پیشنهاد می‌دهد تا با گردهم آوردن اعضای خانواده برای صحبت در کنار هم این اختلاف را حل کنند. این جلسه در صومعه‌ای که الکسی در آن زندگی می‌کند، برگزار می‌شود. در آنجا ایوان با خواندن یک نثر مسجع مانند یک شعر که خودش نوشته عقاید مذهبی الکسی را به چالش می‌کشد.

داستان شعر ایوان در اسپانیای قرن شانزدهم روی داده و ماجرای رویارویی بازپرس بزرگ تفتیش عقاید^۱ با عیسی مسیح را روایت می‌کند. در پایان شعر، ایوان بسیاری از پرسش‌ها و موضوعاتی را در باره عشق و نفرت، خیر و شر مطرح می‌کند که داستایوفسکی نیز در طول زندگی خود با آن‌ها دست و پنجه نرم کرده است.

داستایوفسکی داستان برادران کارامازوف را با مراسم تدفینی به پایان می‌برد که برای کودکی برگزار می‌شود که مورد علاقه الکسی بوده، اما از سوی همسالانش مورد آزار قرار گرفته است. در این مراسم، یکی از کودکان درباره قیامت و رستاخیز سؤال می‌کند و الکسی با تأکید بر داستان مسیح و سنت عید پاک (بزرگداشت رستاخیز مسیح) پاسخ می‌دهد. به این ترتیب، داستایوفسکی اجازه نمی‌دهد که روح او از طریق آنچه بسیاری به عنوان اتفاقات تصادفی زندگی و درد و رنج مرگ می‌دادند، نابود شود. این رمان بیانی خلاقانه و پیامی عمیق از روح شکست‌ناپذیر انسانی در خود دارد. پیام اصلی این اثر روی ایمان، امید و توانایی انسان برای غلبه بر دشواری‌های زندگی حتی در مواجهه با بی‌عدالتی و رنج تأکید دارد.

۱. Grand Inquisitor.

شب الی ویزل

موسی در کتاب مقدس گفت: "بله، پرسش‌ها راه ارتباط ما با خدا هستند. پرسش‌ها از پاسخ‌ها مهم‌ترند. انسان با پرسش‌هایی که مطرح می‌کند روح خود را اعتلا می‌بخشد."

رمان شب^۱ نوشته الیزر ویزل^۲ فعال سیاسی و برنده جایزه صلح نوبل، بیانی روشن و در عین حال تأثیرگذار از روح تسلیم‌ناپذیر انسان است. این رمان با ویزل در شهرک سیگت (سیغه) از منطقه ترانسیلوانی^۳ در قلمروی رومانی فعلی آغاز می‌شود. سیگت یک ناحیه یهودی‌نشین و نمادی از یکی از بزرگ‌ترین سنت‌های مذهبی تاریخ جهان، سنت یهودیت است.

در دوران حاکمیت رومیان، مکاتب ربانی و خاخامی در استان رومی یهودیه رونق گرفتند و ادبیات تلمود^۴ توسعه پیدا کرد. یهودیان دیاسپورا یا آواره و سرگردان که دور از وطن می‌زیستند^۵ به حاملان بزرگ فرهنگ تبدیل شدند و بستری را برای انتقال فلسفه کلاسیک به غرب فراهم آوردند. رفته رفته با راهی شدن یهودیان به اروپای شرقی و پذیرفته شدن در لهستان و لیتوانی، دوره جدیدی از فرهنگ یهودی آغاز شد، و زبان ییدیش^۶ زبان مادری جوامع یهودی مورد توجه قرار گرفت. سیگت یکی از شهرهایی بود که این فرهنگ در آن رشک‌وفا شد.

۱. *Night*.

۲. Eliezer Wiesel (۱۹۲۸-۱۹۸۸).

۳. Sighet, Transylvania.

۴. Talmud.

۵. Diaspora.

۶. Yiddish.

یهودیان سیگت با نوعی احساس امنیت شاهد قدرت گرفتن هیتلر بودند. اگرچه دولت مجارستان با هیتلر متحد بود، اما تا سال ۱۹۴۳ از جمعیت یهودی خود محافظت کرد. الیزر ویزل در بحبوحه آشفتگی‌های جنگ جهانی دوم به تحصیلات خود ادامه داد، و علیرغم اصرار پدرش مبنی بر اینکه او برای مطالعه کابالا^۱ (عرفان یهودی) هنوز بسیار جوان است، تحت راهنمایی خادم کنیسه‌ای به نام موسی به مطالعه این آثار پرداخت. پس از تغییر دولت در مجارستان، موسی تبعید شد، اما غیبت او چندان مورد توجه مردم شهر قرار نگرفت. هنگامی که موسی بازگشت، تلاش‌های او برای هشدار دادن به مردم در باره جنایات سربازان آلمانی و "نسل‌کشی سازمان‌یافته" همه یهودیان در اروپا نادیده گرفته شد. نخستین تجربه الیزر از ظلم و ستم به انسان‌ها زمانی بود که آلمانی‌ها وارد سیگت شدند و با کمک پلیس مجار یهودیان را با خشونت به یک گتو (محل فقیرنشین) منتقل کردند. الیزر تا زمانی که وحشت‌های اردوگاه آشویتس^۲ را تجربه نکرده بود، متوجه اثرات غیرانسانی گرسنگی و بی‌رحمی دیوانه‌وار نشده بود. او توانایی عبادت کردن خود را از دست داد، و شروع به زیر سوال بردن باورهای خود کرد و با خود اندیشید که چگونه ممکن است خدایی جاودان وجود داشته باشد وقتی هر روز او شاهد آنقدر شرارت و بدبختی است.

همزمان با شروع فروپاشی رایش سوم^۳ (آلمان نازی)، آلمانی‌ها تلاش بیشتری برای اجرای وعده هیتلر مبنی بر کشتن هر یهودی داشتند. الیزر و پدرش مجبور شدند پیاده از آشویتس به اردوگاه بوخنوالد^۴ بروند. با وجود اینکه آنها این امکان را داشتند که در بیمارستان اردوگاه بمانند، اما به دلیل شایعاتی مبنی بر اینکه آلمانی‌ها قبل از آزادسازی اردوگاه

ویزل از حامیان سرسخت اسرائیل است، اما عمر خود را صرف تلاش برای برقراری صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها کرد. او می‌آموزد که تنها صلح می‌تواند موجب خیر و خوبی در جهان شود.

توسط روس‌ها تمام یهودیان بیمارستان را خواهند کشت، به راهپیمایی خود ادامه دادند.

۱. Kabbalah.

۲. Auschwitz.

۳. Third Reich.

۴. Buchenwald.

پدر الیزر در اردوگاه بوخنوالد بر اثر بیماری درگذشت. الیزر تنها عضو خانواده‌اش بود که از اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها جان سالم به در برد. با شنیدن خبر نزدیک شدن آمریکایی‌ها به اردوگاه، گروه مقاومت اردوگاه به مقابله با نگهبانان برخاست و با ورود آمریکایی‌ها اردوگاه آزاد شد.

الی ویزل سوگند یاد کرده بود که حداقل به مدت ۱۰ سال در باره دوران هولناکی که شاهد آن بوده است، چیزی ننویسد. اما در نهایت پس از آن که فرانسوا موریاک^۱ نویسنده و شاعر فرانسوی او را متقاعد کرد تا داستانش را بازگو کند، او کتاب شب را نوشت. ویزل از حامیان سرسخت اسرائیل است، اما عمر خود را صرف تلاش برای برقراری آشتی بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها کرد. او می‌آموزد که تنها صلح می‌تواند موجب خیر و خوبی در جهان شود. جالب است بیندیشیم که از میان تمام ملت‌هایی که از خاورمیانه گذشته‌اند، هیچ کس دیگر به زبان مصری باستان، به زبان لیبیایی باستان، یا زبان هیتی‌ها صحبت نمی‌کند و هیچ کس خدای آنوبیس^۲ (خدای مرگ و مردگان و تدفین در مصر باستان) را نمی‌پرستد. اما قومی هنوز خدای خود، خدای اسرائیل را می‌پرستد، به زبان آن قوم یعنی عبری سخن می‌گوید، و کتاب خود، کتاب مقدس عبری را می‌خواند. برخی مانند الی ویزل باور دارند که این تضادفی نیست، بلکه هدفی در آن نهفته است.

۱. François Mauriac (۱۸۸۵-۱۹۷۰).

۲. Anubis.

زندگی و افکار من

شوایتزر

پس از یک روز آمدند و گفتند: "تو باید از کشور اخراج شوی." آن زمان سال ۱۹۱۷ بود، زمانی خطرناک که ارتش فرانسه شورش کرده بود و به نظر می‌رسید که در جنگ مغلوب شده باشد. بنابراین مقامات اداری می‌گفتند: "بله، یک آلمانی در غرب آفریقا هست و باید او را به اردوگاه بازداشت ببریم."

در این بخش به بررسی درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ و موضوع روح تسخیرناپذیر انسان ادامه می‌دهیم. از حدود سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴، مردم اروپا بر این باور بودند که در عصر جدیدی از صلح، پیشرفت و رفاه زندگی می‌کنند. با این حال در سال ۱۹۱۴، اروپا خود را گرفتار بزرگ‌ترین جنگ تاریخ کرد. تکنولوژی جدید نه تنها نتوانست از وقوع جنگ جلوگیری کند، بلکه وحشت این درگیری را افزایش داد. تقریباً ۲۰ سال بعد، اروپا بار دیگر وارد جنگ شد که به مرگ ده‌ها میلیون نفر و با توسعه بمب اتمی، به تهدید نابودی جهانی منجر شد.

آلبرت شوایتزر^۱ پزشک و فیلسوف آلمانی در این دوران پرتلاطم زندگی کرد، اما اجازه نداد که تحت تأثیر وحشت ناشی از جنگ درهم شکسته شود. شوایتزر در یک دهکده کوچک در آلزاس^۲ به دنیا آمد که در آن زمان بخشی از رایش آلمان بود. او در دانشگاه‌های برلین و استراسبورگ تحصیل کرد، خود را در مطالعه سنت‌های عبری، یونانی و رومی غرق کرد و به یک دانشجوی کتاب مقدس تبدیل شد. شوایتزر به مقام استادی در دانشگاه استراسبورگ رسید،

۱. Albert Schweitzer (۱۸۷۵-۱۹۶۵).

۲. Alsace part of Reich.

و در سنین جوانی به عنوان رئیس دانشکده الهیات منصوب شد. اولین کتاب بزرگ شوایتزر، جستجوی شخصیت تاریخی عیسی^۱ تلاشی بود برای بررسی کار نسلی از دانشمندان آلمانی رشته الهیات که سعی در کشف حقایق تاریخی در باره عیسی و انجیل‌ها داشتند. شوایتزر در جریان بررسی شخصیت تاریخی عیسی متقاعد شد که عیسی انسان بوده و الهی نیست. او باور داشت که عیسی هرگز خود را الهی ندانسته، بلکه معلمی بوده که می‌توانسته پادشاهی خدا یا ملکوت الهی را به وجود آورد. دیدگاه‌های شوایتزر باعث نگرانی بسیاری از دانشمندان شد، اما به جای حمله، کار او تا حد زیادی نادیده گرفته شد. شوایتزر همچنین یک موسیقی‌دان ماهر بود و کتاب او درباره باخ^۲ آهنگ‌ساز و نوازنده آلمانی توجه زیادی را به خود جلب کرد.

شوایتزر که هنوز ۳۰ ساله نشده بود، به یک معلم و دانشمند برجسته تبدیل شد، و به اوج موفقیت‌های علمی خود رسید. با این حال، تصمیم گرفت به جای اینکه در یک دنیای آکادمیک محصور بماند، در دنیا سفر کند و زندگی خود را وقف بشریت نماید. شوایتزر با الهام از یک فراخوان برای مبلغان پزشکی در غرب آفریقا، سمت استادی خود را کنار گذاشت تا یک مدرک پزشکی بگیرد.

در سال ۱۹۱۳، شوایتزر و همسرش به غرب آفریقا در منطقه‌ای که امروز آن را گابن می‌نامیم، وارد شدند. او با بودجه محدود یک بیمارستان ساخت و مراقبت‌های پزشکی را برای افرادی که به شدت به آن نیاز داشتند، فراهم کرد. شوایتزر دیگر به یک خدای شخصی اعتقاد نداشت و از واژه "خدا" فقط زمانی استفاده می‌کرد که ادیان تاریخی مورد اشاره او بودند. از نظر شوایتزر خدا کل روح انسان است. شوایتزر در طول جنگ جهانی تبعید و به طور موقت بازداشت شد. علیرغم موانع اداری بسیار، شوایتزر و همسرش سرانجام به آفریقا باز گشتند تا بیمارستان خود را بازسازی کنند.

شوایتزر در سال‌هایی که مشغول بازسازی بیمارستانش بود، به یک بیداری و آگاهی معنوی دست یافت. او به این درک رسید که احترام به زندگی، احترام و تکریم در برابر همه موجودات زنده، یک عنصر ضروری است که در این جهان از آن خبری نیست، و هر موجود زنده‌ای هدفی

۱. *The Quest of the Historical Jesus.*

۲. Bach (۱۶۸۵-۱۷۵۰).

دارد. شوایتزر به جنبه‌های مخرب تکنولوژی و تأثیر منفی آن بر زندگی انسان و محیط زیست پی برد. او در کتاب‌هایی مانند تمدن و اخلاق^۱، عقیده خود را چنین بیان کرد: انسان‌ها باید تصدیق کنند که ما در زندگی هدفی داریم، باید فعالانه زندگی کنیم و عمیقاً درگیر شویم، و باید به همه زندگی‌ها احترام بگذاریم. توجه جهان به سوی شوایتزر جلب شد و کمک‌های مالی و داوطلبان شروع به سرازیر شدن به بیمارستان او کردند. در همان زمان او همچنان به اروپایی‌ها

هشدار می‌داد که از جنگ چیزی نیاموخته‌اند و در مسیر فاجعه قرار دارند.

او تکنولوژی را تحقیر نمی‌کرد، اما معتقد بود که باید کنترل شود. همان‌طور که او هشدار داده بود، تکنولوژی کشتار وحشتناک در اردوگاه‌های مرگ و انفجار

شوایتزر با مطالعه شخصیت تاریخی عیسی متقاعد شد که عیسی انسان بوده، و الهی نیست. او همچنین معتقد بود که عیسی هرگز خود را الهی ندانسته، بلکه به عنوان معلمی بوده که می‌توانسته پادشاهی خدا یا ملکوت الهی را به وجود آورد.

بمب اتمی را ممکن ساخت. آلبرت انیشتین^۲ فیزیک‌دان آلمانی، شوایتزر را متقاعد کرده بود که با وجود تمایل شوایتزر برای دوری از مسائل سیاسی، علیه توسعه بمب اتمی صحبت کند. نامه‌های سرگشاده و سخنرانی‌های علنی او توجه اداره تحقیقات فدرال (اف بی آی) و سازمان سیا در آمریکا را جلب کرد و در نهایت باعث شد کمک‌های مالی او از بنیادهای مختلف قطع شوند. شوایتزر تا زمان مرگش در سال ۱۹۶۵ به نوشتن و کار در بیمارستان ادامه داد.

متأسفانه در دنیای مدرن، به نظر نمی‌رسد که ما تمایلی به مطالعه درباره افراد خوب یا یادگیری از آنها داشته باشیم. رسانه‌ها تلاش کردند تا شوایتزر را بدنام کنند. مقالاتی نوشته شد که در زمینه کمک‌های مالی به او آسیب زیادی وارد کرد، اما هرگز روحیه او را تحت تأثیر قرار نداد. دنیا توانایی پذیرفتن دیدگاه یک مرد به راستی خوب را نداشت. اما شوایتزر چقدر درست می‌گفت وقتی به ما هشدار می‌داد که تکنولوژی ارباب ما خواهد شد؟ او از گرم شدن کره زمین و سایر بلایایی که در برابر ما هستند اصلاً تعجب نمی‌کرد. او می‌گفت که وضعیت کنونی جهان ما ناشی از امتناع ما نسبت به احترام به زندگی است. شوایتزر و روح شکست‌ناپذیرش همچنان با ما سخن می‌گویند.

۱. *Civilization and Ethics*.

۲. Ahbert Einstein (۱۸۷۹-۱۹۵۵).

رنج‌های ورتر جوان

گوته

گوته به قدری عاشق زیبایی لوته بود که به طور جدی به فکر خودکشی افتاد. حال او به شدت افسرده بود، و به گفته خودش بارها و بارها خنجر را بیرون می‌آورد تا ببیند تا چه اندازه می‌تواند آن را در خودش فرو کند. اما بعد تصمیم گرفت، "نه، به جای اینکه خودم را بکشم، کاری مبتکرانه خواهم کرد."

در مجموعه دوم این درس‌ها، این پرسش را مطرح می‌کنیم که ما چگونه زندگی خود را می‌گذرانیم؟ در این قسمت به بررسی تحولات زندگی از جوانی تا پیری، مسائلی که با آنها روبرو می‌شویم، و درس‌هایی که از کتاب‌های بزرگ در هر مرحله از زندگی می‌آموزیم، خواهیم

پرداخت. مطلب را با نگاهی به ایام جوانی و یکی از بزرگترین رمان‌هایی که تا به حال به بررسی اشتباهات و ندانم‌کاری‌ها، جستجوی حکمت، و تصمیمات غیرقابل برگشت جوانان پرداخته، آغاز می‌کنیم. این اثر رنج‌های ورتر جوان^۱ نوشته یوهان ولفگانگ

فون گوته^۲ است. پدر گوته یک تاجر موفق بود و اطمینان حاصل کرد که پسرش بهترین آموزش

۱. *The Sufferings of Young Werther*.

۲. Johann Wolfgang Von Goethe
(۱۷۴۹-۱۸۳۲).

را ببیند. گوته می‌خواست هنرمند شود، اما پدرش اصرار داشت که او حرفه‌ای در رشته حقوق دنبال کند. گوته در سن ۲۴ سالگی در شهر ویتسلا^۱ آلمان شروع به وکالت کرد. عشق نافرجام گوته به دختری جوان به نام شارلوت بوف^۲ (که از روی علاقه و محبت به او لوت^۳ گفته می‌شد) او را به یأس و ناامیدی خودکشی کشاند. با این حال، گوته به جای پایان دادن به زندگی خود، تصمیم گرفت انرژی خود را صرف خلق یک رمان کند.

گوته رنج‌های ورتر جوان را تقریباً در ظرف چهار هفته نوشت. این رمان بلافاصله موفقیت چشمگیری کسب کرد، و گوته به واسطه آن یک‌شبه به شهرت رسید. رنج‌های ورتر جوان در قالب یک رمان نامه‌نگاری تدوین شده است. این نامه‌نگاری‌ها مکاتبات عمده‌ای است که بین ورتر و دوستش ویلهلم صورت می‌گیرند، و ویلهلم کسی است که "ویراستار" رمان گوته می‌شود. ورتر مانند گوته به یک شهر کوچک نقل مکان می‌کند و به زودی عاشق یک زن جوان به نام شارلوت می‌شود. شارلوت با مردی به نام آلبرت نامزد است. اگرچه آلبرت متوجه می‌شود که ورتر به شدت مجذوب شارلوت است، اما او محبت ورتر را به عنوان نشانه‌ای از سلیقه خوب خودش تلقی می‌کند و اجازه می‌دهد که دوستی آن‌ها ادامه یابد. با عمیق‌تر شدن شور و شوق ورتر به شارلوت، هم ویلهلم و هم شارلوت ورتر را تشویق می‌کنند که از شهر والهایم نقل مکان کند. ورتر مشغول یک کار اداری نزد شخصیتی به نام کنت سی^۴ می‌شود و با زنی جوان و اشرافی رابطه جدیدی برقرار می‌کند. این زن در نهایت ورتر را به عنوان یک اسباب "شرمساری" طرد می‌کند، چون ورتر متعلق به یک طبقه اجتماعی مناسب نیست.

کنت سی به ورتر پیشنهاد می‌کند که شغل دیگری پیدا کند، و ورتر متوجه می‌شود که آلبرت و شارلوت با هم ازدواج کرده‌اند. ورتر به عنوان یک هنرمند شکست خورده نه تنها در رابطه‌اش با شارلوت موفق نشده، بلکه در کارش نیز ناکام مانده است. او بلافاصله به شهر والهایم بازمی‌گردد، دوستی خود را با آلبرت دوباره از سر می‌گیرد. اما این دوستی وقتی عشق و علاقه ورتر به شارلوت به درجه یک وسواس فکری می‌رسد، دوباره تیره و تار می‌شود. پس از رد درخواست‌های ورتر از طرف شارلوت، عشق و اشتغال فکری ورتر به نوامیدی و خودکشی

۱. Wetzlar.

۲. Charlotte Buff.

۳. Lotte.

۴. Count C.

می‌انجامد. روز بعد، ورتِر (در حالی که همان کت و شلوار آبی و جلیقه زردی را که در اولین ملاقاتش با شارلوت به تن داشت) تفنگ شکاری آلبرت را قرض می‌گیرد، بدهی‌هایش را تسویه می‌کند، یک یادداشت نهایی برای ویلهلم می‌فرستد و تلاش می‌کند به زندگی خود پایان دهد. ورتِر هنوز زنده است وقتی که یک خدمتکار صبح روز بعد او را پیدا می‌کند. یک دکتر به همراه شارلوت و آلبرت به محل می‌آیند، اما ورتِر در رختخوابش می‌میرد. او در تاریکی شب به خاک سپرده می‌شود، آن هم در مکانی که تقدیس نشده است.

این داستان پر از احساس که تمام اروپا را فرا گرفت، گوته را بلافاصله مشهور کرد. دوک وایمار^۱ گوته را به عنوان مشاور خود منصوب کرد. گوته بقیه عمر خود را در کنار دوک گذراند و به شهرت بیشتر و بالاتر دست یافت. گوته به معتبرترین شخصیت فکری اروپا تبدیل شد. او آثار باشکوهی در زمینه‌های علم، طبیعت، تاریخ و همچنین نمایش‌نامه‌هایی از خود به جای گذاشت. "تب ورتِر" اروپا را فرا گرفت. برخی از مقامات ادعا کردند که صدها و حتی هزاران مرد جوان در روشی مشابه با ورتِر خودکشی کرده‌اند. گوته از این وسواس نگران بود، اما همچنان در آثار مبتکرانه خود با مسئله ادامه زندگی در برابر ناامیدی دست و پنجه نرم می‌کرد.

گوته که در میانسالی به شهرت فراوان رسیده بود، شروع به نگارش اثری کرد که آن را بزرگ‌ترین کار ادبی خود می‌دانست: نمایش‌نامه^۲ فاوست. فاوست یا دکتر فاوستوس شخصیتی از افسانه‌های آلمانی است که مانند ورتِر پس از اینکه متوجه می‌شود تمام تلاش‌هایش (در مورد فاوست، تلاش‌های او علمی بود) به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند، به فکر خودکشی می‌افتد. فاوست در بستر مرگ با وساطت مریم مقدس از عذاب دوزخ نجات می‌یابد.

گوته در طول زندگی خود به بررسی نقش عشق در نجات انسان پرداخت. رنج‌های ورتِر جوان همچنان بیانیه‌ای ماندگار درباره شور و احساسات جدی جوانان و وضعیت‌هایی است که به نظر غیرقابل جبران می‌آیند. گوته برای ما یادآور یک اصل کلی است که بعدها توسط وینستون چرچیل نیز بیان شد: "تا زمانی که زندگی وجود دارد، امید نیز وجود دارد."

۱. Duke of Weimar.

۲. *Faust*.

هملت

شکسپیر

هر یک از نمایش‌نامه‌های شکسپیر دارای عمقی است که یک درک ساده از چگونگی عملکرد واقعی انسان‌ها و انگیزه‌های آنها ارائه می‌دهد. بدون رفتن به دنبال مذهب یا باورهای عمیق به خدا، شکسپیر به سادگی می‌پرسد: انسان‌ها چگونه عمل می‌کنند؟ یکی از موضوعات اصلی شکسپیر حسادت و انتقام است، انگیزه‌هایی که باعث بسیاری از نگرانی‌ها و اعمال انسان می‌شوند.

شاید مهم‌ترین درسی که می‌توان از هملت آموخت این است که: بگذر. انتقام چیزی را تغییر نخواهد داد.

در این درس به بررسی خود ادامه می‌دهیم که چگونه کتاب‌های بزرگ روی تصمیمات ما در هر مرحله از زندگی، از جوانی تا پیری، تأثیر می‌گذارند، و چگونه این کتاب‌ها را با

بینش‌های جدیدی که از تجربه‌های زندگی خود کسب کرده‌ایم، می‌خوانیم. دومین بررسی ما در این قسمت براساس نمایش‌نامه هملت^۱ اثر ویلیام شکسپیر^۲ است.

یکی از مسائلی که ما گاه به گاه در زندگی با آن مواجه می‌شویم، مسئله انتقام است. آیا باید به دنبال انتقام باشیم؟ آیا باید وقت و انرژی خود را صرف فکر کردن در باره انتقام کنیم؟ هملت داستان یک نوجوان است که با انگیزه انتقام از مرگ پدرش در مسیر انتقام‌جویی به راه می‌افتد.

۱. *Hamlet*.

۲. William Shakespeare (۱۵۶۴-۱۶۱۶).

ما قبلاً به ویژه در مورد آلبرت شوایتزر دیده‌ایم که ذهن‌های متوسط به طور معمول از نبوغ متنفردند. شکسپیر یک نابغه است که با درک عمیق‌تری از طبیعت انسان نسبت به تقریباً هر نویسنده دیگری به نگارش پرداخته است. داستان هملت در دانمارک روی می‌دهد. هملت، شاهزاده دانمارک پس از مرگ پدرش می‌بیند که عمویش کلودیوس^۱ پادشاه جدید دانمارک شده، تاج و تخت را تصاحب کرده، و با ملکه گرتروود^۲، مادرش ازدواج کرده است. هملت از این اوضاع برآشفته می‌شود. یک شب که شباهت به پادشاه سابق دارد بارها و بارها در برابر نگهبانان شب ظاهر می‌شود، اما با آنها صحبتی نمی‌کند. شاهزاده هملت، در حالی که در مورد مرگ اسرارآمیز پدرش و ازدواج متعاقب و ناگهانی عمویش کلودیوس با مادرش بدگمان شده مأمور می‌شود تا سعی کند با این روح صحبت کند.

شب در برابر هملت ظاهر می‌شود و ادعا می‌کند که پدر اوست و به هملت می‌گوید که نه تنها کلودیوس او را کشته است، بلکه کلودیوس و گرتروود در زمان قتل او با هم رابطه عاشقانه نیز داشته‌اند. شب به هملت می‌گوید که کلودیوس را بکشد، اما گرتروود را بیخشد. هنگامی که هملت مشغول نقشه‌کشی برای انتقام‌گیری می‌شود، تظاهر به جنون می‌کند. رفتار هملت باعث نگرانی کلودیوس، گرتروود و مشاوران‌ها پولونیوس^۳ می‌شود که به شاهزاده جوان توصیه می‌کنند به جای بازگشت به تحصیلاتش در ویتنبرگ (شهری در آلمان)، در خانه بماند. زبان شکسپیر چکیده سخن والایی است که بخشی از تعریف ما از یک کتاب بزرگ است. یک نمونه به یادماندنی از این زبان، سخنرانی پولونیوس برای پسرش، لایرتس^۴ است، زمانی که او قصد بازگشت به ادامه تحصیل در پاریس دارد.

داستان پیچیده‌تر می‌شود، زیرا جنون ظاهری هملت در دربار بیشتر نمایان می‌گردد. اوفلیا^۵ (دختر پولونیوس و معشوقه هملت) که هملت از او خواستگاری کرده، نتیجه می‌گیرد که با پذیرفتن درخواست ازدواج هملت، او را دیوانه کرده است. هملت در حالی که به آینده خود می‌اندیشد، در یکی از باشکوه‌ترین قطعات ادبی، سوال اصلی کل بررسی ما را مطرح می‌کند:

۱. Claudius.

۲. Gertrude.

۳. Polonius.

۴. Laertes.

۵. Ophelia.

"بودن یا نبودن، مسئله این است." ^۱ آیا باید "تیر و ترکشِ بخت ستیزه‌جو" را تحمل کنیم یا باید دست به عمل بزنیم؟ ما راهی به سوی آزادی داریم، اما از آنچه ممکن است در صورت اقدام رخ دهد، می‌ترسیم. هنگامی که اوفلیا می‌کوشد با هملت آشتی کند و عشق او را بپذیرد، هملت او را طرد می‌کند و این عمل اوفلیا را به جنون می‌کشاند.

سپس هملت از گروهی از بازیگران که به دربار آمده‌اند می‌خواهد نمایشی را اجرا کنند که بازآفرینی قتل پدرش است. این نمایش باعث ناراحتی پادشاه و ملکه می‌شود و آن‌ها تالار نمایش را ترک می‌کنند. هملت آن‌ها را دنبال می‌کند تا با آن‌ها روبرو شود. کلودیوس به کلیسا می‌رود تا دعا کند و هملت تصمیم می‌گیرد که نباید در آن لحظه پادشاه را بکشد، زیرا او در حال اعتراف به گناهانش است و در نتیجه در عذاب ابدی نخواهد ماند. در هنگام رویارویی با مادرش، هملت صدایی از پشت پرده اتاق می‌شنود و گمان می‌کند که کلودیوس در آنجا پنهان شده است. او از پشت پرده با خنجر ضربه‌ای در پرده وارد می‌کند، اما پولونیوس پدر اوفلیا را که در پشت پرده پنهان شده به جای کلادیوس به اشتباه می‌کشد. کلودیوس نقشه می‌کشد که هملت را به انگلستان بفرستد تا به دست پادشاه انگلستان به قتل برسد. لایریتس پسر پولونیوس در بازگشت از پاریس متوجه می‌شود که پدرش توسط هملت کشته شده است، و خواهرش اوفلیا به دلیل دیوانگی ناشی از رفتار هملت، خود را در آب افکنده، غرق شده و در مکانی غیرمقدس دفن خواهد شد (مرگ او به عنوان خودکشی ثبت شده است). هملت به هنگامی که گورکن‌ها زمین را برای دفن اوفلیا آماده می‌کنند به گورستان می‌رود و با آن‌ها گفتگو می‌کند. او در فکر درآوردن استخوان‌های اوفلیا است و به ناپایداری زندگی می‌اندیشد.

لایریتس و کلودیوس با هم نقشه می‌کشند تا از شر هملت خلاص شوند و به او پیشنهاد می‌دهند به جای آشتی، دوئلی برگزار کنند. هملت از اشتباهی که در حق لایریتس کرده است پشیمان است، و بدون آن که بداند شمشیری که لایریتس قصد استفاده از آن را دارد به زهر آغشته شده، دوئل را آغاز می‌کند. کلودیوس به هملت یک نوشیدنی از جامی زهرآلود عرضه می‌کند. هملت از قبول آن خودداری، اما ملکه گرتروود بی‌خبر آن را می‌نوشد و می‌میرد. هملت توسط لایریتس

۱. "To be or not to be – that is the question."

زخمی می‌شود و به نوبه، لایریتس را با شمشیر سمی مجروح می‌کند. وقتی هملت متوجه می‌شود که شمشیر به سم آلوده بوده، به سوی کلودیوس حمله می‌برد و او را با یک ضربه از پای در می‌آورد. شاهزاده نروژ، فورتینبراس^۱، مردی جوان و نیرومند به قصر وارد می‌شود، و هملت با آخرین نفس‌هایش در حال مرگ او را به عنوان پادشاه دانمارک معرفی می‌کند. شاید مهم‌ترین درسی که می‌توان از هملت آموخت این است که: بگذر. انتقام چیزی را تغییر نخواهد داد.

در عفو لذتی است که در انتقام نیست.

۱. Fortinbras.

آژاکس

سوفوکلیس

برای من همیشه جالب است وقتی مردم می آیند و می گویند: "اما تو دقیقاً از شکسپیر نقل قول نمی کنی." شکسپیر هیچ گاه نسخه های منتشر شده نمایش نامه هایش را نظارت نمی کرد. تعداد اندکی از مردم چهار شب متوالی به تماشای همان نمایش نامه هملت می رفتند، و هر شب تعبیری متفاوت از آن نمایش نامه را می دیدند. شکسپیر هیچ وقت بازیگری را از صحنه بیرون نمی کشید و نمی گفت: "تو چیزی را که من نوشته ام دنبال نمی کنی." بازیگر به ابتکار خود عمل می کرد و اگر تماشاگران آن را می پسندیدند، برای شکسپیر کافی بود.

در این درس توجه خود را به دیدگاه تراژیک یکی دیگر از بزرگ ترین نویسندگان تمام دوران ها جلب می کنیم: سوفوکل^۱ تراژدی نویس یونان باستان. مانند شکسپیر، سوفوکل نیز برای جلب رضایت مخاطبان خود قلم می زد، اما مخاطبان او دموکراتیک بودند. سوفوکل به عظمت واقعی دموکراسی آتنی اعتقاد داشت. امپراتوری آتنی ها بر یک حکومت دموکراسی استوار بود، و هر تصمیمی در مورد جنگ و صلح، مالیات و سایر مسائل با رأی همه آتنی ها در یک مجمع گرفته می شد. اجرای سالانه نمایش نامه های تراژدی آتنی با هدف برپایی یک گردهمایی مستمر برای نشان دادن پیامدهای اخلاقی عمیق سیاست ها برگزار می شد. نمایش نامه های سوفوکل با آواز خوانده می شدند و دارای موسیقی، صحنه آرایی ها و لباس های مخصوص بودند. ارسطو تراژدی را به عنوان پیروی و تقلید از عملی کامل و اصیل تعریف می کرد که همراه با موسیقی و جلوه های

۱. Sophocles (۴۹۶-۴۰۶ میلاد قبل از میلاد).

صوتی اجرا می‌شد، و از راه برانگیختن احساسات ترس و دلسوزی برای شخصیت اصلی نمایش‌نامه، در تماشاگران به پاکسازی روانی می‌انجامید.

سوفوکل به بررسی تراژدی در سرنوشت آژاکس^۱ یک جنگجوی یونانی می‌پردازد. تقریباً تمام تراژدی‌های سوفوکل در گذشته‌های دور اتفاق می‌افتند، نه در زمان مقارن با قرن پنجم قبل از میلاد. موضوع اصلی در آژاکس غروری است که قبل از فروپاشی به وجود می‌آید. آژاکس یکی از قوی‌ترین جنگجویان ارتش یونان بود که شهر تروا^۲ (در ترکیه امروزی) را محاصره کرده بود. جنگ تروا یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌ها در اسطوره‌شناسی یونان و منبعی دائمی برای الهام‌گیری تراژدی‌های آتنی بود، زیرا این جنگ متضمن یکی از بهترین گفتارها در مورد حماقت و غرور انسان است. قوی‌ترین جنگجویان، آشیل^۳، در طول جنگ تروا جان باخت. پس از مرگ او، بحث‌های زیادی در گرفت که کدام یک از جنگجویان یونانی باید به عنوان نشانه بالاترین تمجید، زره آشیل را دریافت کند. آژاکس برای دریافت چنین افتخاری کاندید روشنی بود، او در میدان نبرد آن‌چنان شکوهی به دست آورده بود که هکتور^۴ فرزند بزرگ و محبوب پادشاه تروا، از روی رفاقت او را به عنوان بزرگترین دشمن یونان به رسمیت شناخته بود. منلائوس^۵ شاه اسپارت و برادرش آگاممنون^۶ آژاکس را تهدیدی برای قدرت خود می‌دیدند، و یک انتخابات تقلبی ترتیب دادند تا اودیسیوس^۷ یکی از رهبران یونان در جنگ تروا را به عنوان دریافت‌کننده زره آشیل برگزینند.

نمایش‌نامه پس از این انتخابات تقلبی آغاز می‌شود، و آژاکس از تصمیم به اعطای این افتخار به اودیسیوس کاملاً دچار ناراحتی می‌شود. او باور دارد که تنها با ریختن خون می‌تواند افتخار خود را بازپس بگیرد، و بنابراین تصمیم می‌گیرد خون تمام ارتش یونان را بریزد. خدایان یونانی به آژاکس به عنوان مردی سرشار از غرور می‌نگریستند. قبل از رفتن به جنگ، آژاکس به پدرش گفته بود که تنها چیزی که برای کسب شکوه به آن نیاز دارد، شمشیر و سپر اوست، نه خدایان.

۱. Ajax.

۲. Troy.

۳. Achilles.

۴. Hector.

۵. Menelaus.

۶. Agamemnon.

۷. Odysseus.

الهه آتنا^۱ با ایجاد نوعی نابینایی در چشمان آژاکس باعث می‌شود او یک گله گاو و گوسفند را با ارتش یونان اشتباه بگیرد. هنگامی که او برای نابود کردن یونانیان می‌رود، به جای حمله به ارتش به این گله حمله و حیوانات را هلاک می‌کند. بعد از این که آتنا بینایی او را باز می‌گرداند،

آژاکس متوجه می‌شود که با این عمل، خود را در انظار عموم بی‌حرمت کرده است. این بی‌حرمتی با این واقعیت که او زره آشیل را نبرده است، تشدید می‌شود.

در نهایت شرمساری و با نادیده گرفتن درخواست‌های همسرش، آژاکس با شمشیری که هکتور به او داده بود، به زندگی خود پایان می‌دهد. برادر آژاکس درخواست

نمایش‌نامه پس از انتخابات قلبی آغاز می‌شود، و آژاکس از تصمیم به اعطای افتخار به اودیسیئوس کاملاً دچار ناراحتی می‌شود. او باور دارد که تنها با ریختن خون می‌تواند افتخار خود را بازپس بگیرد، و بنابراین تصمیم می‌گیرد خون تمام ارتش یونان را بریزد.

می‌کند که یک هیزمدان برای سوزاندن جسد او بسازند، اما این درخواست توسط منلائوس و آگاممنون رد می‌شود، چون می‌خواهند تحقیر آژاکس را با رها کردن جسد او در همان وضعیت ادامه دهند. هنگامی که اودیسیئوس از این موضوع باخبر می‌شود، به آگاممنون می‌گوید که رفتار او قوانین خدایان را نقض کرده و فاجعه‌ای به بار خواهد آمد. اودیسیئوس ترتیب یک تشییع جنازه شایسته برای آژاکس را می‌دهد، و همچنین مراقبت از پسرش و بازگشت همسرش به یونان را به عهده می‌گیرد.

در حدی به مراتب پایین‌تر، امروزه چقدر ما همچنان موجوداتی در بند شهرت و آوازه خود نیستیم؟ اما باید به خاطر داشته باشیم که شهرتی که تنها بر اساس نظر دیگران بنا شده باشد، سرابی بیش نیست.

۱. Athena.

رساله هفتم

افلاطون

گاندی می‌گوید: "من اشتباه می‌کنم، و وقتی اشتباه می‌کنم به اندازه هیمالیا است. من بزرگ‌ترین اشتباهات ممکن را مرتکب می‌شوم. اما از این واقعیت که خردمندترین فردی که تا به حال زیسته است، به باور من افلاطون، هم اشتباه کرده و آن‌ها را پذیرفته است، آرامش می‌گیرم."

هر یک از ما احتمالاً جنبه‌ای از زندگی‌مان را بیش از حد جدی می‌گیریم و همین باعث می‌شود اشتباهاتی را مرتکب شویم. اما دانستن این که افلاطون^۱، یکی از خردمندترین افراد تاریخ نیز اشتباه کرده و به آن‌ها اذعان داشته، تسلی‌بخش است. افلاطون در مرکز هر بحثی در باره کتاب‌های بزرگ قرار دارد. آثار او به عنوان تلاش‌هایی برای فهمیدن بنیادی‌ترین پرسش‌ها، همچنان باقی و ماندگارند. افلاطون به گفته خودش یک اشتباه بزرگ مرتکب شد، و آن زمانی بود که تصمیم گرفت برای مدتی در سیاست دخالت کند. او باور داشت که می‌تواند تغییراتی در نحوه کار سیاست در سیسیل^۲ (بزرگ‌ترین جزیره در ایتالیا) ایجاد کند. او در نامه‌ای که به عنوان "رساله هفتم" شناخته می‌شود، در مورد کار خود در سیسیل سخن می‌گوید.

در زمان افلاطون، دموکراسی آتنی از درس‌های تراژدی‌های سوفوکل چشم‌پوشی کرد و تصمیم گرفت که به یک جنگ پیشگیرانه علیه اسپارت وارد شود. انتظار می‌رفت که این جنگ سریع

۱. Plato (۴۲۷-۳۴۷ میلاد قبل از میلاد).

۲. Sicilia.

باشد، اما چندین دهه به درازا کشید و با نابودی کامل آتن، از دست دادن امپراتوری و ناوگانش پایان یافت، و آتن به یک منطقه وابسته به اسپارت تبدیل شد.

اسپارتی‌ها ۳۰ مرد دیکتاتور را به کنترل شهر آتن منصوب کردند، اما زمانی که دولت آنها سقوط کرد، دموکراسی به آتن بازگشت. افلاطون تصمیم گرفته بود که زندگی خود را به آموزش و پیگیری حکمت اختصاص دهد. او می‌خواست مأموریت سقراط را ادامه دهد. اما زمانی که دیونسیوس^۱، پادشاه یونانی تبار سیراکوس^۲ واقع در سیسیل، او را برای سخنرانی دعوت کرد، افلاطون چندین ماه را به آموزش در آنجا گذراند. آرزوی او این بود که با آموزش دادن به دیونسیوس، عدالت را در دولت و جهان حکمفرما سازد. پس از مرگ دیونسیوس، پسرش

کتاب‌های بزرگ نه تنها ما را به عنوان یک فرد بهتر می‌کنند، بلکه ما را شهروندان بهتری نیز می‌سازند.

دیونسیوس دوم جانشین او شد. دیون^۳، برادر دیونسیوس اول، افلاطون را دوباره به سیسیل دعوت کرد تا معلم خصوصی حاکم جوان شود. افلاطون به زودی متوجه شد که دربار کانون توطئه و بی‌اعتمادی است. دیونسیوس جوان مانند یک حاکم مستبد عمل می‌کرد، و

پس از آن که عموی خود را تبعید کرد، افلاطون تصمیم گرفت که به آتن بازگردد.

افلاطون در آتن به تأمل در معنای قدرت و عدالت ادامه داد. او با استفاده از گفتگوهای با سقراط برای توضیح پیچیدگی‌های حکومت، کتاب بزرگ جمهوری^۴ خود را به پایان رساند. او پیشنهاد کرد که بنیاد یک حکومت واقعاً خوب باید بر اساس عدالت استوار باشد، و حاکمان و شهروندان باید دارای فضایل اصلی خرد ورزی، عدالت، شجاعت، و میانه روی باشند.

دیونسیوس دوم از افلاطون دعوت کرد که به سیسیل بازگردد و هدایای ارزشمندی برای تشویق به او پیشنهاد داد. دیونسیوس در ابتدا تلاش کرد تا افلاطون را متقاعد کند که او دانشجوی وفادار اوست و به حکمت نوشته‌های افلاطون اعتقاد دارد. اما زمانی که از افلاطون خواست تا نامه‌ای را به عمویش در مورد پرداخت پول بدهی امضا کند، این درخواست افلاطون را درگیر

۱. Dionysius (۴۳۲-۳۶۷ میلاد قبل از میلاد).

۲. Syracuse.

۳. Dion.

۴. Republic.

نقشه‌های سیاسی کرد، و وقتی که افلاطون در نهایت موافقت کرد تا این سند را در ازای اجازه برای بازگشت به آتن امضا کند، خود را دام دیونیسیوس و تهمت‌های ناشی از ماهیت جعلی سندی که امضا کرده بود، دید. با فشار زیادی که رهبران یونان بر دیونیسیوس وارد کردند در نهایت افلاطون اجازه یافت به آتن باز گردد. در آنجا بود که او به تعریف مجدد یک جامعه عادلانه پرداخت و به این نتیجه رسید که تنها قانون می‌تواند حاکم واقعی یک ملت باشد.

کتاب‌های بزرگ ما را نه تنها به عنوان یک فرد بهتر می‌کنند، بلکه ما را شهروندان بهتری نیز می‌سازند. بنیان‌گذاران ایالات متحده قوانین^۱ افلاطون را مطالعه کردند و از آن به عنوان مبنایی برای تدوین قانون اساسی استفاده کردند. شاید دقیقاً دانستن محتوای قانون اساسی برای آمریکایی‌های عادی چندان مهم نباشد، اما آن‌ها روح قانون اساسی را در فکر خود پذیرفته‌اند. پایه‌گذاری ایالات متحده بر اساس قانون اساسی نشان می‌دهد که چرا آمریکا بیش از هر کشور دیگری در تاریخ، آزادی برای جهان به ارمغان آورده است.

۱. *Laws of Plato.*

”در باب پیری“

سیسرون

بنیان‌گذاران ایالات متحده سیسرون را به مراتب بیشتر از افلاطون تحسین می‌کردند، به دلیل زندگی سیاسی و اصول اعتقادی او و به خاطر پاکیزگی زبان لاتین او. این بنیان‌گذاران از سخنرانی‌ها و آثار فلسفی سیسرون نیز فایده می‌بردند.

پس از اینکه ایام جوانی خود را سپری کردیم و اشتباهات میان‌سال‌ها را مرتکب شدیم، چگونه با دوران پیری روبرو شویم؟ برای پاسخ به این پرسش، به سراغ مارکوس تولیوس سیسرون^۱ خطیب و سیاست‌مدار و مقاله او درباره پیری^۲ می‌رویم. سیسرون به موازات افلاطون، شایسته توجه در هر بررسی در مورد کتاب‌های بزرگ است. او معادل رومی افلاطون است: مردی با دانش عمیق فلسفی، یک سبک‌پرداز برجسته لاتین، و یک میهن پرست واقعی.

سیسرون در یک شهر کوچک در ایتالیا به دنیا آمد. پدرش تاجری موفق بود که هدفش فراهم کردن فرصتی واقعی برای آموزش سیسرون بود. سیسرون چندین سال را در خارج از کشور، در یونان گذراند، و خود را در یادگیری، فلسفه و بلاغت^۳ (فن بیان) یونانی غوطه‌ور ساخت. او در یک حرفه موفق حقوقی شروع به کار کرد و به شهرتی به عنوان یک مرد راستگو دست یافت. هنگامی که هنوز نسبتاً جوان بود، سیسرون به اوج یک حرفه سیاسی در جمهوری روم باستان

۱. Marcus Tullius Cicero (۱۰۶-۴۳ قبل از میلاد).

۲. “On Old Age.”

۳. Rhetoric.

رسید. او در سالی که رم در معرض خطر یک شورش و جنگ داخلی قرار داشت، سمت کنسول روم، (مهم‌ترین منصب بعد از دیکتاتور روم) را به عهده گرفت. با وجود شهرت بی‌نظیری که داشت، دشمنان سیاسی او را به اتهامات واهی محکوم و به تبعید روانه کردند. سیسرون دوران تبعید خود را با متانت تحمل کرد و پس از آن به روم باز گشت.

ما اطلاعات زیادی در باره سیسرون داریم، زیرا او تعداد زیادی نامه از خود به جا گذاشته است. سیسرون معتقد بود در صورتی که همه احزاب در جامعه بتوانند اختلافات خود را کنار بگذارند و با هم به نفع مردم همکاری کنند، روم می‌تواند قانون اساسی خود را علیرغم دسیسه‌های افرادی مانند ژولیوس سزار^۱ حفظ کند. هنگامی که سزار به عنوان دیکتاتور روم به قدرت رسید، او به سیسرون مقام برجسته‌ای در میان مشاورانش پیشنهاد کرد. سیسرون که احساس قصور در برابر مردم روم می‌کرد و نمی‌خواست در خدمت یک ظالم باشد، از پذیرفتن این سمت امتناع کرد و در منزل روستایی خود بازنشسته شد. زندگی سیسرون ویران شده بود، او طلاق گرفته بود، دخترش فوت کرده بود و پسرش در یونان مشغول تلف کردن پول پدر بود. اما سیسرون به

جای اینکه بگذارد این وضعیت او را درهم بشکند، این بدبختی را به یک دوره از خلاقیت تبدیل کرد.

سیسرون در صحن سنای روم برخی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین سخنرانی‌ها در تاریخ خطابه‌های سیاسی را ایراد کرد، و مارک آنتونی را به عنوان یک غاصب و یک ظالم بالقوه محکوم کرد.

سیسرون در سن ۶۱ سالگی هنگامی که سزار در اوج قدرت بود و سیسرون در تبعیدی خودخواسته به سر می‌برد، اثر

خود را با عنوان دربارهٔ پیری نوشت. این اثر به زبان لاتین و به صورت گفت‌وگوشنود نوشته شده است. شرکت‌کنندگان اصلی این گفتگو عبارتند از: کاتوی بزرگ با نام کامل مارکوس پورکیوس کاتو^۲ یکی از رقبای سزار، پوبلیوس کورنلیوس سیپیو^۳ بزرگ‌ترین فرمانده نظامی و لانیوس^۴، دولتمرد که "خردمند" نامیده می‌شد. بر خلاف افلاطون، سیسرون به جای انتزاعات، از شخصیت‌های تاریخی برای رد باورهای نادرست و رایج در باره پیری استفاده می‌کند. رومیان

۱. Julius Carsar (۱۰۰-۴۴ میلاد قبل).

۲. Marcus Porcuus Cato (۲۳۵-۱۴۹ قبل از میلاد).

۳. Publius Cornelius Scipio (۲۳۶-۱۸۳ قبل از میلاد).

۴. Gaius Laelius (۲۳۵-۱۶۰ میلاد قبل).

همیشه معتقد بودند، همانطور که اسپارتی‌ها باور داشتند که پیری با خود خردورزی به ارمغان می‌آورد. سیسرون تأکید می‌کرد که هر مرحله‌ای از زندگی توانایی‌ها، وظایف، لذت‌ها، و اهمیت خاص خود را دارد.

سیسرون پس از ترور سزار به سنای روم باز گشت. او مصمم بود با مارک آنتونی^۱ به مخالفت برخیزد و آزادی را به روم باز گرداند. سیسرون در صحن سنای روم برخی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین سخنرانی‌ها در تاریخ خطابه‌های سیاسی را ایراد کرد، و مارک آنتونی را به عنوان یک غاصب و یک ظالم بالقوه محکوم کرد. آنتونی بیرون رانده شد، اما بعداً با اکتاوین^۲ به توافق رسید تا توطئه‌گران، یعنی بروتوس^۳ و کاسیوس^۴ که ژولیوس سزار را کشته بودند، تحت تعقیب قرار دهد. اکتاوین ملقب به آگوستوس، اولین امپراتور روم پس از سقوط جمهوری روم بود. قبل از اینکه آنتونی با اکتاوین متحد شود، اصرار داشت که سیسرون کشته شود. اکتاوین با اکراه با این تصمیم موافقت کرد. سیسرون به جای فرار، تصمیم آنتونی و اکتاوین را پذیرفت و خود را به جلادان سپرد. ممکن است ما شباهت‌هایی را بین آخرین حضور سیسرون در سنای روم و تصمیم بنجامین فرانکلین^۵ یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده برای حضور در کنوانسیون قانون اساسی ببینیم. فرانکلین علیرغم کهولت سن و ناتوانی، نقشی اساسی در متقاعد کردن شرکت‌کنندگان در کنوانسیون برای امضای قانون اساسی آمریکا ایفا کرد.

۱. Mark Antony (قبل از میلاد ۳۰-۸۳).

۲. Octavian (قبل از میلاد ۱۴-۶۳).

۳. Marcus Brutus (قبل از میلاد ۴۲-۸۵).

۴. Gaius Cassius (قبل از میلاد ۴۲-۸۶).

۵. Benjamin Franklin (قبل ۱۷۹۰-۱۷۰۵) (از میلاد).

توبه کار

ایزاک سینگر

فایده زندگی طولانی یا کوتاه چیست اگر در طول زندگی نیاموزیم، و در نتیجه زندگی و تجربه‌هایی که به دست می‌آوریم، از نظر فکری، اخلاقی و معنوی رشد نکنیم؟

در این درس، به بررسی در مورد چگونه زندگی کردن خود ادامه می‌دهیم. ما از دوران جوانی به میانسالی و سپس به کهنسالی پیش‌رفته‌ایم، و اکنون به این مطلب فکر خواهیم کرد که چه اتفاقی می‌افتد وقتی ناگهان در مراحل مختلف زندگی متوجه می‌شویم که اشتباه بزرگی کرده‌ایم. یکی از مهم‌ترین، ماندگارترین و قدرتمندترین مطالعات در مورد درک اشتباه، کتاب توبه کار^۱ اثر ایزاک سینگر^۲، داستان‌نویس و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۷۸ است. سینگر به این

برای شاپیرو، جستجوی
پیوند با خدا معنادارترین
هدفی است که یک فرد
می‌تواند دنبال کند.

پرسش می‌پردازد که فایده زندگی طولانی یا کوتاه چیست اگر یاد نگیریم و از نظر فکری، اخلاقی و معنوی رشد نکنیم.

ایزاک سینگر در لهستان در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. پدرش خاخام و مردی بسیار مذهبی بود. داستان توبه کار ما

را به فرهنگ کهن یهودی بازمی‌گرداند که هنگام صحبت در باره رمان شب اثر الی ویزل بررسی کردیم. از قرن هجدهم تمایل شدیدی در میان بسیاری از یهودیان وجود داشت تا در جوامع اروپایی جذب شوند و بخشی از آن باشند. با این حال، سینگر متوجه شد که یهودیان اروپایی

۱. *The Penitent*.

۲. Issac Singer (۱۹۰۲-۱۹۹۱).

در خطر جدی قرار دارند. بنابراین او در سال ۱۹۳۵ لهستان را به مقصد ایالات متحده ترک کرد. با این وجود، سینگر به این باور داشت که در زبان مادریش، زبان ییدیش^۱ چیزی خاص وجود دارد و رمان‌های فوق‌العاده‌ای به زبان ییدیش نوشت.

یکی از زیباترین آثار او رمان توبه‌کار است که در سال ۱۹۶۹ اتفاق می‌افتد و سینگر خودش به شرح آن می‌پردازد. سینگر در این داستان برای اولین بار به اورشلیم سفر می‌کند و در آنجا او به داستان جوزف شاپیرو^۲ (توبه‌کار) گوش می‌دهد. شاپیرو به سینگر می‌گوید که چگونه از وحشت جنگ جهانی دوم جان سالم به در برد، به یک کمونیست متعهد تبدیل شد، و با دید تحقیر به جامعه یهودیان مؤمن می‌نگریست. شاپیرو می‌خواست با دوست دخترش به فلسطین نقل مکان کند تا یک اسرائیل سوسیالیستی را بازسازی کند. اما وقتی نتوانست ویزای ورود به فلسطین را دریافت کند، به نیویورک رفت، با دوست دخترش ازدواج کرد و کسب و کاری موفق در املاک و مستغلات به راه انداخت. شاپیرو در نیویورک به یک زندگی مجلل دست یافت، اما زمانی که متوجه شد همسرش وارد رابطه‌ای پنهانی شده، سرخورده شد. شاپیرو در حالی که در خیابان‌های نیویورک پرسه می‌زد، به سوی گروهی که مشغول دعا بودند کشیده شد، جایی که به یاد دوران جوانی‌اش افتاد. اگرچه در ابتدا مردد بود، اما ناگهان به صدا درآمد و شروع به دعا کردن کرد. این تجربه در دل او الهامی افکند تا به اسرائیل نقل مکان کند. هنگامی که به اسرائیل رسید، از همسرش طلاق گرفت و در نهایت با زنی به نام سارا ازدواج کرد، و راه بازگشت به سنت یهودی را که قبلاً رد کرده بود، در پیش گرفت. شاپیرو از سینگر می‌خواهد تا از موفقیت‌های مادی و آلودگی رسانه‌های مدرن دست بردارد، و در عوض به فضل خداوند، کتاب مقدس و خرد درونی خود توجه کند. برای شاپیرو، جستجوی ارتباط با خدا معنادارترین هدفی است که یک فرد می‌تواند در پیش گیرد.

سینگر کتاب توبه‌کار را نوشت تا عقاید خود را به دیگران تحمیل کند. او این رمان را نوشت تا ما را ترغیب کند در هر مرحله از زندگی به این فکر کنیم که از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم، و اینکه که همیشه می‌توانیم تغییر کنیم.

۱. Yiddish.

۲. Joseph Shapiro.

آلستیس

اورپید

هدف نمایش نامه‌های تراژدی این بود که احساس ترس و ترحم را در شما بیدار کند، و از این طریق به کاتارسیس^۱ دست یابد. کاتارسیس به معنای تطهیر و تخلیه روانی یا پاکسازی احساسات عاطفی است تا شما بتوانید بدون ترس و ترحم تصمیم‌گیری کنید.

در این درس به سومین موضوع این مطالعه می‌پردازیم. ما ابتدا با مثال‌هایی از روح شکست‌ناپذیر انسان شروع کردیم. سپس به دوران جوانی و پیری پرداختیم. اکنون به سراغ عشق، شاید قوی‌ترین احساس انسانی می‌رویم. مطلب را از یونان باستان، با دو نمایش نامه از اورپید^۲ یا اورپیدس از شاعران آن دوران آغاز می‌کنیم. اولین نمایش نامه‌ای که بررسی خواهیم کرد، آلستیس^۳ نام دارد.

اصول تراژدی (نمایش غم‌انگیز) آتنی را که در درس مربوط به سوفوکل بحث کردیم، به خاطر بیاورید: تراژدی تقلیدی است از عملی که کامل و برجسته است. این گونه نمایش با موسیقی زیبا و زبان رسا، اما نه به صورت روایت، اجرا می‌شود تا در مخاطب احساسات ترس و ترحم را برانگیزد. اوج تراژدی آتنی همزمان با اوج روز بزرگ دموکراسی در آتن بود. اورپید در زمان حیاتش به دلایلی در بین مخاطبان آتنی محبوبیت زیادی پیدا نکرد، زیرا دیدگاه‌های او نسبت به دیگر نمایش نامه‌نویسان، بیشتر آینده‌نگر و افکار او الحادی بود. ارسطو معتقد بود که برخی

۱. Catharsis.

۳. *Alcestis*.

۲. Euripides (۴۸۴-۴۰۶ میلاد). (قبل از میلاد ۴۰۶-۴۸۴).

از شخصیت‌های اورپید با معیارهای شرافت و نجابت سازگاری ندارند و بسیاری از آثار او بیش از حد اغراق‌آمیز و ملودراماتیک هستند. اما مخاطبان اورپید او را بعدها بسیار مورد تحسین قرار دادند.

در نمایش‌نامه آلتیس، اورپید به این پرسش می‌پردازد که معنای عشق واقعی چیست. داستان نمایش‌نامه در پادشاهی کوچکی به نام فرای در تسالی^۱ یکی از شهرهای یونان باستان روی می‌دهد که توسط مردی به نام آدمتوس^۲ حکمرانی می‌شود. به عنوان مجازاتی برای کشتن سیکاوپ‌ها^۳ (موجوداتی افسانه‌ای یا نژادی کهن از غول‌های یک چشمی در وسط پیشانی)، زنوس^۴ پادشاه خدایان، خدای آپولو^۵ را مجبور می‌کند که به عنوان برده آدمتوس به مدت یک سال خدمت کند. آدمتوس با آپولو با مهربانی فراوان رفتار می‌کند. در پاسخ به این محبت، آپولو به آدمتوس می‌گوید که او مجبور نیست در زمان مقرر بمیرد به شرطی که بتواند کسی را پیدا کند که داوطلبانه به جای او بمیرد. هنگامی که مرگ به سراغ آدمتوس می‌آید، تنها کسی که حاضر است به جای او بمیرد، همسرش آلتیس است. در زمانی که تمام پادشاهی در عزای مرگ آلتیس سوگوار است، هرکول^۶ بزرگ‌ترین پهلوان اسطوره‌ای یونان وارد خانه آدمتوس می‌شود.

هرکول بر مرگ غلبه می‌کند و آلتیس را از مرگ باز می‌گرداند. آلتیس برای سه روز قادر به صحبت کردن نیست، اما به زودی تمام توانایی‌های او باز می‌گردند. اورپید نمایش را با یک گروه از رامشگران متشکل از بزرگان شهر فرای به پایان می‌رساند که درس نمایش را چنین بیان می‌کنند: راه‌های خدایان برای انسان‌ها غیرقابل درک هستند، آنچه را برایش دعا می‌کنیم به ما نمی‌دهند، و آنچه را که نمی‌خواهیم به ما می‌دهند. رستاخیز آلتیس یک معجزه ساده است که باید ما را به ایمان وادار کند.

اورپید یک شکاک مذهبی نبود و در واقع اعتقادات عمیق مذهبی داشت. نمایش‌های او به

۱. Pherae in Thesaly.

۲. Admetus.

۳. Cyclopes.

۴. Zeus.

۵. The God of Apollo,

۶. Hercules.

صورت اجراهای مذهبی برگزار می‌شدند، چیزی مشابه یک محراب یا قربانگاه در وسط تئاتر قرار می‌گرفت، و هر نمایش‌نامه به خدای دیونیسوس^۱، یا خدای شراب، زراعت و باروری تقدیم می‌شد. پرستش دیونیسوس که فرزند زئوس از یک زن فانی بود، دین رسمی آتن بود. زئوس دیونیسوس را پس از آنکه الهه حسود به نام هرا^۲ او را نابود کرد، دوباره زنده ساخت. هرا بانوی قدرت، حامی زنان و ملکه آسمان‌ها بود. یونانیان باور داشتند که دیونیسوس زندگی جاودانه دارد

و هرکس به او ایمان بیاورد برای همیشه زنده خواهد ماند. آنها در قدرت خدایان که هر سال زندگی را از دل مرگ بیرون می‌آورند - مانند شکوفه دادن تاک‌های انگور در فصل بهار پس از ویرانی و سرمای زمستان - رمز و راز عمیقی می‌دیدند.

این تراژدی یونانی و درس از
خودگذشتگی و تحمل مشقت به
جای شخص دیگر، بازتابی عمیق
در ذات رازگونه مسیحیت پیدا کرد.

دیونیسوس نماد قهرمانی است که رنج کشید و به زندگی باز گردانده شد تا بشریت را نجات دهد، و این همان پیام نمایش‌نامه آلتیس نیز بود. این تراژدی یونانی و درس بلاگردانی و از خود گذشتگی و تحمل مشقت به جای شخص دیگر، در ماهیت رمز و راز مسیحیت بازتابی عمیق پیدا کرد. مسیحیان تحصیلکرده در قرون دوم و سوم میلادی در داستان آلتیس این اندیشه را می‌دیدند که خداوند در تلاش است تا ذهن‌های غیریهودیان را برای پذیرش پیام حقیقی مسیحیت آماده کند.

۱. Dionysus.

۲. Hera.

مده آ

اورپید

در یونان باستان تحصیل زیر نظر یکی از سوفسطائیان^۱ (سفسطه‌گرها)، مبلغ زیادی مانند فرستادن دانشجویی به دانشگاه هاروارد امروزی هزینه داشت.

در این درس به بررسی موضوع عشق ادامه می‌دهیم و به نمایش نامه مده آ^۲ اثر دیگر اورپید از شاعران یونان باستان می‌پردازیم. آتنی‌ها به دموکراسی ارزش زیادی می‌دادند و مسئولیت مدنی را بسیار مهم می‌دانستند، اما زنان به عنوان شهروندان منفعل شناخته می‌شدند و اجازه رای دادن یا حضور در نمایش‌های تراژدی را نداشتند. حضور مردان در این نمایش‌ها یک وظیفه شهروندی محسوب می‌شد.

در آتن آزادی ناشی از دموکراسی باعث موجی از نوآوری و خلاقیت شده بود که بیشتر در کارهای هنری دیده می‌شد، اما این آزادی همچنین باعث شد ارزش‌های آتنی زیر سؤال بروند. سوفسطائیان یا سفسطه‌گرها یکی از اولین گروه‌هایی بودند که تمامی جنبه‌های زندگی و باورهای آتنی را به چالش کشیدند، و در عین حال از اولین گروه از مرییان حرفه‌ای بودند. شهروندان آتن مبالغ زیادی برای آموزش پسران خود نزد سوفسطائیان پرداخت می‌کردند تا آن‌ها یاد بگیرند چگونه خوب سخن بگویند و در عرصه سیاسی متقاعد کننده و موفق باشند. سوفسطائیان بر این باور بودند که برای تأثیرگذاری بر مخاطب، سخن‌ران باید بتواند یک

۱. Sophists.

۲. Medea.

استدلال نادرست را به همان خوبی یک استدلال درست ارائه دهد. اولین گام در یادگیری اینکه

اورپید در مده‌آ به مخاطبان خود نشان می‌دهد که زنان زمانی خطرناک می‌شوند که از محدودیت‌های معمول خود یعنی تبعیت کامل خارج شوند.

چگونه سیاستمدار موفق می‌شوند، این بود که دروغ گفتن به طور مؤثر را یاد بگیرند. سوفسطائیان همچنین آموزش می‌دادند که ارزش‌های ابدی و عینی وجود ندارند. این پرسش در مورد ارزش‌ها به

ارزیابی حقوق زنان نیز منجر شد. افلاطون به ما می‌گوید که دموکراسی آتن آن‌قدر در تعریف آزادی به مفهوم برابری پیش رفته بود که بسیاری به حمایت از حقوق کامل سیاسی برای زنان پرداختند.

اورپید نمایش‌نامه نویس یونان باستان در نمایش‌نامه مده‌آ به موضوع حقوق زنان می‌پردازد. این نمایش‌نامه متعلق به دوران اسطوره‌ای است و این سوال را مطرح می‌کند: آیا زنان باید تحت کنترل شدید مردان باشند؟ داستان اورپید در کورینس^۱ شهری در یونان اتفاق می‌افتد و تمرکز آن روی زندگی جیسون^۲، قهرمان آرگونوت‌ها^۳ (گروهی از پهلوانان) و همسرش مده‌آ است. مخاطبان آتنی پیش‌زمینه‌ای از گذشته جیسون، مده‌آ و داستان آرگونوت‌ها داشتند، و این دانش مشترک دست اورپید را باز می‌گذاشت تا نمایش‌نامه خود را از نقطه‌ای آغاز کند که دو شخصیت اصلی یعنی جیسون و مده‌آ در کورینس ساکن گشته و صاحب فرزند شده‌اند. کرئون^۴ پادشاه کورینس از جیسون می‌پرسد که آیا او مایل است با دخترش ازدواج کند. جیسون برای پیشرفت موقعیت شغلی خود با این وصلت موافقت می‌کند. مده‌آ با شنیدن این خبر خشمگین می‌شود و سوگند می‌خورد که از جیسون، همسر جدیدش، و کل پادشاهی کورینس انتقام بگیرد.

جیسون سعی می‌کند مده‌آ را متقاعد کند که تصمیم او به نفع همه، از جمله فرزندان‌شان خواهد بود. با این حال مده‌آ به خشم خود ادامه می‌دهد تا جایی که شاه کرئون او را خطرناک می‌بیند و

۱. Corinth.

۲. Jason.

۳. Argonants.

۴. King Creon.

از قلمرو خود اخراج می‌کند. اوریپید در آخرین تلاش جیسون برای متقاعد کردن مده‌آ نشان می‌دهد که او از زبان سوفسطائیان استفاده می‌کند تا بگوید که کارهایش منصفانه است. مده‌آ که به ظاهر خود را تحت تأثیر جیسون نشان می‌دهد، تاج و لباسی طلایی به همسر جدید جیسون پیش‌کش می‌کند. اما مده‌آ این هدایا را به زهر آلوده کرده و وقتی شاهزاده خانم لباس را می‌پوشد، در آتش شعله‌ور می‌شود. کرئون تلاش می‌کند تا دخترش را از مرگ نجات دهد، اما هر دوی آن‌ها جان خود را دست می‌دهند. سپس مده‌آ فرزندان خود را گرد هم می‌آورد، آن‌ها را برای آخرین بار می‌بوسد و بعد همه را به قتل می‌رساند. او با درخواست کمک از شاه آگیوس^۱، پادشاه آتن روانه آتن و پناهنده در آنجا می‌شود، و جیسون را در ویرانی و تباهی رها می‌کند.

تراژدی مده‌آ فقط برای تماشاگران مرد اجرا می‌شد. اغلب گفته می‌شود که برخی از نمایش‌نامه نویسان مانند آیسخولوس^۲ از اولین تراژدی‌نویس یونان باستان، تلاش می‌کردند از حقوق زنان دفاع کنند. با این حال اوریپید در مده‌آ به مخاطبان خود نشان می‌دهد که زنان زمانی خطرناک می‌شوند که از محدودیت‌های معمول خود یعنی تبعیت کامل خارج شوند. این دیدگاه را بسیاری از دولتمردان و فیلسوفان آتنی نیز می‌پذیرفتند.

چنین نمایش‌نامه‌هایی مانند مده‌آ در طول زمان با ما سخن می‌گویند، اما در تفسیری که از آن‌ها می‌کنیم باید آگاه باشیم که ارزش‌های خود را به نوعی دیگر از دموکراسی کاملاً متفاوت تحمیل نکنیم.

۱. King Aegeus.

۲. Aeschylus (۴۵۵-۵۲۵ میلاد).

تریستان و ایزولت

فون استراسبورگ

"شرف" کلمه‌ای است که امروزه همیشه از آن استفاده می‌کنیم، اما در جامعه ما معنایی ندارد. شرف فقط می‌توانست در جامعه‌ای شکوفا شود که دوئل یا نبرد تن به تن به رسمیت شناخته می‌شد، و مبارزه دوئل در قلب نظام فئودالی یا ارباب‌رعیتی قرار داشت.

در این درس بحث خود را در باره موضوع عشق ادامه می‌دهیم. در داستان تریستان و ایزولت^۱ که در اشعار زیبای گاتفرید فون استراسبورگ^۲، شاعر آلمانی در اوایل قرن سیزدهم میلادی به نظم درآمده است، به این می‌اندیشیم که چرا شاید همیشه بهتر است حقیقت را در باره روابط خود بیان کنیم. اروپای غربی در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ شاهد شکوفایی کامل نظام فئودالی بود. این نظام از هرج و مرج ناشی از فروپاشی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امپراتوری روم پدید آمده بود، و بر اساس نیاز یک دوک^۳ یا شاهزاده محلی به داشتن ارتش برای محافظت از مردم و معیشت آنها استوار بود. شوالیه‌ها^۴ یا قهرمانان و دلاوران به دوک‌های محلی خدمت می‌کردند، و دوک‌ها نیز به نوبه خود در خدمت پادشاه بودند.

از درون نظام فئودالی، شوالیه پدید آمد و همراه با آن اندیشه والای شوالیه‌گری یا جوانمردی شکل گرفت. شوالیه‌ها صرفاً جنگجویان نبودند، آن‌ها به یک رشته ضوابط رفتاری پایبند بودند که بر اصول شرف و صداقت استوار بود.

۱. *Tristan and Isolde*.

۲. Von Strasburg (۱۲۱۵-۱۱۸۰).

۳. Duke (لقب سلطنتی به معنی فرمانده).

۴. Knight (مقام افتخاری به معنی سوارکار).

اصول شوالیه‌گری با ایده عشقِ اشرافی یا درباری به سطح بالاتری ارتقا یافت. در دورانی که زنان اشرافی معمولاً قادر به انتخاب همسر خود نبودند، ایده عشق درباری ترتیبی را مشروعیت می‌بخشید که در آن زن به معشوق‌ای ارزشمند و مورد ستایش احساسی و معنوی تبدیل می‌شد. یکی از رویایی‌ترین داستان‌های چنین عاشقانی، داستان ترستان و ایزولت است. این گونه داستان‌های عاشقانه قرون وسطایی به صورت‌های گوناگونی روایت شده‌اند، زیرا هر بار که در دربار خوانده می‌شدند، تغییر می‌کردند. شاید بهترین متن ترستان و ایزولت را فون استراسبورگ سروده باشد. شماری از پژوهشگران ایران از جمله پرویز ناتل خانلری اولین مترجم این اثر به فارسی معتقدند که بین افسانه ترستان و ایزولت و داستان عاشقانه ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی شاعر نامدار ایرانی در قرن ۱۱ میلادی ارتباطی آشکار و مشابهتی عمیق وجود دارد.

فون استراسبورگ احتمالاً متن خود از داستان ترستان و ایزولت را در حدود سال ۱۲۱۰، سالی که درگذشت، سروده است. داستان در بریتانیا و بریتانی اتفاق می‌افتد. داستان در کورن‌وال^۱، شهر کوچکی در جنوب غربی انگستان با شوالیه مشهوری به نام ریوالین^۲ آغاز می‌شود که عاشق بلانچ‌فلور^۳، خواهر مارک^۴ پادشاه کورن‌وال می‌شود. ریوالین و بلانچ‌فلور از ترس اینکه عشق خود به شاه بگویند، به بریتانی استانی تاریخی و منطقه‌ای فرهنگی در فرانسه می‌روند، در آنجا ازدواج می‌کنند و بلانچ‌فلور باردار می‌شود. ریوالین در جریان یک دوئل کشته می‌شود و بلانچ‌فلور قبل از اینکه او هم بمیرد، فرزندش را به دنیا می‌آورد. کودک را ترستان نام‌گذاری می‌کند و یکی از دوستان مورد اعتماد ریوالین ترستان را به عنوان فرزند می‌پذیرد و او را بزرگ می‌کند. به ترستان تمام مهارت‌های یک شوالیه آموزش داده می‌شود، و او سرانجام به کورن‌وال سفر می‌کند، جایی که مطمئن می‌شود به شاه مارک خدمت خواهد کرد. شهر کورن‌وال تحت فشار مالیاتی سنگین از طرف پادشاه ایرلند قرار دارد. برای حل این مشکل و برقراری صلح بین شاه مارک و پادشاه ایرلند، ترستان پیشنهاد می‌کند که شاه مارک با ایزولت، دختر پادشاه ایرلند ازدواج کند. ترستان به ایرلند می‌رود و با کشتن اژدهایی مورد پسند پادشاه قرار می‌گیرد. ازدواج

۱. Cornwall.

۲. Knight Rivalin.

۳. Blanchfleur (گل سفید).

۴. King Marke.

ایزولت و شاه مارک ترتیب داده شده می شود. با توجه به اینکه شاه مارک بسیار مسن تر از ایزولت است، خدمتکار ایزولت یک معجون عشق آماده می کند به امید اینکه به ایزولت کمک کند تا عاشق او شود. اما در مسیر باز گشت به کورن وال، ترستان و ایزولت به طور اشتباهی معجون عشق را می نوشند و دیوانه وار عاشق یکدیگر می شوند.

آنها متوجه می شوند که تحت تأثیر معجون عشق قرار گرفته اند، با این حال عشق خود را به ثمر می رساند، زیرا می دانند که هنوز باید نزد شاه مارک باز گردند. در سنت عشق های درباری فریب دادن برای عشق هرگز ننگ آور نبود.

بنابراین ترستان و ایزولت به یک رشته فریب کاری در مورد شاه مارک دست می زنند. عشق آنها برای هر کسی که نظاره گر آنها باشد آشکار است، اما شاه مارک حاضر به باور کردن هیچ اتهامی بر علیه ترستان نیست.

در قلب آئین عشق درباری در قرون وسطی
این باور وجود داشت که هرچند ما انسان ها
در این دنیا ناقص هستیم، اما در ما جرقه ای از
آن عشق الهی وجود دارد که ما را با خدا پیوند
می دهد.

برای فرونشاندن شایعات در حال پخش، ایزولت به مارک می گوید که سوگند یاد خواهد کرد که هرگز در آغوش مرد دیگری نبوده است و این کار را در برابر تمام پادشاهی انجام خواهد داد. هنگامی که مقدمات لازم برای سوگند خوردن علنی ایزولت فراهم می شود، ترستان (با لباس مبدل به عنوان یک زائر) فرستاده می شود تا به ایزولت کمک کند که از قایق پیاده شود. او عمداً در برابر شاه و نظارت کنندگان خود را روی زمین می اندازد و ترستان او را می گیرد. بنابراین او می تواند به طور علنی قسم بخورد که هرگز در آغوش هیچ مرد دیگری جز زائری که سعی کرده او را از قایق نجات دهد، نبوده است.

شایعات در مورد ترستان و ایزولت همچنان ادامه پیدا می کند، و شاه مارک سرانجام به حقیقت ماجرا پی می برد. او ترستان و ایزولت را به خارج از دربار می فرستد تا بروند و با هم خوشبخت زندگی کنند، به جای اینکه در دربار بمانند و دل او را بشکنند. پس از مدتی شاه مارک با مشاهده

مخفیانه این دو عاشق کاشف به عمل می‌آورد و خود را متقاعد می‌کند که ترستان و ایزولت افرادی نجیب و پاک‌دامن هستند. او آن‌ها را دوباره به دربار دعوت می‌کند، اما شایعات دوباره اوج می‌گیرد، و شاه سرانجام به ترستان می‌گوید که برود و هرگز باز نگردد.

ترستان سفرهای دوردستی را آغاز می‌کند و کارهای شوالیه‌گری بسیاری انجام می‌دهد، و در نهایت خدمات خود را به پادشاه آرون‌دل^۱، شهرکی در انگستان که اراضی آن در سواحل اسکاتلند است، عرضه می‌دارد. اتفاقاً دختر این پادشاه نیز ایزولت، ایزولت سفید‌دستان^۲ نام دارد. او دیوانه‌وار عاشق ترستان می‌شود و در نهایت با هم ازدواج می‌کنند. ترستان در حین تلاش برای کمک به برادر همسرش، با یک نیزه آلوده به سم زخمی می‌شود. او باور دارد که تنها عشق واقعی او، ایزولت واقعی، می‌تواند او را نجات دهد، بنابراین کسی را به دنبال او می‌فرستد. هنگامی که همسر ترستان از وجود ایزولت اول اطلاع پیدا می‌کند، به شدت حسادت می‌رزد. با رسیدن کشتی ایزولت به ساحل، همسر ترستان به او می‌گوید که ایزولت به او پشت کرده است و ترستان می‌میرد.

ایزولت از مرگ ترستان با خبر می‌شود، به قلعه‌ای که جسد بی‌روح ترستان در آنجا افتاده می‌رود، او را در آغوش می‌گیرد و از شدت عشق جان می‌بازد. هنگامی که شاه مارک از این واقعه مطلع می‌شود، به آرون‌دل سفر می‌کند و آرزو می‌کند که ایکاش ایزولت از ابتدا به او اعتماد کرده و از عشقش به ترستان به او گفته بود. او اجازه می‌داد آن‌ها با هم باشند تا اینکه او این اندوه بزرگ را تحمل کند. شاه مارک اجساد ترستان و ایزولت را به کورن‌وال بازمی‌گرداند، کلیسای کوچکی برای آن‌ها می‌سازد و آن‌ها را در یک تابوت به خاک می‌سپارد. در قلب آئین عشقِ درباری در قرون وسطی این باور وجود داشت که هرچند که ما انسان‌ها در این دنیا موجودات ناقصی هستیم، اما در ما جرقه‌ای از آن عشق الهی وجود دارد که ما را با خدا پیوند می‌دهد.

۱. Arundel.

۲. Isolde of the White Hands.

آنتونی و کلئوپاترا

شکسپیر

شکسپیر این استاد ژرف‌نگر در طبیعت انسان، نه تنها به صحنه آرایی، بلکه به آموزش و مطالعه شخصیت افراد در داستان آنتونی و کلئوپاترا می‌پردازد. این اثر یکی از شاهکارهای اوست که در سال ۱۶۰۷ زمانی که او در اوج خلاقیت خود بود، به نمایش درآمد.

در این درس، ما به کاوش خود را در موضوع عشق با نمایشی که بر اساس رویدادهای تاریخی است، نه داستانی خیالی، ادامه می‌دهیم. آنتونی و کلئوپاترا^۱ نمایش‌نامه‌ای عاشقانه و تراژیک اثر ویلیام شکسپیر^۲ که یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های نبوغ خلاقانه این نویسنده است.

بسیاری از مخاطبان شکسپیر اطلاعاتی درباره سزار، آگوستوس^۳ و مبارزات برای امپراتوری روم داشتند. این نمایش‌نامه موضوعی در باره این مبارزه دارد و در باره تصمیم مردی است که قدرت و سلطنت خود را برای رسیدن به عشق از دست می‌دهد. پس از ترور سزار در سال ۴۴ قبل از میلاد، مردم روم همانطور که بروتوس^۴ و کاسیوس^۵ سناتورهای روم انتظار داشتند، باز گشت به آزادی را جشن نگرفتند. مردم از توطئه‌گران به دلیل کاری که کرده بودند، یعنی قتل سزار، نفرت داشتند. مارک آنتونی^۶، سیاستمدار با نفوذ و فرمانده که کنسول (کلانتر) سزار هم بود، وارد عمل شد و شروع به تحکیم قدرتی کرد که زمانی سزار آن را در اختیار داشت.

۱. *Antony and Cleopatra*.

۲. William Shakespeare (۱۵۶۴-۱۶۱۶).

۳. Caesar Octavian (قبل از میلاد ۶۳-۱۴).

۴. Marcus Brutus (قبل از میلاد ۸۵-۴۲).

۵. Gaius Cassius (قبل از میلاد ۸۶-۴۲).

۶. Mark Antony (قبل از میلاد ۸۳-۳۰).

داستانی که شکسپیر روایت می‌کند تنها داستان مارک آنتونی نیست، این داستان چهار مرد است که هر یک از آنها بعد از ترور سزار فرصتی برای دستیابی به قدرت جهانی داشتند. لپیدوس^۱ از خانواده‌ای بسیار برجسته رومی بود، یک فرمانده توانمند، یک مدیر لایق، و رقیبی جدی برای مارک آنتونی بود. سکستوس پومپه^۲، پسر پومپه کبیر^۳ نیز برای کسب قدرت تلاش می‌کرد. اما شگفت‌آورترین فرد در این مبارزه، گایوس اکتاویوس^۴ بود. او تنها ۱۹ سال داشت زمانی که خبر ترور عموی بزرگش سزار به او رسید. سزار او را پس از مرگ به فرزندی پذیرفته بود و نام سزار و همچنین ثروتی هنگفت برای او به جا گذاشته بود. ما او را با نام اکتاویان می‌شناسیم، اما شکسپیر در تمام طول نمایشنامه از او با نام سزار یاد می‌کند.

شکسپیر نمایش خود را در سال ۴۲ قبل از میلاد آغاز می‌کند. پس از یک دوره درگیری اولیه، آنتونی و سزار جوان نیروهای خود را با نیروهای لپیدوس ترکیب کرده، توطئه‌گران را در یونان شکست داده‌اند، و این زمانی است که سزار جوان وعده خود برای گرفتن انتقام خون پدرش را عملی کرده است. در آغاز نمایش، آنتونی روم را ترک می‌کند تا نظم را به خاورمیانه باز گرداند، مالیات‌ها را جمع‌آوری کند، و دولت‌های مختلف وابسته را که سعی در استقلال از امپراتوری روم داشتند، تحت کنترل درآورد. آنتونی باید با کلئوپاترا^۵ ملکه مصر سازش کند، ملکه‌ای که از پذیرفتن درخواست آنتونی مبنی بر ملاقات پادشاهان وابسته با او در سوریه خودداری کرده است. زمانی که او سرانجام کلئوپاترا را روی قایق تفریحی‌اش می‌بیند، آنتونی کاملاً عاشق و دل‌باخته ملکه می‌شود و او به معشوقه‌اش تبدیل می‌گردد. جالب است یادآوری کنیم که کلئوپاترا در صفحات شکسپیر چیزی بیش از یک معشوقه پرتوقع نیست، در حالی که کلئوپاترای واقعی شخصیتی بسیار متفاوت است.

در پرده اول، پیام‌رسانان خبرهای جدی برای آنتونی می‌آورند. خواهر و برادر او توافق او با سزار جوان را نقض کرده و در ایتالیا جنگ داخلی به راه انداخته‌اند، و مدعی هستند که به نام آنتونی عمل کرده‌اند. سنای روم و سزار جوان آنتونی را مسئول این وقایع می‌دانند. علاوه بر این،

۱. Marcus Lepidus (قبل از میلاد ۱۳-۸۸).

۲. Sextus Pompeius (قبل از میلاد ۳۵-۶۷).

۳. Pompey the Great (میلاد قبل از ۴۸-۱۰۶).

۴. Gaius Octavius (قبل از میلاد ۵۹-۱۰۰).

۵. Cleopatra (قبل از میلاد ۳۰-۶۹).

نیروهای آنتونی توسط ایرانی‌ها شکست خورده‌اند، و او از مرگ خواهرش نیز مطلع شده است. آنتونی تصمیم می‌گیرد که باید به روم باز گردد، به مسائل مربوط به سزار جوان رسیدگی کند، و اقتدار خود را دوباره اعمال نماید. کلئوپاترا، معشوقه دل‌شکسته او اصرار دارد که آنتونی

به محض بازگشت به روم او را فراموش خواهد کرد، اما آنتونی چنان عاشق دلباخته اوست که سوگند می‌خورد چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

سزار جوان از شنیدن این خبر
بسیار خشمگین می‌شود که
آنتونی تمام قسمت شرقی
امپراتوری روم را به کلئوپاترا و
فرزندانش بخشیده است.

شکسپیر تصویری باشکوه از اتحاد آنتونی، سزار و لپیدوس ارائه می‌دهد. از همان ابتدای نمایش مشخص است که سزار قدرت را به دست خواهد آورد، اما در این

مرحله به آنتونی احترام می‌گذارد. لپیدوس ضعیف‌ترین عضو این گروه است. این سه مرد اختلافات خود را حل کرده و توافق می‌کنند که نیروهای خود را بر علیه پومپه بسیج کنند. شکسپیر پومپه را با همدردی به تصویر می‌کشد، او سیاستمدار و جنگ‌سالاری توانمند و باشرف است، و همین اشتباه اوست. تصمیم گرفته می‌شود که آنتونی به شرق باز گردد، پومپه دریاها را از دزدان دریایی پاک کند، لپیدوس به وظایف دولتی خود ادامه دهد، و سزار به رم برگردد. آنتونی به نزد کلئوپاترا باز می‌گردد، اما در این میان همسری نیز اختیار کرده است که خواهر سزار است، همسری که در چهارچوب یک توافق برای برقراری نظم و ترتیب در امپراتوری روم با او ازدواج کرده است. آنتونی به زودی خبری را دریافت می‌کند که بر اساس آن سزار بدون اجازه او پومپه را نابود و لپیدوس را از قدرت برکنار کرده است.

سزار جوان نفر بعدی است که از دریافت این خبر بسیار خشمگین می‌شود که آنتونی تمام قسمت شرقی امپراتوری روم را به کلئوپاترا و فرزندانش بخشیده و به فرزند کلئوپاترا عنوان "شاه شاهان" را از طرف سزار کبیر داده است. سزار به سنای روم می‌رود و ادعا می‌کند که کلئوپاترا فکر آنتونی را خراب و او را مردی دیوانه و خطرناک کرده است. شکسپیر به سرعت صحنه را به نبرد سرنوشت‌ساز میان سزار جوان و مارک آنتونی تبدیل می‌کند. شکسپیر به وضوح تفاوت اساسی میان ارزش‌های رومی و ارزش‌های خاورمیانه را نشان می‌دهد. هنگامی که آنتونی برای رفتن به جنگ آماده می‌شود، کلئوپاترا او را متقاعد می‌کند که به جای یک جنگ زمینی، وارد

یک نبرد دریایی شود. آنتونی در این مورد تردید دارد، چون می‌داند که نبرد دریایی کاملاً به کشتی‌های کلئوپاترا وابسته خواهد بود. علیرغم هشدارهای مکرر دوستانش، آنتونی تلاش می‌کند اعتماد خود به کلئوپاترا را نشان دهد. ناوگان آنتونی در حال پیروزی در جنگ است تا اینکه کلئوپاترا عقب‌نشینی و فرار می‌کند، و این باعث تسلیم شدن ناوگان آنتونی می‌شود. آنتونی که به او خیانت شده بود مجبور به تسلیم در برابر سزار می‌شود و به عنوان مردی شکست خورده نزد کلئوپاترا در اسکندریه مصر باز می‌گردد.

با نزدیک شدن سزار به اسکندریه، آنتونی به طور احمقانه‌ای تلاش می‌کند تا سزار را از طریق مبارزه تن به تن به چالش بکشد. سزار با تمسخر این درخواست را رد می‌کند و ناوگان آنتونی بار دیگر به او خیانت می‌کند. کلئوپاترا خود را در برجی حبس می‌نماید و منتظر رسیدن سزار می‌ماند. او پیامی به آنتونی می‌فرستد که خودکشی کرده است. آنتونی در ناامیدی سعی می‌کند که خود را با شمشیرش بکشد. اما خودکشی با یک شمشیر نیم متری بسیار دشوار است. آنتونی در تلاش خود برای خودکشی موفق نمی‌شود، اما پیکر زخمی او را در خیابان‌های اسکندریه حمل می‌کنند و او را در سبدي به کلئوپاترا می‌رسانند. آنتونی در آغوش کلئوپاترا جان می‌دهد.

هنگامی که سزار به اسکندریه وارد می‌شود، کلئوپاترا پیشنهاد می‌کند که دارایی‌هایش را با او تقسیم کند، اما در باره میزان ثروتش دروغ می‌گوید. دلچسپی برای کلئوپاترا جعبه‌ای انجیر می‌آورد که در آن یک مار پنهان است. کلئوپاترا مار را به سینه‌اش می‌فشارد و می‌میرد. آخرین کلمات نمایش به سزار تعلق دارد. قرار بر این می‌شود که آنتونی و کلئوپاترا در مقبره‌ای باشکوه کنار هم دفن شوند. گروه بازیگران از صحنه خارج می‌شوند. سزار به عنوان برنده و آنتونی مردی است که همه چیز را به خاطر عشق فدا کرده است.

مکبث

شکسپیر

مکبث^۱ یکی از قدرتمندترین نمایشنامه‌های شکسپیر است. این نمایشنامه کوتاه‌ترین تراژدی و در میان سایر آثار شکسپیر بسیار مورد علاقه آبراهام لینکلن رئیس جمهور آمریکا بود. لینکلن نمایشنامه‌های شکسپیر را بسیار خوب می‌شناخت.

ما بررسی خود را در باره موضوع عشق با یکی از خشونت‌آمیزترین و بی‌عاطفه‌ترین عشق‌های تاریخ ادامه می‌دهیم: عشق میان سرداری دلیر و لایق به نام مکبث و همسرش بانو مکبث. سردار مکبث شاهزاده کاودور^۲ دهکده‌ای در ارتفاعات اسکاتلند است. اساس این تراژدی وقایع

مکبث تصویری هولناک از شرارت واقعی یک حکومت استبدادی است. اما ایده مکبث و بانو مکبث مبنی بر اینکه خوشبختی با قدرت همراه است، محدود به گذشته نیست، ما امروزه نیز همچنان با این ایده درگیر هستیم.

اسکاتلند و تاریخ خونین آن است. تا سال ۱۰۴۰ که زمان مکبث است، این منطقه به قلمروهای قبیله‌ای تقسیم می‌شد که توسط فرماندهان جنگجو اداره می‌شدند. سرزمین مکبث سرزمینی است که در اثر رقابت‌های متعدد برای کسب قدرت به هم ریخته شده است. پادشاه بلندپایه اسکاتلند در وضعیت

بی‌ثباتی بر تخت سلطنت نشسته و کشورش از همه جوانب مورد حمله دشمنان قرار گرفته است. در صحنه آغازین نمایش‌نامه جادوگران برای تماشاگران قرن هفدهم نشانگر شر واقعی

۱. Macbeth.

۲. Cawdor.

هستند. حضور آنها نشان می‌دهد که روند طبیعی وقایع در نمایشنامه به کلی واژگون خواهد شد و هیچ چیز آن‌طور که باید و شاید نخواهد بود.

ما با مکبث از دیدگاه دانکن^۱، پادشاه شریف و مهربان اسکاتلند آشنا می‌شویم. دانکن قصد دارد مکبث را به عنوان فرمانروای کاودور منصوب کند. مکبث در راه ملاقات با پادشاه است به گروهی از جادوگران برخورد می‌کند که او را از عنوان جدیدش مطلع می‌سازند، و پیشگویی می‌کنند که او در آینده پادشاه اسکاتلند خواهد شد. آنها همچنین به سردار بانکو^۲، یکی از فرماندهان سپاه می‌گویند که او شاه نخواهد شد، اما پسرانش شاه خواهند شد.

بانو مکبث به علت عطش به قدرت مصمم است که شوهرش به هر طریقی پادشاه شود. او نقشه‌ای می‌ریزد تا دانکن را به قتل برساند و محافظان او را مقصر جلوه دهد. مکبث بر اثر تلقین جادوگران و با اغوای لیدی مکبث در شبی که پادشاه مهمان اوست او و محافظانش را در خواب به قتل می‌رساند و جهنمی برای خود به وجود می‌آورد. او پسران شاه را که برای نجات جانشان فرار کرده‌اند به توطئه متهم می‌کند. مکبث به عنوان پادشاه اسکاتلند تاج‌گذاری می‌کند. او از ترس پیشگویی جادوگران در باره بانکو، تصمیم می‌گیرد او و پسرش را نیز به قتل برساند تا اطمینان حاصل کند که سلطنتش ادامه خواهد داشت. بانکو کشته می‌شود، اما پسرش فرار می‌کند.

قدرت و جاه طلبی همان‌طور که در اعمال مکبث دیده می‌شود، انسان را فاسد می‌کند. سلطنت خونین مکبث بر اسکاتلند بر اساس ظلم و جنایت حکمفرما می‌شود. خانواده فایف^۳ (شهرستانی در اسکاتلند) به انگلستان می‌گریزند تا مالکوم^۴ پسر دانکن را پیدا کرده و او را متقاعد کنند که تاج و تخت پدر را پس بگیرد. مالکوم که می‌خواهد صلح و عقلانیت را به کشورش باز گرداند، موافقت می‌کند که مکبث را سرنگون کند. مکبث به دنبال جادوگران می‌رود تا از آن‌ها راهنمایی بگیرد. به او گفته می‌شود که از خانواده فایف برحذر باشد، و با این

۱. Duncan.

۲. Banquo.

۳. Fife.

۴. Malcolm.

آگاهی جنگ کند که هیچ مردی که از زنی زاده شده باشد، نمی‌تواند او را شکست دهد. بانو مکبث که از احساس گناه دچار عذاب وجدان و دیوانه شده است، خودکشی می‌کند. مالکوم و مک‌داف^۱ (خانم فایف) به سوی قلعه پیش می‌روند. مک‌داف به دنبال مکبث می‌گردد و او را می‌کشد، زیرا او "زودتر از موعد" از رحم مادرش بیرون کشیده شده، و در نتیجه "زاده زن" نبوده است. سرانجام مالکوم تاج پادشاهی اسکاتلند را بر سر می‌گذارد.

مکبث تصویری هولناک از شرارت واقعی یک حکومت استبدادی است، اما ایده مکبث و بانو مکبث مبنی بر اینکه خوشبختی با قدرت همراه است، متعلق به گذشته نیست، این ایده همچنان امروزه نیز در تعقیب ماست.

۱. Macduff.

دنیای قشنگ نو

آلدوس هاکسلی

یک خط تولید طولانی وجود دارد و ما می‌بینیم که چگونه جنین‌های کوچک به طور بسیار علمی و بهداشتی روی خط تولید قرار می‌گیرند. سپس هر کدام به طور دقیق بارور می‌شوند و در ادامه مسیر، واکسن‌های لازم را دریافت می‌کنند تا هرگز بیمار نشوند و هیچ نقص مادرزادی نداشته باشند.

ما از آلستیس تا مکبث به بررسی موضوع عشق پرداخته‌ایم و دریافته‌ایم که عشق چقدر می‌تواند مشکلات و ویرانی به بار آورد. در آخرین کتاب از این بخش، دنیای قشنگ نو^۱، یک رمان علمی-تخیلی، اثر آلدوس هاکسلی^۲ را بررسی خواهیم کرد که در آن عشق و عاشقی نیست و کاملاً از بین برده می‌شود. هاکسلی در یک خانواده بانفوذ و روشنفکر انگلیسی به دنیا آمد. او

در کالج ایتون به تحصیل پرداخت، سپس به دانشگاه آکسفورد رفت و از آنجا مدرک گرفت. او کار نویسندگی خود را به عنوان روزنامه نگار آغاز کرد، اما بعدها به رمان نویسی روی آورد. هاکسلی در سال ۱۹۳۲ دنیای قشنگ نو را منتشر کرد که یکی از پیشگویانه‌ترین رمان‌های قرن

عنوان دنیای قشنگ نو از
نمایش نامه طوفان شکسپیر
گرفته شده است.

بیستم است، و آرمان‌شهری را به تصویر می‌کشد که در آن مهندسی ژنتیک به آفرینش انسان‌ها

۱. *Brave New World*.

۲. Aldous Huxley (۱۸۹۴-۱۹۶۳).

با ویژگی‌های از پیش تعیین شده می‌پردازد.

داستان در سال ۶۳۲ بعد از فورد^۱، یعنی ۶۰۰ سال بعد از سال ۱۹۳۲ آغاز می‌شود. این تاریخ مانند بعد از میلاد با الهام از هنری فورد^۲ مخترع خط تولید انبوه خودروی ارزان قیمت تعیین شده است. محل وقوع داستان لندن است، در مرکزی برای تخمک‌گذاری و شرطی‌سازی، جایی که موجودات جدید خلق و آموزش داده می‌شوند تا شهروندان خوبی برای این دنیای جدید باشند. مدیر مرکز مشغول آشنا کردن گروهی از کارگران جدید با فرآیند تولید کودکانی است که بدون نقص مادرزادی و مقاوم در برابر بیماری‌ها هستند. نوزادان بر اساس استعداد و توانایی به گروه‌های مختلف آلفا، بتا، گاما و اپسیلون تقسیم می‌شوند. این رده بندی نزولی بر اساس هوش و توانایی ذهنی و اجتماعی انسان‌های "تولید شده" تنظیم می‌شود. کل جامعه بر اساس یک اقتصاد مصرفی تنظیم شده است. کودکان به گونه‌ای شرطی می‌شوند که از تجربیاتی ارزشمند مانند لذت بردن از طبیعت یا خواندن کتاب پرهیز کنند، و شرایط از پیش تعیین شده آنها در زندگی در هر فرصتی تأیید شود. در این جهان تولد از شکم مادر و داشتن پدر و مادر مانند اعتقاد به خدا و دین و داشتن خانواده کاملاً منسوخ می‌شود، و روابط جنسی با کنترل کامل موالید آزاد است. هنری فورد به دلیل توسعه خط تولید و درک نیاز به کالاهای مصرفی به عنوان یک پیامبر مورد احترام و ستایش است. از او با لفظ "فورد ما" به جای "خدای ما" یاد می‌شود.

در دنیای قشنگ نو، آزمایشگاه تخم‌گذاری و پرورش جایی است که چندین جوان روشنفکر از اعضای گروه آلفا: برنارد، هلمهولتز و هنری کار می‌کنند. برنارد و هلمهولتز با هم دوست می‌شوند و به صورت افرادی به نظر می‌رسند که کمی خارج از هنجارهای معمول هستند. این دو به جای سرگرم شدن با لذت‌های معمول جامعه، به خواندن، تنهایی و سفر کردن به مناطق غیر بهداشتی دنیا می‌اندیشند. برنارد که علاقمند به زندگی در خارج از جامعه کنترل شده است، می‌خواهد با دختری به نام لنینا به یک کوچ‌نشین (رزرویشن) در نیومکزیکو سفر کند که در آن "وحشی‌ها" سکونت دارند، افرادی که در گذشته مانند انسان‌ها زندگی می‌کردند. پس از گرفتن اجازه از مدیر آزمایشگاه، او همراه با لنینا به این کوچ‌نشین یا ناحیه حفاظت شده سفر می‌کند،

۱. AF: After Ford.

۲. Henry Ford (۱۸۶۳-۱۹۴۷).

و با چیزهایی که هرگز ندیده‌اند، مانند مراسم مذهبی، افراد سالمند و آشفته‌گی‌های طبیعی زندگی انسانی روبرو می‌شود. برنارد و لنینا در طول اقامتشان با زنی به نام لیندا آشنا می‌شوند و متوجه می‌شوند که او روزگاری در لندن زندگی می‌کرده و رابطه‌ای با مدیر آزمایشگاه داشته است. لیندا پسری به نام جان از مدیر آزمایشگاه دارد که در کوچ‌نشین بزرگ شده و به نوعی از زبان شکسپیری صحبت می‌کند. این موضوع به داستان مفاهیم جدیدی از تمدن، فرهنگ و طبیعت انسانی اضافه می‌کند.

لیندا و جان با برنارد و لنینا به لندن باز می‌گردند. برنارد جان را با مدیر روبه‌رو می‌کند و مدیر از این رازگشایی درهم می‌شکند. جان و برنارد به سرعت به چهره‌های مشهوری تبدیل می‌شوند. اما جان نمی‌تواند با جنبه‌های تمدن در لندن کنار بیاید، و در نهایت جان و برنارد و هلمهولتز به حضور "عالیجناب" مصطفی که نوعی دیکتاتور روشن‌فکر است، فراخوانده می‌شوند. مصطفی اصول و اعتقادات جامعه جدید را برای آنها توضیح می‌دهد و به هلمهولتز و جان اجازه می‌دهد لندن را ترک کنند. اما جان برای رهایی از تمدن به برجی متروکه در یک فانوس دریایی در سواحل لندن فرستاده می‌شود، او دائماً مورد مزاحمت مطبوعات و گردشگران قرار می‌گیرد، و این مزاحمت‌های مداوم در نهایت او را به خودکشی وامی‌دارد.

عنوان دنیای قشنگ نو از رمان طوفان^۱ شکسپیر گرفته شده است. در زمان شکسپیر به نظر می‌رسید که کشف دنیای جدید فصلی نو در تاریخ بشریت باز کرده و فرصتی برای رسیدن به روشی بهتر برای زندگی فراهم آورده است. اما متأسفانه این رؤیا هرگز به تحقق نپیوست. علم و فناوری جدید قرن نوزدهم به جای آنکه وسیله‌ای برای از بین بردن رنج‌های انسانی باشد، به یک نیروی تخریبی دیگر تبدیل شد. هاکسلی در پیش‌گفتاری که برای چاپ بعدی دنیای قشنگ نو نوشت، به سوءاستفاده از فناوری اشاره کرد. او آینده را تنها به صورت یک دنیای تقسیم شده با چندین قدرت هسته‌ای، یا یک حکومت جهانی می‌دید که بسیار شبیه به دنیای شگفت‌انگیز جدید توصیف شده در رمانش است.

۱. *The Tempest*.

ادیسه

هومر

پولیفموس^۱ می گوید: "من هیچ اهمیتی به خدای زئوس نمی دهم، اما به شما می گویم که کمی گرسنه‌ام." سپس دو نفر از همراهان اودیسه^۲ قهرمان کتاب ادیسه^۳ را می گیرند، سرهایشان را می کند، خونشان را می نوشند، و آنها را با صدای بلند می جود، مثل اینکه یک بال مرغ را می خورید. "بفرمایید" می گوید و به خواب می رود.

ما در درس‌های گذشته موضوع روح تسخیر ناپذیر انسان را بررسی کرده‌ایم، نگاهی به چگونگی گذران زندگی از جوانی تا پیری انداخته‌ایم و به موضوع عشق پرداخته‌ایم. در این درس به چهارمین موضوع این تحقیق یعنی ماجراجویی می پردازیم. اودیسه یکی از دو کتاب بزرگ اشعار حماسی یونان، اثر هومر^۴ و ادامه کتاب ایلید است. این کتاب مضمونی عالی دارد، به زبانی شیوا نوشته شده است، و با گذشت زمان همچنان با ما سخن می گوید. نخست وزیر بریتانیا، ویلیام گلاستون^۵ معتقد بود که می توان کلیه قواعد اخلاقی لازم برای داشتن یک زندگی خوب و عادلانه را با مطالعه ایلید و ادیسه جمع آوری کرد.

ادیسه توسط هومر (در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد) در سال‌های آخر عمر او سروده شده

۱. Polyphemus (جانور افسانه‌ای نیمه‌انسان).

۲. Odysseus.

۳. *Odyssey* (هم معنای سرگردانی و آوارگی).

۴. Homer (زاده قرن ۸ قبل از میلاد).

۵. William Gladstone (۱۸۰۹-۱۸۹۸).

است. این اشعار داستان پیرمردی به نام اودیسیئوس را روایت می‌کند که می‌خواهد پس از جنگ تروا به خانه باز گردد و صلح و آرامش پیدا کند، اما به خوبی می‌داند که زندگی می‌تواند مشکلات بسیار زیادی به همراه داشته باشد.

در پایان یک عمر طولانی پر از رنج و سختی، شاید بهترین درسی که هر یک از ما می‌توانیم بیاموزیم این باشد که در خانه بمانیم، از خانواده خود مراقبت کنیم، و به یک زندگی که شادی ساده‌ای به ارمغان می‌آورد به جای شکوه راضی باشیم.

اودیسیئوس از همان ابتدا تمایلی به شرکت در جنگ تروا^۱ (جنگ بین یونانیان و شهر تروا) نداشت، و از اینکه جنگ ۱۰ سال طول کشید، تعجب نکرد. خدایان پس از آنکه یونانیان را بر تروا (تروجان‌ها) پیروز کردند، مصمم بودند که آنها را مجازات کنند. اما هیچ یک از یونانیان بیشتر و

سخت‌تر از اودیسیئوس رنج نکشید. هنگامی که اودیسیئوس و همراهانش سفر بازگشت خود را به وطن آغاز می‌کنند، ابتدا سعی می‌کنند به سیکونی‌ها^۲ (ساکنان شهر ایسماروس در یونان باستان) حمله کنند، اما مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، و طوفان کشتی آنها را به آب‌هایی ناشناخته می‌برد.

اودیسیئوس در اولین سرزمین جدید باید همراهانش را نجات دهد. همراهان او به خشکی رسیده بودند و پس از مصرف نیلوفر آبی، همه خاطرات مربوط به خانه را فراموش کرده بودند. خدایان، کشتی اودیسیئوس را به سرزمین سیکلوپ^۳ (موجودات افسانه‌ای نیمه‌انسان) هدایت می‌کنند، جایی که او و همراهانش توسط پولیفموس، غولی با یک چشم در وسط پیشانی، اسیر می‌شوند. اودیسیئوس و همراهانش موفق به فرار می‌شوند، زیرا با خوراندن شراب به پولیفموس او را بیهوش کرده و سپس چوبی را که نوک آن تیز است در چشم او فرو می‌کنند تا او را نابینا کنند.

در مرحله بعد، این افراد به سرزمین شاه آیولوس^۴ می‌رسند. آیولوس خدای زمینی بادهای است

۱. Trojan War.

۲. Ciconians.

۳. Cyclopes.

۴. King Aeolus.

و تلاش می‌کند به اودیسیئوس در رسیدن به تروآ کمک کند. او تمام بادهای بد را در کیسه‌ای می‌بندد تا تنها پس از سالم رسیدن اودیسیئوس به ایتاکا^۱ (انطاکیه باستانی) باز شود. اما این نقشه توسط خدمه کنجکاو کشتی که کیسه را باز کرده و بادهای را رها می‌کنند، نقش بر آب می‌شود، و سرانجام کشتی به جزیره الهه سرسی یا کیرکه^۲ که جادوگری قدرتمند در زمینه گیاهان دارویی و معجون است رانده می‌شود.

اودیسیئوس از طریق هرمس^۳، خدای سرعت و روشنایی، معجونی دریافت می‌کند تا او را در برابر جادوی سرسی محافظت کند. او برای مدتی طولانی پیش سرسی می‌ماند تا اینکه همراهانش او را متقاعد می‌کنند که سفر بازگشت خود به سوی وطن را از سر بگیرد. اودیسیئوس قبل از آنکه به جزیره آپولو برسد با خطرات و دشواری‌های زیادی از جمله سفری به دنیای زیرین روبرو می‌شود. اگرچه به همراهان اودیسیئوس هشدار داده شده بود که از خوردن گوشت گاو در جزیره خودداری کنند، اما آنها نافرمانی کرده و بار دیگر باعث خشم خدایان می‌شوند.

کشتی به هنگام حرکت از جزیره آپولو دچار طوفان و نابود می‌شود، و تنها اودیسیئوس زنده می‌ماند. او وارد جزیره‌ای در سرزمین فایاکی‌ها^۴ می‌شود، و داستان خود را در دربار فایاکی‌ها تعریف می‌کند. در نهایت مردم مهمان‌نواز و خوش‌گذاران این جزیره او را به ایتاکا باز می‌گردانند.

یکی از درس‌های زندگی این است که درست وقتی همه چیز درست به نظر می‌رسد، مشکلات جدیدی پیش می‌آیند. در بازگشت به ایتاکا، آتنا^۵، الهه تدبیر و خرد و نگهبان شهر آتن به اودیسیئوس می‌گوید که با وجود اینکه پنلوپه^۶، همسرش به او وفادار مانده است، اما خانه‌اش پر از خواستگاران است که خواستار ازدواج مجدد با او هستند. اودیسیئوس در یک لباس مبدل شبیه یک گدا به خانه‌اش باز می‌گردد. تنها سگ و خدمتکاران او را می‌شناسند. او به طور

۱. Ithaca.

۲. Goddess Circe.

۳. Hermes.

۴. Phaeacians.

۵. Athena.

۶. Penelope.

خصوصی با پسرش تلماخوس^۱ ملاقات می‌کند و در مورد خواستگاران و نقشه پیلوپه برای دور نگه‌داشتن آنها باخبر می‌شود. تلماخوس در حالی که پدرش هنوز در لباس گدا است، خواستگاران را جمع می‌کند و اعلام می‌کند که مادرش با مردی ازدواج خواهد کرد که بتواند تیری در کمان پدرش قرار دهد و آن کمان را زه کند. وقتی که هیچ یک از خواستگاران موفق به انجام این کار نمی‌شوند، اودیسیئوس درخواست می‌کند که این فرصت به او داده شود. او کمان را آماده می‌کند، تمام خواستگاران را می‌کشد، و سرانجام دو باره به همسر و پسرش ملحق می‌شود.

در پایان یک زندگی طولانی پر از رنج و سختی، شاید بهترین درسی که هر یک از ما می‌توانیم بیاموزیم این باشد که در خانه بمانیم، از خانواده خود مراقبت کنیم، و به یک زندگی که شادی ساده‌ای به ارمغان می‌آورد به جای شکوه و جلال راضی باشیم.

۱. Telemachus.

فیلوکتس

سوفوکل

هشدارهایی وجود داشت، و سوفوکل^۱ این هشدارها را به نمایش گذاشت. طاعون بزرگ در سال ۴۳۰ پیش از میلاد به آتن ضربه زد. در سال ۴۲۹ پیش از میلاد، سوفوکل نمایش نامه خود ادیپ^۲ را روی صحنه برد، داستانی درباره یک دولتمرد و پادشاه تبای^۳ (شهری در یونان) که باور داشت عقل انسان می تواند همه چیز را حل کند، اما ناگهان با تقدیر و شیوع یک طاعون وحشتناک مواجه شد.

در این درس به بررسی موضوع ماجراجویی با نگاهی به نمایشنامه فیلوکتس^۴ اثر سوفوکل

طنزآمیز به نظر می رسد که سه هزار سال بعد، جوانانی که در سال ۱۹۱۴ به جنگ رفتند، از تحصیل کرده ترین نسل ها در آثار کلاسیک بودند.

تراژدی نویس یونان باستان ادامه می دهیم. داستان این نمایش نامه در باره جنگ و رنج است. از فیلوکتس می آموزیم که اگر جنگ چیزی باشد، قطعاً یک ماجراجویی بزرگ نیست. در سال ۴۰۹ پیش از میلاد، آتنی ها در بحبوحه بزرگترین درگیری تاریخ یونان، جنگ بین آتن و اسپارت بودند. اسپارت شهر

مشهور باستانی در یونان است. جنگ تحت رهبری پریکلس^۵، سخنور و یکی از خردمندترین

۱. Sophocles (۴۹۷-۴۰۶ میلاد قبل).

۲. Oedipus.

۳. Thebes.

۴. Philoctetes.

۵. Pericles (۴۹۵-۴۲۹ میلاد قبل).

دولتمردان آتنی آغاز شد. پریکلس آتنی‌ها را متقاعد کرد که اسپارت یک حکومت شرور است که قصد نابودی آتن را دارد، و جنگ سریع و باشکوه خواهد بود. سوفوکل با این جنگ مخالفت کرده بود و در نمایشنامه خود به نام ادیپ شهریار^۱ به پریکلس در باره جنگ هشدار داده بود.

فیلوکتس در سال ۴۰۹ پیش از میلاد به نمایش درآمد. فیلوکتس یک قهرمان بود که به هرکول، ایزد قدرت و پهلوانان، خدمت کرده و محبت او را به دست آورده بود. هرکول کمان شکست‌ناپذیر خود را به او داد، و او را برای روشن کردن آتش در یک توده هیزم برای سوزاندن جسد خود در تشییع جنازه‌اش انتخاب کرد. فیلوکتس به همراه آشیل^۲، اودیسهوس^۳، آگاممنون^۴ و منلائوس^۵ راهی تروآ شدند، و همه جوان پهلوانان در اشتیاق شکوه جنگ بودند. در راه سفر به تروآ، جنگجویان جوان در جزیره‌ای توقف کردند. در آن جزیره، فیلوکتس به طور ناخواسته مرتکب گناهی شد، زیرا به یک معبد الهی وارد شد. خدایان او را مجازات کردند و ماری او را نیش زد. زخم فیلوکتس به قدری چرکین شد که ادامه سفر با او برای دیگران بسیار ناخوشایند گردید، و بنابراین او را در جزیره به حال خود رها کردند تا بمیرد. او در مدتی که جنگ در تروآ جریان داشت در جزیره زنده ماند. پس از کشته شدن آشیل در جنگ، یک پیشگو به یونانیان گفته بود که اگر بتوانند کمان هرکول را به دست آورند، خواهند توانست تروآ را فتح کنند.

رهبران یونان تصمیم می‌گیرند اودیسهوس و نئوپتولموس^۶ (پسر آشیل) را برای به دست آوردن کمان از فیلوکتس بفرستند. اودیسهوس به نئوپتولموس امر می‌کند که به فیلوکتس دروغ بگوید، به او بگوید که آمده تا او را به خانه‌اش باز گرداند و انتقام تصمیم دادن زره آشیل به اودیسهوس را بگیرد. فیلوکتس با رفتن به خانه موافقت می‌کند، اما وقتی از درد زخم بی‌هوش می‌شود، اودیسهوس پیشنهاد می‌دهد که آنها فقط کمان را دزدیده و فیلوکتس را در جزیره به حال خود بگذارند. نئوپتولموس از همکاری با نقشه اودیسهوس خودداری می‌کند، و سرانجام حقیقت را به فیلوکتس می‌گوید. فیلوکتس از رفتن به تروآ و یا دادن کمان خودداری می‌کند، اما هرکول که اکنون یک خدا شده است، برای میانجیگری فرود می‌آید. هرکول به فیلوکتس می‌گوید که

۱. *Oedipus Rex*.

۲. *Achilles*.

۳. *Odysseus*.

۴. *Agamemnon*.

۵. *Menelaus*.

۶. *Neoptolemus*.

اودیستوس را ببخشد و برای تصرف تروآ همکاری کند. پسر آپولو زخم او را درمان خواهد کرد و او را به سلامتی واقعی و شکوه نهایی باز خواهد گرداند. سرانجام یونانیان با کمک فیلوکتس شهر تروآ را تسخیر می کنند.

پیام فیلوکتس با توجه به اینکه این نمایش نامه در زمانی اجرا شد که جنگ هنوز ادامه داشت، جالب است. درسی که آتنی ها از این نمایش نامه گرفتند، ادامه دادن به جنگ در تروآ بود. فیلوکتس همچنین یک پیام سیاسی فوری داشت، درخواستی برای باز گرداندن آلکیبیادس^۱، پسر پریکلس به صحنه سیاست. آلکیبیادس که سیاستمدار، فرمانده جنگی و از شاگردان سقراط بود، با وصف بهره‌مندی از تمامی امتیازات آموزشی که دریافت کرده بود، برخلاف پدرش مصمم بود که خود را به عنوان دیکتاتور آتن معرفی کند. او مردم آتن را متقاعد کرد که یک جنگ پیشگیرانه در سیسیل یعنی بزرگ‌ترین جزیره در دریای مدیترانه را آغاز کنند.

در لحظه‌ای که به نظر می‌رسید سیسیل در آستانه سقوط باشد، دشمنان سیاسی آلکیبیادس اتهاماتی ساختگی علیه او مطرح کردند و او ناگزیر به تبعید از آتن شد. او به شهر اسپارت رفت و به دشمنان آتنی‌ها توصیه‌هایی کرد که برای پیروزی در جنگ به آنها نیاز داشتند. سپس او به ایران رفت و به پادشاه ایران پیشنهاد کرد که اجازه دهد آتن و اسپارت در جنگ یکدیگر را از توان بیندازند. با این حال در سال ۴۰۹ پیش از میلاد، آتنی‌ها به شدت به پیروزی در جنگ نیاز داشتند و می‌خواستند آلکیبیادس را به آتن بازگردانند. سوفوکل قصد داشت شخصیت نمایش نامه یعنی فیلوکتس بازتاب‌دهنده این درخواست باشد. نمایش نامه به طور ضمنی نشان می‌داد که آلکیبیادس شبیه به فیلوکتس است: به ناحق متهم شده و توانایی بازگشت و آوردن پیروزی برای آتن را دارد. در سال ۴۰۷ پیش از میلاد، آلکیبیادس در یک نبرد شکست خورد و بار دیگر تبعید شد. آتنی‌ها تا شکست نهایی خود در سال ۴۰۴ پیش از میلاد به جنگ ادامه دادند و آلکیبیادس در تبعید درگذشت.

طنزآمیز به نظر می‌رسد که سه هزار سال بعد، جوانانی که در سال ۱۹۱۴ به جنگ جهانی اول

۱. Alcibiades (۴۵۰-۴۰۴ قبل از میلاد).

رفتند، از تحصیل کرده‌ترین نسل‌ها در آثار کلاسیک بودند. روپرت بروک^۱ نویسندهٔ باهوش و جوان انگلیسی، برای شرکت در نیروی اعزامی انتخاب شد، نیرویی که قرار بود در شبه جزیره گالیپولی در تنگه داردانل، همان جایی که زمانی تروآ قرار داشت، پیاده شود. بروک در آنجا بر اثر عفونت خونی ناشی از تاول روی پایش درگذشت.

عشق به میهن این جوانان را به ماجراجویی بزرگ جنگ کشاند، و آن ماجراجویی همچنان امروزه ما را فریفته خود می‌کند. از خود پرسید: اگر یونانیان هرگز به تروآ نمی‌رفتند، آیا هنوز هزاران سال بعد هنوز ما درباره آنها سخن می‌گفتیم؟

۱. Rupert Brooks (۱۸۸۷-۱۹۱۵).

سرود رولان

ماجراجویی و دلاوری

گفته می‌شود که معنای واقعی زندگی زمانی آشکار می‌شود که ما با بی‌نهایت و قادر مطلق^۱ روبرو شویم. برخی از نخستین تأملات ما در ادبیات از این پرسش سرچشمه می‌گیرد که چگونه با بی‌نهایت و قادر مطلق برخورد کنیم. "بی‌نهایت" همان زندگی است، و پرسش این است که آیا زندگی معنای عمیق‌تری دارد؟ و معنای چیزهای خوب و بدی که بر ما می‌گذرد چیست؟

در این درس به بررسی درس‌های زندگی که از کتاب‌های بزرگ می‌آموزیم ادامه می‌دهیم و بر موضوع ماجراجویی متمرکز می‌شویم. برخی از نخستین تأملات ما در ادبیات از این پرسش ناشی می‌شود که چگونه با بی‌نهایت و قادر مطلق برخورد کنیم. بی‌نهایت از جانب قادر مطلق، خدایان یا خدا سرچشمه می‌گیرد. اگر خداوند بر همه چیز تواناست، چرا باید ما رنج، مرگ و جنگ را تحمل کنیم؟ آیا سرنوشت وجود دارد؟ آیا الگویی یا تقدیر در زندگی وجود دارد یا همه چیز به طور تصادفی رخ می‌دهد؟ تلاش برای درک قدرت مطلق و بی‌نهایت در قلب اشعار حماسی و همچنین تراژدی‌های یونانی نهفته است.

سرود رولان^۲ یکی از اشعار حماسی و پهلوانی مشابه اشعار دوران قهرمانی در ایلید و ادیسه

۱. Infinite and omnipotent.

۲. The Song of Roland.

است. این سرود در باره یکی از کارهای باشکوهی است که در قرون وسطی معمول بود. در میان تمام اشعار حماسی این دوران، سرود رولان در ردیف یکی از بهترین‌ها قرار دارد. این سرود بر اساس تاریخ واقعی ساخته شده، و تمرکز آن روی شخصیت تاریخی شارلمانی^۱ (شارل یکم فرانسه) است. شارلمانی نقش عمده‌ای در باره این تصمیم‌گیری داشت که آیا اروپای غربی مسیحیت لاتین یا اسلام را بپذیرد. ارتش‌های مسلمان در اسپانیا تهدیدی دائمی برای مرزهای امپراتوری جدیدی بودند که شارلمانی با ارتش فرانکی خود ایجاد کرده بود.

شارلمانی از سوی چندین امیر مسلمان در اسپانیا نمایندگانی را پذیرفت که از او درخواست کمک در یک مبارزه سیاسی و نظامی می‌کردند. او در چندین نبرد پیروز شد، اما برای مقابله با یورش‌های ساکسون‌ها^۲ (اقوام ژرمن) به مرزهای شرقی، نیروهای خود را از اسپانیا خارج کرد. هنگامی که ارتش شارلمانی در حال ترک اسپانیا بود، محافظان پشت جبهه او توسط باسک‌ها^۳ (گروه قومی در اسپانیا) در ناحیه رونسواکس^۴ در شمال شرقی اسپانیا مورد حمله قرار گرفتند. کشتار شوالیه‌های فرانسوی در این حمله بسیار گسترده بود و در رویدادنامه‌های تاریخی گفته می‌شود که در میان کشته شدگان، رولان، قهرمان بزرگ فرانسوی و یکی از نجای دوازده گانه همراه شارلمانی بود. رولان مسئول دفاع و اداره منطقه مرزی بین امپراتوری شارلمانی و بریتانی بود که به یکی از شخصیت‌های اصلی در چرخه ادبی معروف به "مسائل فرانسه" تبدیل شد.

داستان شکست در ناحیه رونسواکس برای چندین سال مخفی ماند، اما در اواسط قرن یازدهم، هم‌زمان با جنگ‌های صلیبی اول دوباره علنی شد. سرود رولان نقش مهمی در احیای تهدید و خطر از سوی مسلمانان داشت. نویسندگان آن ناشناخته است، اما در پایان شعر از تورلدوس^۵ به عنوان فردی که آن را خوانده نام برده شده است. در این نسخه از شعر، شارلمانی از مردی حدوداً ۳۸ ساله به شخصی ۲۰۰ ساله تغییر کرده است، و نبرد قراولان پشت جبهه به یک مبارزه عظیم بین مسیحیت و جهان اسلام تبدیل شده است. امیر مسلمان اسپانیا، مارسیلیون^۶ از جنگ خسته شده بود و از شوالیه‌هایش درخواست مشاوره می‌کند که چگونه جنگ را پایان دهد.

۱. Charlemagne (۷۴۲-۸۱۴).

۲. Saxons.

۳. Basques.

۴. Roncevaux.

۵. Tuoldus.

۶. Marsilion.

بلانکاندترین^۱، عاقل‌ترین مشاور امیر پیشنهاد می‌کند که یک جدول زمانی برای عقب نشینی

تنظیم شود، و هدایا و وعده گرویدن به مسیحیت برای شارلمانی فرستاده شود. این یک فریبکاری بیش نخواهد بود، اما بلانکاندترین استدلال می‌کند که شارلمانی به قدری خسته شده که دیگر به جنگ باز نخواهد گشت.

مشاوران شارلمانی به او توصیه می‌کنند که مأموری را به اسپانیا بفرستد تا ببیند آیا خواسته‌های امیر

در این نسخه از شعر، شارلمانی از مردی حدوداً ۳۸ ساله به شخصی ۲۰۰ ساله تغییر کرده است، و نبرد قراولان پشت جبهه به یک مبارزه عظیم بین مسیحیت و جهان اسلام تبدیل شده است.

واقعی است یا خیر. رولان داوطلب رفتن می‌شود، اما پذیرفته نمی‌شود، ناپدری او، گانلون^۲ فرستاده می‌شود. گانلون که خشمگین و بدنام شده بود با بلانکاندترین توطئه می‌کند تا شارلمانی و شوالیه‌هایش را از بین ببرد. این نقشه اجرا می‌شود: شارلمانی به فرانسه باز می‌گردد و نیروهای محافظ پشت جبهه به فرماندهی رولان مورد حمله قرار می‌گیرند. رولان از درخواست کمک از شارلمانی خودداری می‌کند، و اصرار می‌ورزد که نیروهای کوچک‌تر فرانسوی‌ها می‌توانند ارتش در حال پیشروی مسلمانان را شکست دهند. نیروی‌های رولان درهم شکسته می‌شوند، و تنها رولان و اسقف اعظم تورپین^۳ تا نزدیک غروب آفتاب زنده می‌مانند. رولان سرانجام برای درخواست کمک در بوق شیپوری خود مانند عاج فیل می‌دمد، و به قدری محکم می‌دمد که با این کار خود را می‌کشد. شارلمانی از راه می‌رسد و رولان را مرده می‌یابد. او به دنبال نیروهای مسلمان راه می‌افتد، و خداوند خورشید را متوقف می‌کند تا شارلمانی بتواند همه آنها را نابود کند. امیر بغداد با ارتش بزرگ دیگری می‌رسد، و شارلمانی آخرین نبرد بزرگ خود را انجام می‌دهد و راه را برای مسیحی شدن اسپانیا هموار می‌سازد.

گانلون به اسارت گرفته می‌شود، اما از پرونده خود دفاع می‌کند. او همچنین نبردی را میان دو شوالیه ترتیب می‌دهد، یکی به افتخار رولان و دیگری به افتخار گانلون. تیری^۴، دوست رولان

۱. Blancandrin.

۲. Ganelon.

۳. Archbishop Turpin.

۴. Thierry.

که به خاطر او می‌جنگد، در نبرد پیروز می‌شود که به این معناست که گانلون باید بمیرد. شارلمانی برای مراسم دعا و پایان یافتن جنگ‌ها به کلیسا می‌رود. فرشته جبرئیل به خواب او می‌آید و به او می‌گوید که باید به میدان جنگ باز گردد، زیرا دشمن مسلمان هنوز در اسپانیا قدرتمند است.

سرود رولان شخصیت‌های برجسته شعر حماسی را برای ما به تصویر می‌کشد: شارلمانی، پادشاهی که جان خود را برای خدمت به کشورش به خطر می‌اندازد، و رولان، شوالیه‌ای شجاع ولی بی‌پروا که جان خود را برای ارباب، افتخار و ایمانش فدا می‌کند. در این درس نیز با مضوعات مهم اشعار حماسی روبرو می‌شویم: نبرد همیشگی برای زندگی و افتخاری که در مرگ به دست می‌آوریم.

سرود نیبلونگ‌ها

عشق و دلاوری

شوالیه‌گرایی نیز بخشی از ارزش‌های قرون وسطی بود و نهادهای شوالیه‌گری و فئودالیسم از فروپاشی امپراتوری روم پدید آمدند: فروپاشی یک ارتش حرفه‌ای، نیاز مردم محلی به حفاظت، و در نتیجه پیدایش یک طبقه از جنگجویان سواره.

در این درس به کاوش خود در مورد درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ ادامه می‌دهیم و بر موضوع ماجراجویی تمرکز می‌کنیم. هیچ قالب ادبی به اندازه شعر حماسی با ماجراجویی سازگار نیست. اشعار حماسی هومر ارزش‌های قهرمانی و پهلوانی یونان را در دوران مایسنی^۱ بازتاب می‌دهند. آثاری همچون سرود رولان و سرود نیبلونگ‌ها^۲، خلاصه‌ای از ارزش‌های شوالیه‌ها و بانوان اصیل آنها در قرون وسطی هستند.

"قرون وسطی" اصطلاحی است که ارزش تعریف کردن دارد. این دوره‌ای است که با تغییر مذهب کنستانتین بزرگ^۳، امپراتور روم، و گرویدن او به مسیحیت (در سال ۳۱۲ میلادی) و تأسیس پایتخت او در قسطنطنیه (استانبول فعلی) آغاز می‌شود و تا سقوط این شهر بزرگ به دست ترکان مسلمان عثمانی در سال ۱۴۵۳ ادامه می‌یابد. در قرون وسطی، مسیحیت بر اروپا حاکم شد، و نهادهای شوالیه‌گری و فئودالیسم نیز نماد این دوره از تاریخ اروپا هستند.

۱. Mycenaean.

۲. Nibelungenlied.

۳. Constantine the Great (۲۷۲-۳۳۷).

سرود نیبلونگ‌ها شعری است در باره انتقام و قتل که از اشتیاق به حفظ آبرو و حرمت ناشی می‌شود. این سرود با شکست نیبلونگ‌ها، نژادی از موجودات بسیار کوتاه قامت که در کنار رود راین در آلمان زندگی می‌کردند، به دست شوالیهٔ دلیر زیگفرید^۱ آغاز می‌شود. هنگامی که زیگفرید ثروت نیبلونگ‌ها را تصاحب و تقسیم می‌کند، مشاجره‌ای درگیر می‌دهد و او همه را می‌کشد، به جز آلبریچ^۲ که نگهبان زیگفرید می‌شود. آلبریچ برای ادای احترام، یک ردای نامرئی به زیگفرید می‌دهد. زیگفرید که در جستجوی همسر است، سوار بر اسب می‌شود، و نظر گودرون^۳ (یا گریم‌هیلد) خواهر پادشاه بورگاندی به نام شاه گونتر^۴ (یا گونار) را به خود جلب می‌کند. شاه گونتر قصد دارد با ملکه ایسلند ازدواج کند، و از زیگفرید می‌خواهد که در آزمون‌های دشوار مورد نیاز برای ازدواج با ملکه به او کمک کند. زیگفرید موافقت می‌کند، اما از گونتر می‌خواهد در ازای کمک، با گودرون ازدواج کند.

زیگفرید با کمک ردای نامرئی خود به گونتر کمک می‌کند تا در درخواستش برای ازدواج با برون‌هیلدا^۵ (ملکه ایسلند) موفق شود. برون‌هیلدا سوگند می‌خورد که هرگز با گونتر همبستر نشود، و هر شب او را به سقف می‌بندد. زیگفرید دوباره به گونتر کمک می‌کند، اما خودش با برون‌هیلدا همبستر می‌شود. زیگفرید با گودرون ازدواج می‌کند، اما گودرون از احترام گذاشتن به برون‌هیلدا امتناع می‌ورزد، زیرا می‌داند که زیگفرید با او همبستر شده است. برون‌هیلدا که به دنبال انتقام است، از مشاور مورد اعتماد پادشاه، هاگن^۶ کمک می‌گیرد تا زیگفرید را بکشد.

رمز قهرمانانه افتخار چیزی بیگانه با
عصر ماست. تعداد کمی از ما توانایی
پایندی به افتخار داریم، به ویژه در یک
جامعه بوروکراتیک.

هاگن از تنها نقطه ضعف زیگفرید باخبر می‌شود و او را به قتل می‌رساند. گودرون خشمگین شده و می‌خواهد انتقام بگیرد، اما به دلیل موقعیت هاگن و احتمال بروز جنگ داخلی که با مرگ او به وجود می‌آید، نمی‌تواند بلافاصله هاگن را مجازات کند.

۱. Siegfried.

۲. Alberich.

۳. Gudrun or Kriemhild.

۴. King Gunther.

۵. Brunhilda.

۶. Hagen.

گودرون درگذر سال‌ها نقشه انتقام خود را می‌کشد. او با اتزل^۱، پادشاه مجارستان (آتیلا هون^۲) ازدواج می‌کند، و اعضای دربار سابق خود را به یک ضیافت بزرگ دعوت می‌نماید. اگرچه هاگن و شاه گونتر ابتدا مردد هستند، اما در نهایت موافقت می‌کنند که شرکت کنند. پری‌های رودخانه به گونتر و هاگن و شوالیه‌های همراهانشان می‌گویند که اگر از دانوب عبور کنند، در دربار اتزل خواهند مرد. گونتر و گروه همراه او توسط گودرون در مجارستان با هدایای گرانبها و یک ضیافت باشکوه مورد استقبال قرار می‌گیرند. گودرون به آنها می‌گوید که اکنون آنقدر خوشحال است که آنها را به دلیل قتل زیگفرید می‌بخشد. او خواستار گنجینه نیبلونگ‌ها می‌شود که متعلق به شوهر سابقش بود، اما به او گفته می‌شود که این کار میسر نیست. نبردی درگیر می‌شود که در آن همه به جز گونتر، هاگن و گودرون کشته می‌شوند. گودرون برادرش را می‌کشد. وقتی هاگن از فاش کردن محل گنج زیگفرید خودداری می‌کند، او نیز کشته می‌شود. داستان به پایان می‌رسد، و بار دیگر به ما افتخاری را نشان داده می‌شود که با بهایی بسیار سنگین به دست آمده است.

رمز قهرمانانه افتخار چیزی بیگانه با زمانه ماست. تعداد کمی از ما به ویژه در یک جامعه بوروکراتیک توانایی پایبندی به افتخار را داریم. افتخار واژه‌ای است که زمانی در ایالات متحده نقشی بزرگ ایفا می‌کرد. داستان مشابه سرود رولان یا سرود نیبلونگ‌ها، مبارزه تن به تن سربازان مکزیکی با کاپیتان جیمز بویی^۳ در نبرد آلامو^۴ (بین قوای ایالت تگزاس و ژنرال مکزیکی) است. این نبرد در سال ۱۸۳۶ در شهر سن آنتونیو روی داد.

۱. Etzel.

۲. Attila the Hun.

۳. James Bowie (۱۷۹۶-۱۸۳۶).

۴. The Battle of Alamo.

دفتر خاطرات

لوئیس و کلارک

ایالات متحده یکی از باشکوه‌ترین نمونه‌های ماجراجویی را در سفر اکتشافی ویلیام کلارک^۱ و مری‌ودر لوئیس^۲ تجربه کرده است. این دو که از سال ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۶ دنیای کاملاً جدیدی را گشودند، دنیای دشت‌های بزرگ این کشور و تمام سرزمین‌ها تا اقیانوس آرام را به ما هدیه کردند. این سفر اکتشافی یکی از موفق‌ترین دستاوردهایی بود که این کشور تا به حال انجام داده است.

در این درس با تمرکز روی موضوع ماجراجویی به بررسی درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ ادامه می‌دهیم. یکی از باشکوه‌ترین ماجراجویی‌های تاریخ آمریکا، سفر ویلیام کلارک و مری‌ودر لوئیس کاشفان آمریکایی برای کشف سرزمین تازه خریداری شده از فرانسه، یعنی ایالت لوئیزیانا است که در سال ۱۸۰۳ با پرداخت پانزده میلیون دلار صورت گرفت. اما این ماجراجویی با توماس جفرسون^۳ سیاستمدار و دولتمرد آمریکایی آغاز می‌شود.

چهار ویژگی یک دولتمرد را از یک سیاستمدار متمایز می‌سازد: دولتمرد باید اصولی ریشه‌دار، قطب‌نمای اخلاقی، چشم‌انداز و توانایی ایجاد اجماع برای دستیابی به آن چشم‌انداز را داشته باشد. توماس جفرسون مظهر ویژگی‌های ایده‌آل یک دولتمرد بود، همان گونه که در مدیریت

۱. William Clark (۱۷۷۰-۱۸۳۸).

۳. Thomas Jefferson (۱۷۴۳-۱۸۲۶).

۲. Meriwether Lewis (۱۷۷۴-۱۸۰۹).

او در خرید ایالت لوئیزیانا مشهود است. با وجود مخالفت‌های شدید داخلی و خارجی، جفرسون با مهارت اجماع لازم را برای توجیه خرید سرزمینی که بسیاری آن را زمینی بی‌فایده می‌دانستند، فراهم آورد. داشتن توانایی تفویض اختیار و انتخاب افراد مناسب برای یک کار خاص نیز برای یک دولتمرد ضروری است. جفرسون این توانایی را هنگامی نشان داد که مری‌وودر لوئیس را برای رهبری یک سفر اکتشافی در سرزمین تازه به دست‌آمده آمریکا و یافتن گذرگاهی برای رسیدن به کرانه‌های اقیانوس آرام برگزید. جفرسون اطمینان حاصل کرد که لوئیس پیش از آغاز سفر، آموزش‌های لازم در زمینه دیپلماسی، نقشه‌برداری، علم و پزشکی را دریافت کند. لوئیس، ویلیام کلارک را که مدت کوتاهی تحت فرماندهی او در ارتش خدمت کرده بود به عنوان همکار خود در این سفر انتخاب کرد. هرچند ارتش از انتصاب کلارک به سمت سرفرمانده خودداری کرد، اما کلارک پذیرفت که لوئیس را در این سفر همراهی کند.

یکی از درس‌هایی که باید از زندگی آموخت، اهمیت داشتن یک دوست خوب است. لوئیس و کلارک دوستان واقعی شدند، و در طول سفر هرگز با هم نزاع نکردند. پس از انتخاب گروهی از مأموران برای این سفر اکتشافی، لوئیس و کلارک در سال ۱۸۰۴ سفر را آغاز کردند. آنها با دقت پیشرفت خود را دفترچه‌های خاطراتی ثبت کردند که تا به امروز همچنان با ما سخن می‌گویند.

وقتی از این داستان درس‌های
زندگی را می‌آموزیم، می‌بینیم
که لوئیس مردی سرنوشت‌ساز
بود، مردی که برای یک
مأموریت انتخاب شده بود.

این سفر تا حدی ماهیت دیپلماتیک داشت، و لوئیس و کلارک هر دو نشان داند که در برقراری ارتباط با سرخ‌پوستان که در طول راه ملاقات می‌کردند، مهارت

داشتند. در طول توقف در فصل زمستان، این گروه با یک تاجر خز فرانسوی به نام شاربنو^۱ و همسر سرخ‌پوست جوانش ساکاگاویا^۲ آشنا شدند، و تصمیم گرفتند که آنها را به عنوان مترجم استخدام کنند. سفر در فصل بهار از سر گرفته شد، و در نهایت به خط تقسیم قاره‌ای^۳ (کوه‌های راکی یا آب‌پنخشان اقلیمی آمریکا) رسیدند که پایان قلمرو لوئیزیانا را نشان می‌داد. لوئیس و

۱. Charbonneau (۱۷۸۸-۱۸۱۲).

۳. Continental Divide.

۲. Sacagawea (۱۷۸۸-۱۸۱۲).

کلارک می‌خواستند تا قبل از زمستان به اقیانوس آرام برسند، و به شاربنو و ساکاگایا برای مذاکره با رئیس یکی از قبیله‌های سرخ‌پوست آمریکا به نام شوشونی^۱ جهت استفاده از اسب برای آخرین مرحله سفر متکی بودند. در جریان مذاکرات، ساکاگایا و رئیس قبیله شوشونی متوجه شدند که خواهر و برادر گمشده یکدیگر هستند و در آن لحظه او به راحتی اسب‌ها را در اختیار آنها گذاشت.

این سفر ادامه یافت تا اینکه سرانجام در ماه نوامبر، کلارک در دفتر خاطرات نوشت: "اقیانوس در چشم‌انداز است، چه شادی بزرگی!" اعضای این سفر اکتشافی قبل از بازگشت به سنت‌لوئیس، زمستان را در قلعه کلاتسوپ^۲ (در ایالت اوریگن در دهانه رودخانه کلمبیا) گذراندند، و سپس راه بازگشت به سنت‌لوئیس را در پیش گرفتند. در ۲۳ سپتامبر ۱۸۰۶، هنگامی که گروه به شهر باز گشتند، ناقوس‌های سنت‌لوئیس به صدا درآمدند.

جفرسون، مری‌وودر لوئیس را به فرمانداری سرزمین جدید منصوب کرد، و ویلیام کلارک به عنوان سرپرست امور سرخ‌پوستان انتخاب شد. لوئیس تمایلی به بازگشت به سنت‌لوئیس و پذیرفتن سمت جدیدش نداشت، و به زودی معلوم شد که او مدیر ضعیفی است. او مورد توطئه معاونش در سنت‌لوئیس قرار گرفت، دفتر خاطراتش منتشر نشد، و به علت بی‌اعتنایی دولت جدید به پرداخت مخارجی که جفرسون برای این سفر به او اجازه داده بود، مری‌وودر لوئیس تصمیم گرفت به واشنگتن باز گردد تا اعتبار خود را بازیابد. در پاییز سال ۱۸۰۹، لوئیس در شهر کوچک نشویل به زندگی خود پایان داد.

وقتی از این داستان درس‌های زندگی را می‌آموزیم، درک می‌کنیم که لوئیس مردی سرنوشت‌ساز بود، مردی که برای یک مأموریت انتخاب شده بود. کارهای او قبل از این سفر معنایی نداشت، و آنچه که پس از آن انجام داد با شکست روبرو شد، اما او با استفاده از لحظه سرنوشت خود، به شهرتی جاودانه دست یافت.

۱. Shoshone.

۲. Fort Clatsop.

هفت رکن حکمت

توماس لورنس

خاورمیانه از پیش برای بریتانیا اهمیت زیادی پیدا کرده بود. اول از همه، این منطقه کلید دسترسی آنها به هند بود، و در آن روزهای قبل از جنگ جهانی اول، هند جواهر تاج امپراتوری بریتانیا محسوب می‌شد، امپراتوری وسیعی که خود به تنهایی بزرگ بود و پادشاه بریتانیا، امپراتور هند به شمار می‌رفت.

در این درس به سراغ ماجراجوی دیگری می‌رویم و کسی که به سرنوشت و عاقبت خود رسید: توماس ادوارد لورنس^۱. لورنس پسری باهوش بود، اما از مدرسه متنفر بود، هر چند موفق شد در دانشگاه آکسفورد تحصیل کند. او برای گرفتن مدرکی در رشته تاریخ مطالعه کرد، اما به جای نوشتن پایان‌نامه، به سوریه رفت تا به مطالعه قلعه‌های جنگجویان صلیبی در آنجا بپردازد. لورنس زیر نظر دیوید هوگارت^۲، باستان‌شناس انگلیسی که یک مامور اطلاعاتی نیز بود، آموزش دید. لورنس مشغول انجام یک بررسی باستان‌شناسی بود که جنگ بزرگ جهانی در سال ۱۹۱۴ آغاز شد. او بعدها گزارشی بی‌رحمانه از کیفیت ظالمانه و سرکوبگر حکومت عثمانی در شبه جزیره عربستان ارائه داد. او در قاهره برای خدمت نظام نام‌نویسی کرد، و به عنوان یک افسر ستوان در اداره اطلاعات خدمت کرد. او ارتباطی نزدیک با عرب‌ها برقرار کرد، و زبان و آداب و رسوم آنها را فرا گرفت.

۱. Thomas E. Lawrence (۱۸۸۸-۱۹۳۵).

۲. David G. Hogarth (۱۸۶۲-۱۹۲۷).

در سال ۱۹۱۶، شورشی در شبه جزیره عربستان به وقوع پیوست. شریف حسین^۱ (بزرگ خاندان هاشمی، شریف مکه و امیر حجاز) از امپراتوری عثمانی جدا شد، و استقلال قبایل عرب را اعلام کرد. لورنس به عنوان عضوی از یک گروه کوچک اعزام شد تا ارزیابی کند که آیا مفید خواهد بود که بریتانیا نیروهایی برای کمک به شریف حسین در این شورش بفرستد یا نه. لورنس با شریف حسین و پسرش فیصل دیدار کرد. او به فیصل قول داد که به فرماندهی عالی بریتانیا توضیح خواهد داد که باید از این شورش حمایت کنند، اما نیرویی اعزام نکنند. لورنس درخواست کرد که تنها او به عنوان نماینده بریتانیا در این شورش حضور داشته باشد، و فرماندهی عالی بریتانیا با این درخواست موافقت کرد.

لورنس توانست علاقه و توجه حسین و فیصل را به خود جلب کند، و آداب و رسوم مردم محلی را یاد گرفت و پذیرفت. او متوجه شد که شورش عرب‌ها می‌تواند کلیدی برای تضعیف ترک‌ها باشد و به بریتانیا امکان دهد تا پیروزی مورد نیاز را که برای حفظ علاقه رای‌دهندگان انگلیسی به جنگ ضروری بود، به دست آورد. پس از نبردهای وردون^۲ (در شمال شرقی فرانسه) و سُم^۳ (در هر دو سوی رودخانه سُم در فرانسه)، مردم بریتانیا از جنگ بیزار و خسته شده بودند. لورنس از این فرصت استفاده و شروع به سازماندهی نیروهای عرب به عنوان نیروهای حمله مؤثر کرد، و حملاتی را در امتداد خط راه‌آهن حجاز ترتیب داد.

نیروهای چریکی لورنس به قدری کارآمد بودند که او توانست در سال ۱۹۱۷ شهر کلیدی عقبه (تنها بندر در جنوب غربی اردن) را تصرف کند. در تلاشی برای جلب نیروهای کمکی بریتانیا، لورنس از صحرای سینا عبور کرد و به پادگان بریتانیا در کانال سوئز رسید. ژنرال سر ادmond آلنبی^۴، فرمانده کل نیروهای مصری امپراتوری بریتانیا، علاقه زیادی به لورنس پیدا کرد، و موافقت کرد که به او کمک کند، به شرط آنکه لورنس ترک‌های عثمانی را مشغول نگه‌دارد تا آلنبی بتواند اورشلیم را تصرف کند. لورنس موفق شد جناح دشمن را درگیر نگه‌دارد تا نیروهای آلنبی اورشلیم را قبل از کریسمس ۱۹۱۷ به تصرف درآوردند. پس از آن لورنس و آلنبی موفق به آزادسازی شهر دمشق شدند.

۱. Hussein bin Ali (۱۸۵۴-۱۹۳۱).

۲. Verdun.

۳. Somme.

۴. Edmond Allenby (۱۸۶۱-۱۹۳۶).

در جریان شورش، دولت انگلیس به اعراب قول داده بود که آنها ملتی مستقل خواهند داشت. همان طور که لورنس نگران این موضوع بود، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در کنفرانس صلح پاریس

در سال ۱۹۲۱ وینستون چرچیل با
لورنس در باره وضعیت خاورمیانه
مشورت کرد. به پیشنهاد لورنس، عراق
به صورت یک کشور مستقل به
پادشاهی ملک فیصل اول تأسیس شد.

در سال ۱۹۱۹ به این وعده وفا نکردند، و
لورنس با انزجار به خانه باز گشت. لورنس
علیرغم درخواست‌های فراوان برای ماندن در
ارتش، از سمت خود استعفا داد. در سال
۱۹۲۱ وینستون چرچیل با لورنس در باره
وضعیت خاورمیانه مشورت کرد. به پیشنهاد

لورنس، عراق به صورت یک کشور مستقل به پادشاهی ملک فیصل اول^۱ و اردن هاشمی به
پادشاهی برادر او ملک عبدالله یکم^۲ تأسیس شدند. هرچند لورنس بعدها به نیروی هوایی
بریتانیا پیوست و به عنوان سرباز خدمت کرد، اما به دلیل توجه مدام رسانه‌ها مجبور به
کناره‌گیری شد. لورنس کتاب هفت ستون حکمت، شرحی از زندگی‌نامه و تجربیات خود در
سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ را به پایان رساند. او سرانجام در بازگشت به انگلستان کمی گمنامی‌ای
که به دنبال آن بود را به دست آورد. او در سال ۱۹۳۵ در یک حادثه موتورسیکلت جان خود را
از دست داد. چرچیل در مراسم خاکسپاری او حضور داشت.

۱. Faisal I of Iraq (۱۸۸۵-۱۹۳۳).

۲. Abdullah I of Jordan (۱۸۸۲-۱۹۵۱).

نمایش نامه‌های کمدی آریستوفان

یکی از اشتباهات امروز ما این است که فکر می‌کنیم کشورهای دموکراسی همسایگان صلح‌جویی هستند، و اگر بتوانیم در سراسر جهان دموکراسی‌های کافی برقرار کنیم، دیگر هیچ جنگی روی نخواهد داد. اما تاریخ چیز دیگری به ما می‌آموزد.

در این درس به موضوع جدیدی می‌پردازیم: خنده و طنز. خنده و طنز حالات طبیعی و احساسی ما هستند که به ما کمک می‌کنند تا با وضعیت‌های خوب و بد در زندگی کنار بیاییم. مثل همیشه مطلب را از یونان باستان آغاز می‌کنیم و در این مورد به سراغ آریستوفان^۱ نمایش نامه‌نویس دوران پریکلس^۲، سخنور و پایه‌گذار دموکراسی آتن می‌رویم.

آریستوفان، شهروند آتنی و کمدین بزرگ دموکراسی آتن بود. همان گونه که برای نویسندگان تراژدی آتنی در آن زمان معمول بود، جنگ با اسپارت (شهر باستانی واقع در شبه جزیره موزه در یونان) یکی از موضوعات اصلی آثار آریستوفان بود. در سال ۴۳۱ قبل از میلاد، پریکلس مردم آتن را متقاعد کرد که جنگ پیشگیرانه‌ای علیه دموکراسی اسپارت آغاز کنند. پریکلس همچنین به آتنی‌ها راهبردی را پیشنهاد کرد که از طریق آن می‌توانستند در جنگ پیروز شوند: در داخل دیوارهای آتن بمانند و از رویارویی مستقیم با نیروهای پیاده نظام برتر اسپارت خودداری کنند. علیرغم ویرانگری‌هایی که یک بیماری طاعون به بار آورد، پریکلس آتنی‌ها را متقاعد کرد که

۱. Aristophanes (قبل از میلاد ۳۸۶-۴۴۶).

۲. Pericles (۴۲۹-۴۹۵ میلاد).

جنگ را ادامه دهند. پس از مرگ پریکلس به علت طاعون، سیاستمداران کاملاً جدیدی در آتن به قدرت رسیدند، کسانی که نه با اقتدار اخلاقی، بلکه با تملق و چاپلوسی به مردم حکومت می‌کردند. آریستوفان شوخ‌طبعی و ذوق طنز سیاسی خود را علیه این سیاستمداران جدید به کار انداخت.

آریستوفان نمایش‌نامه آخارنی‌ها^۱ را با این جمله آغاز می‌کند که از گفتن حقیقت هراسی ندارد. وظیفه او این است که به آتنی‌ها بیاموزد که ادامه دادن به جنگ اشتباه بزرگی است. داستان با قهرمان نمایش، دیکائوپولیس^۲ آغاز می‌شود که منتظر است تا مجمع عمومی آتنی‌ها تشکیل شود. دیکائوپولیس بارها سعی می‌کند که در مجمع عمومی صحبت کرده و به جنگ اعتراض کند، اما سخنانش توسط دیگر سخنرانان مهم متوقف می‌شود. هنگامی که بالاخره دیکائوپولیس اجازه صحبت پیدا می‌کند، به گروه آوازخوانان می‌گوید که جنگ با اسپارت در واقع توسط پریکلس برای پنهان کردن این حقیقت آغاز شده که معشوقه‌اش، اسپاسیا^۳ با ترتیب دادن حمله‌ای به شهر مگارا^۴ قصد داشته زنانی از آن شهر را برای فاحشه‌خانه‌اش به اسارت بگیرد. در این نمایش، دیکائوپولیس تصمیم می‌گیرد با اسپارت صلح کند و واردات کالاهای ممنوعه از اسپارت را از سر بگیرد. سرانجام مردم یکی یکی به دیکائوپولیس نزدیک می‌شوند تا از او کالایش را بخرند، اما او فقط به شرطی به آنها می‌فروشد که خریدار حاضر به صلح با اسپارت باشد.

در نمایش‌نامه دیگر آریستوفان به نام صلح^۵ می‌آموزیم که خدای جنگ، صلح را از زمین ربوده است. او تمام ملت‌های یونان را جمع کرده، در هاونی ریخته و همه آنها را با هم کوبیده تا جنگ ادامه پیدا کند. آریستوفان از آتنی‌ها خواسته بود تا صلح را به زمین باز گردانند، و در سال ۴۲۱ پیش از میلاد، پیمان صلحی به امضا رسید. با این حال، در سال ۴۱۵ پیش از میلاد، جنگ دوباره آغاز شد. این بار اسپارتنی‌ها مصمم بودند که تا آخرین نفس بجنگند، زیرا متقاعد شده بودند که آتن به دنبال سلطه بر سراسر سرزمین یونان است.

۱. *Acharnians*.

۲. *Dicaeopolis*.

۳. *Aspasia*.

۴. *Megara*.

۵. *Peace*.

آریستوفان همواره زنان را به
عنوان موجوداتی غیرمنطقی و
خیانتکار به تصویر می کشید.

آخرین نمایشنامه صلح آریستوفان، لیسیتراتا^۱ نام داشت که کلاً به عنوان درخواست دیگری برای پایان دادن به جنگ شناخته می شد. در این نمایشنامه زنی به نام لیسیتراتا سخنگوی اصلی صلح است. لیسیتراتا همه زنان آتن را گرد هم می آورد، و همه

توافق می کنند که تا زمانی که صلح با اسپارت برقرار نشود، از رابطه جنسی با شوهرانشان خودداری کنند. این زنان بنای آکروپولیس^۲ (دژ ساخته شده روی یک تپه) را اشغال می کنند تا گنجینه آتن را تصاحب کنند. مردان اسپارت و آتن به قدری ناامید و مستأصل می شوند که در نهایت پیمان صلحی را امضا می کنند.

مفسران در قرن بیستم کمدی لیسیتراتا را به عنوان درخواستی برای صلح قلمداد کرده اند، اما آتنی های زمان آریستوفان پیام متفاوتی از آن دریافت می کردند. آریستوفان همواره زنان را به عنوان موجوداتی غیرمنطقی و خیانتکار به تصویر می کشید. در زمانی که لیسیتراتا روی صحنه رفت، آریستوفان متقاعد شده بود که آتن باید به جنگ ادامه دهد، و تلاش برای یک پیمان صلح دیگر با اسپارت مانند رفتار نادرست زنان است. آریستوفان در نهایت زنده ماند تا شاهد شکست و تسلط شهر محبوبش آتن توسط اسپارت ها باشد. اما در طول زندگی حرفه ای خود، او همواره همان چیزی بود که ادعا می کرد: یک معلم. آریستوفان از طریق کمدی آموخت که حتی در مواجهه با حوادث و بدبختی ها باید خندید و در خنده به حقیقت رسید.

۱. *Lysistrata*.

۲. *Acropolis*.

کمدی آدم بدخلق

مناندر

در جریان جنگ بزرگ میان آتن و اسپارت، چیزی بیشتر از جان و مال از دست رفت. در ذهن مردم عادی یونان تغییری پدید آمد، همان طور که در جریان جنگ جهانی اول چنین تغییری در ذهن مردم عادی اروپا پیدا شد.

در این درس، تمرکز ما همچنان بر موضوع خنده و طنز و کاوش در درس‌های زندگی است که از کتاب‌های بزرگ می‌آموزیم. یکی از درس‌های مهمی که از آثاری مانند هملت و رنج‌های ورتر جوان گرفته‌ایم این است که گذشت کنیم و بگذریم. نخستین گام در این مسیر، خندیدن به خود است. مناندر^۱ نمایش‌نامه‌نویس و شاعر هزل‌سرای یونانی احتمالاً تأثیرگذارترین کمدین تا آن زمان بوده است. دنیای او آتن قرن چهارم پیش از میلاد بود، دنیایی که با آتن آریستوفان در دوران جنگ و دموکراسی پر قدرت زمان او بسیار متفاوت بود.

جنگ میان آتن و اسپارت، از نظر اقتصادی آتن و بخش بزرگی از جهان یونان را ویران کرد. این جنگ به همراه خود طاعون وحشتناکی را به وجود آورد، و جان یک چهارم آتنی‌های در سن سربازی و نیمی از شهروندان اسپارتی را گرفت. در تاریخ آمریکا، تنها تلفات قابل مقایسه با این جنگ تلفاتی است که در طول جنگ داخلی^۲ این کشور رخ داد.

بعد از جنگ هم آتنی‌ها و هم اسپارتی‌ها این ایده را که "جان باختن در راه میهن خود بزرگ‌ترین

۱. Menander (۳۴۲-۲۹۱ میلاد). (پیش از میلاد ۳۴۲-۲۹۱).

۲. The Civil War.

افتخار است" رها کردند. آتن تنها چند سال پس از شکست از اسپارت، دوباره امپراتوری خود را سر و سامان داد و مجدداً به یک قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی تبدیل شد. آتن جدید یک ارتش دائمی و حرفه‌ای به خدمت گرفت و توسط سیاستمداران حرفه‌ای اداره می‌شد. این مسئولان به خوبی دریافته بودند که مردم داشتن یک بودجه متعادل و تخفیف‌های مالیاتی را به شکوه و افتخار ترجیح می‌دهند.

فلسفه آتن در قرن چهارم پیش از میلاد کاملاً بر فرد متمرکز بود. در این دوره، مکاتب رواقی^۱ و اپیکوری^۲ به وجود آمدند. اپیکوریان آموزه‌ای داشتند مبنی بر اینکه بزرگ‌ترین شر برای انسان‌ها درگیر شدن در زندگی سیاسی است، و وظیفه هر فردی این است که به دنبال لذت خود باشد. هنر در این دوران جدید نیز به فرد می‌پرداخت، نه به شهر آتن. بخش زیادی از هنر و بسیاری از

آثار هنری به جای تحریک ذهن و نیروی عقلی بینندگان، قلب و احساسات و عواطف آنها را برمی‌انگیختند. مناندر نیز در آثار خود، سیاست و هجو را با کم‌دی و طنزِ موقعیت‌های عادی، ساده و انسانی جایگزین ساخت، و این جایگزینی بازتابی از تحولات فرهنگی آن زمان بود.

اپیکوریان آموزش می‌دادند که
بزرگ‌ترین شر برای انسان‌ها درگیر
شدن در زندگی سیاسی است، و
وظیفه هر فرد این است که به دنبال
لذت و خوشبختی خودش باشد.

قرن‌های زیادی برای محققان روشن بود که مناندر نویسنده‌ای تأثیرگذار بوده است، اما گمان نمی‌رفت که هیچ یک از آثار او باقی مانده باشد. با این حال در سال ۱۹۵۹ نسخه‌ای خطی روی کاغذ پاپیروس کشف شد که تقریباً یک نمایش‌نامه کامل از مناندر را در خود داشت، و این کشف این توانایی را به ما داد تا با دقت بیشتری نبوغ این نویسنده را درک کنیم. این نمایش‌نامه کشف شده دیسکولوس^۳ نام دارد که می‌توان آن را به گراوچ^۴ یا بداخلاق ترجمه کرد. این نمایش‌نامه در آتن برگزار و با خدای پان^۵ (خدای چوپانان، گله‌ها و حیات وحش) آغاز

۱. Stoics.

۲. Epicureans.

۳. Dyskolos.

۴. The Grouch.

۵. The god of Pan.

می‌شد، خدایی که جشن‌های روستایی بسیاری را که مردم در غار او برگزار می‌کردند، توصیف می‌کرد. اما تنها یک مرد به نام کنمون^۱ از این جشن‌ها هرگز لذت نمی‌برد. کنمون فقط می‌خواست در تنهایی زندگی کند و از هرگونه ارتباط اجتماعی دوری می‌جوست.

داستان نمایش‌نامه مربوط به مرد جوان ثروتمندی به نام سوستراتوس^۲ است که عاشق دختری روستایی می‌شود. پدر این دختر، کنمون بسیار بدخلق و صحبت کردن با او سخت است. دوست سوستراتوس سعی می‌کند که او را از این ازدواج باز دارد، زیرا دختر از خانواده‌ای اشرافی نیست. سوستراتوس خدمتکارش پیراس^۳ را برای صحبت با پدر دختر می‌فرستد تا او را راضی کند، اما خدمتکار با تندی از طرف کنمون بیرون رانده می‌شود. در نهایت خود سوستراتوس نیز از سوی پدر پذیرفته نمی‌شود، اما سوستراتوس در برخوردی با برادر دختر، گورجیاس^۴ متوجه می‌شود که کار کردن در مزرعه خانواده ممکن است به شانس او در ازدواج با خواهرش کمک کند.

در این مرحله، جریان نمایش‌نامه با یک داستان فرعی که به نظر می‌رسد در آثار مناندر معمول بوده قطع می‌شود. یک آشپز که مشغول تهیه غذا برای یک ضیافت است نیز برخورد ناخوشایندی با کنمون بدخلق پیدا می‌کند. سوستراتوس از آشپز می‌پرسد که آیا می‌تواند معشوقه‌اش را همراه با برادر و پدرش به ضیافت دعوت کند یا نه. با پاسخ مثبت آشپز، وقتی سوستراتوس برای دعوت دختر می‌رود، با وضعیت عجیب افتادن گورجیاس و کنمون در چاه آب مواجه می‌شود. او در نهایت موفق می‌شود این دو را از غرق شدن در چاه آب نجات دهد.

این کمک مهم باعث تغییر اساسی در افکار و احساسات کنمون می‌شود. او دوباره محبت خانواده‌اش را به خود جلب می‌کند و اجازه می‌دهد سوستراتوس با دخترش ازدواج کند. گورجیاس نیز عاشق خواهر سوستراتوس می‌شود، و اگرچه پدر سوستراتوس ابتدا اجازه ازدواج نمی‌دهد، اما نمایش‌نامه با یک جشن عروسی مشترک برای این دو زوج جوان به پایان می‌رسد.

۱. Knemon.
۲. Sastratos.

۳. Pyrrhias.
۴. Gorgias.

نمایش مناندر تأثیر زیادی بر کمدی‌های نسل‌های بعدی گذاشت. گروچ یا بدعشق در اصل یک سریال کمدی و طنز^۱ است. محتوای اصلی آن را می‌توان هر شب در تلویزیون مشاهده کرد. همان گونه که تراژدی بیانگر فرهنگی و ویژگی دموکراسی آتنی بود، سریال‌های کمدی و طنز یا سیت‌کام‌های امروزی نیز ویژگی و بیانگر فرهنگی و دموکراسی در آمریکا هستند. در این گونه کمدی‌ها می‌آموزیم که هیچ مشکلی آنقدر جدی نیست که نتوان آن را حل کرد. سریال‌های سیت‌کام همچنین می‌توانند ارزش‌های اخلاقی خوبی را آموزش دهند. در نمایش آدم بدخلق، کنمون دچار تغییر و تحولی می‌شود که ناشی از عشق و علاقه است. او درمی‌یابد که زندگی‌اش را هدر داده و تصمیم می‌گیرد به جبران تمام رنج‌هایی پردازد که به بار آورده است.

۱. Situation comedy (sitcom).

ماندراگولا

ماکیاولی

اخلاق هیچ نقشی در موفقیت یک رهبر ایفا نمی‌کند. در واقع رهبر موفق باید توانایی دروغ گفتن، دزدی کردن و کشتن را داشته باشد. او باید بی‌رحم، خسیس و کاملاً خیانتکار باشد، اما در در عین حال، چهره‌ای خیرخواهانه به جهان نشان دهد.

در این درس به یکی از مهم‌ترین کمدی‌هایی که تا کنون به زبان ایتالیایی نوشته شده، یعنی نمایشنامه ماندراگولا^۱ (از ریشه ماندراک) اثر نیکولو ماکیاولی^۲ فیلسوف سیاسی و نمایشنامه نویس ایتالیایی می‌پردازیم. این نمایشنامه از بسیاری جهات ما را به یاد آدم بدخلق اثر مناندر می‌اندازد، کسی که در دوران رنسانس تأثیرگذار بود. ماکیاولی از طریق نمایشنامه‌های ترنس^۳ و پلوتس^۴، نمایش‌نامه‌نویس‌های جمهوری روم، با مناندر آشنا شده بود. ماکیاولی نمونه کامل یک انسان رنسانسی بود. او در مرکز خلاقیت و نوآوری رنسانس، یعنی فلورانس به دنیا آمد. او به زبان لاتین تسلط داشت، و اگرچه همیشه آرزوی دستیابی به قدرت سیاسی را در سر می‌پروراند، اما بیشتر در پشت صحنه نقش ایفا می‌کرد.

در آن زمان فلورانس یک جمهوری بود و به دلیل سیاست‌های حزبی دچار آشفتگی بود. ماکیاولی در میان این نزاع‌های حزبی، راه ترقی خود را باز کرد، و اعتماد شورای حاکم بر جمهوری فلورانس را به دست آورد. او به مأموریت‌های خارج از کشور فرستاده شد، و مدتی را

۱. *La Mandragola*.

۲. Niccolò Machiavelli (۱۴۶۹-۱۵۲۷).

۳. Terence (۱۹۵-۱۵۹ میلاد).

۴. Plautus (۲۴۵-۱۸۴ میلاد).

در دربار پاپ سپری کرد. در سال ۱۵۱۲ خانواده مدیچی^۱ دوباره در فلورانس به قدرت بازگشتند،

و ماکیاولی از فلورانس تبعید شد.

ماکیاولی کتاب شهریار^۲ را در زمان تبعید خود نوشت، و با این که امید داشت این اثر مورد توجه خاندان مدیچی قرار گیرد، اما در این زمینه موفق نشد، و هرگز نفوذ قبلی خود را به دست نیاورد.

یکی از درس‌های زندگی ما ممکن است این باشد که گاهی اوقات شر در نهایت پیروز می‌شود، و حتی کسانی که به نظر خوب و بافضیلت می‌رسند، در صورت راحتی و مصلحت، دست به اعمال شیطانی و ویرانگر می‌زنند.

ماکیاولی بخشی از زندگی خود را از طریق

نوشتن نمایشنامه تأمین می‌کرد. ایتالیا به شدت شیفته کم‌دی او ماندراگولا (معجونِ مهرگیاه) شد. این نمایشنامه به زبان ایتالیایی نوشته شده و در فلورانس رخ می‌دهد. داستان با بازیگر قهرمان آن، مرد جوانی به نام کالیماکو^۳ شروع می‌شود که به خدمتکارش سیرو^۴ می‌گوید عاشق زن زیبایی به نام مدونا لوکرشیا^۵ شده است، زنی که ازدواج کرده است و همسر جوانِ نیکیا^۶ یک وکیل سالمند است. کالیماکو با دوستش لیگوریو^۷ مشورت می‌کند تا راهی پیدا کند که بتواند با لوکرشیا هم‌خوابه شود. لیگوریو به این نتیجه می‌رسد که کالیماکو باید به نیکیا - شوهر سالخورده لوکرشیا - بگوید که یک پزشک برجسته است و می‌تواند درمانی برای ناباروری این زوج فراهم کند. کالیماکو که در لباس یک پزشک سرشناس فرانسوی ظاهر می‌شود، به نیکیا می‌گوید که نازایی او قابل درمان است اگر لوکرشیا معجونی دست‌ساز از ریشه ماندراک^۸ (گیاه عشق) را بنوشد. با این حال نیکیا باید ابتدا کسی دیگر را پیدا کند تا با پس از نوشیدن معجون، با همسرش بخوابد، زیرا اولین کسی که با لوکرشیا هم‌خوابه شود خواهد مرد.

کالیماکو، نیکیا و لیگوریو به کلیسا می‌روند و با رشوه دادن به پدر تیموتئو^۹، یک کشیش فاسد،

۱. Medici.

۲. Prince.

۳. Siro.

۴. Callimaco.

۵. Madonna Lucrezia.

۶. Nicia.

۷. Ligurio.

۸. Mandrake.

۹. Friar Timoteo.

او را متقاعد می‌کنند که لوکرشیا را راضی کند تا با این طرح موافقت کند. پس از اینکه لوکرشیا رضایت می‌دهد، نیکیا، کالیماکو (که خود را به شکل دانشجویی مست جا زده) را دستگیر کرده، او را به خانه می‌برد و کار انجام می‌شود. کالیماکو به لوکرشیا توضیح می‌دهد که او واقعاً کیست، و لوکرشیا با کمال میل او را در آغوش می‌پذیرد. او چنان شیفته کالیماکو می‌شود که شوهرش را متقاعد می‌کند تا به کالیماکو کلیدی از خانه بدهد تا هر زمان که خواست به آنجا بیاید.

با توجه به تعریفی که قبلاً مطرح کردیم، آیا می‌توانیم بگوییم ماندراگولا یک کتاب بزرگ است؟ زبان ماکیاولی در این نمایشنامه زیباست، و موضوع آن هرچند که چندان مهم نیست، قطعاً با گذشت زمان ارتباط خود را حفظ می‌کند. این کتاب فسادِ ریشه‌تئیده در نهاد خانواده، دین و حتی حقوق مورد قبول جامعه را نشان می‌دهد. اما آیا شخصی با ذهنی پلید می‌تواند واقعاً یک کتاب عالی بنویسد؟ به اندیشه‌هایی که ماکیاولی در کتاب شهریار خود شرح داده باز می‌گردیم: هیچ درستی یا نادرستی وجود ندارد، تنها چیزی که اهمیت دارد مصلحت و موفقیت است. یکی از درس‌های زندگی ما ممکن است این باشد که گاهی شر در نهایت پیروز می‌شود، و حتی کسانی که به نظر خوب و با فضیلت می‌آیند، در صورت راحتی و مصلحت، دست به اعمال شیطانی و ویرانگر می‌زنند.

در ستایش دیوانگی

اراسموس

انسان‌گرایی جوهره اصلی دوره رنسانس بود. رنسانس به معنای "تجدید حیات"، و تولد دوباره است، و این تولد دوباره به معنای احیای درک از دوران باستان کلاسیک است. این دوره همچنین به منزله گسستن از قالب‌ها و ساختارهای قرون وسطی دیده می‌شود.

بررسی خود را در باره موضوع طنز، هجو، و خنده با کتاب در ستایش دیوانگی^۱ نوشته دیسیدریوس اراسموس^۲ ادامه می‌دهیم. این اثر گفتاری ستایش‌آمیز در تحسین همین موضوع است. انسان‌گرایی یا اومانیزم^۳ جوهره رنسانس بود. عصر رنسانس شاهد تولدی دوباره از درک دوران باستان کلاسیک و گسستن از اشکال قرون وسطایی بود. این نهضت فکری و فرهنگی در اروپا از شناخت مجدد میراث یونان و روم باستان سرچشمه گرفت. هنرمندان در این دوره به مطالعه چگونگی استفاده از تجسم فضایی یا دورنمای سه بعدی پرداختند تا بفهمند که هنر یونانی و رومی چه چیزی را به دست آورده بود. در قرن چهاردهم، با زوال امپراتوری بیزانس^۴ (امپراتوری روم شرقی)، برخی از دانشمندان یونانی راهی ایتالیا شدند. این تماس فرصتی را برای انسان‌گرایانی مانند پترارک^۵، اندیشمند و شاعر ایتالیایی فراهم کرد تا زبان یونانی را بیاموزند.

اراسموس یکی از بزرگترین انسان‌گرایان (اومانیزست‌ها) بود. او در روتردام متولد شد، و احتمالاً

۱. *In Praise of Folly*.

۲. Desiderius Erasmus (۱۴۶۹-۱۵۳۶).

۳. Humanism.

۴. Byzantine Empire.

۵. Francesco Petrarch (۱۳۰۴-۱۳۷۳).

پسر کشیشی بود که رابطه‌ای نامشروع داشت. وقتی پدر و مادرش بر اثر طاعون درگذشتند، اراسموس برای تحصیل به یک مدرسه مذهبی برای کشیش‌های کاتولیک به نام مدرسه "برادران زندگی مشترک"^۱ فرستاده شد. او سپس تحصیلات خود را در برخی از دانشگاه‌های بزرگ اروپا ادامه داد. کتاب او به نام آدازیا^۲، یا مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌ها در زبان یونانی و رومی، مورد استقبال فراوان قرار گرفت و درآمد زیادی برای او به همراه داشت. اراسموس ایده نوشتن کتابی درباره دیوانگی را در سفر به کوه‌های آلپ به دست آورد. او مدتی را با تامس مور^۳، انسان‌گرا و حقوق‌دان انگلیسی گذراند که در آن زمان در فکر کنار گذاشتن مسائل علمی و خدمت به هنری هشتم^۴ پادشاه انگلستان بود.

در خانه تامس مور در انگلستان، اراسموس سعی کرد مور را قانع کند که به نوشتن ادامه دهد و از سیاست دور بماند. اراسموس نوشتن در ستایش دیوانگی (که عنوان یونانی آن بازی با نام مور است) را در زمان اقامتش با مور شروع کرد. این اثر با معرفی یک شخصیت دیوانه (یک زن دیوانه) در ستایش خودش آغاز می‌شود که به شکل یک دلچسب لباس پوشیده است. او اهمیت و قدرت خود را برای گروهی از روشنفکران، سیاستمداران و شخصیت‌های ادبی توضیح می‌دهد. بخشی از آموزش‌های انسان‌گرایانه او شامل توانایی ایراد سخنرانی به افتخار یک شخصیت سرشناس یا سخنرانی در مراسم تشییع جنازه یا غسل تعمید بود. تا آن زمان هیچ‌کس سخنرانی به افتخار یک دیوانه نکرده بود. دیوانگی توضیح می‌دهد که او مسئول وجود بشریت است.

او نقش سازنده خود را در ایجاد حکومت و بهره‌کشی سازمان‌یافته از مردم توصیف می‌کند. او می‌گوید که مسئول وجود وکلا، سربازان، استادان، دانشمندان و متخصصان الهیات است. سرگرمی‌ها و تفریحات نیز اختراعات دیوانگی هستند. دیوانگی نتیجه می‌گیرد که باید مورد استقبال و حتی پرستش قرار گیرد، زیرا او زندگی انسان‌ها را ممکن ساخته است. زمانی که در ستایش دیوانگی منتشر شد، بسیاری از حرفه‌هایی که در آن نام برده شده بود، به ویژه علمای

۱. School of the Brethren of the Common Life.

۲. *Adages*.

۳. Thomas More (۱۴۷۸-۱۵۳۵).

۴. King Henry VIII (۱۴۹۱-۱۵۴۷).

مذهبی به شدت خشمگین شدند.

مهم‌ترین همکاری اراسموس در دنیای دانش، کتاب عهد جدید^۱ (بخش دوم کتاب مقدس مسیحی) او به زبان یونانی بود. اراسموس معتقد بود که خدا او را برگزیده تا زبان یونانی بیاموزد و بفهمد نسخه‌های اصلی عهد جدید در واقع چه می‌گویند. در سال ۱۵۱۶، عهد جدید به زبان یونانی و ترجمه لاتین آن منتشر شد. انسان‌گرایان این کار را مورد تحسین قرار دادند، به ویژه در شمال اروپا، جایی که انسان‌گرایی عمیقاً با کلیسا و مسیحیت در ارتباط بود. یکی از اولین خوانندگان عهد جدید یونانی، مارتین لوتر^۲، کشیش متجدد و اصلاح‌طلب مذهبی دوران رنسانس بود. لوتر که مأمور آموزش دوره‌ای در زمینه نامه پولس رسول^۳ یکی از مبلغان مسیحیت به رومیان شده بود، با استفاده از کتاب عهد جدید اراسموس شروع به تأمل در باره مسئله لطف و فضل الهی در مقابل رویدادها، و موضوع ایمان در مقابل کردار کرد.

پرسش‌هایی که از عهد جدید اراسموس الهام گرفته شده بود، سرانجام مارتین لوتر را بر آن داشت تا اعلامیه نود و پنج ماده‌ای خود را در سال ۱۵۱۷ به درب کلیسایی در شهر ویتنبرگ بچسباند. هنگامی که اصلاحات پروتستانی آغاز شد، لوتر فکر می‌کرد که اراسموس به او خواهد پیوست، اما اراسموس به جای آن ترجیح داد که نظم در جامعه حفظ شود. او در میان آشفتگی‌های اصلاحات مذهبی از شهری به شهر دیگر می‌رفت و طرفداران و دوستانی پیدا می‌کرد. او در شهر بازل که بسیاری از کاتولیک‌ها آن را "سرچشمه بدعت" می‌نامیدند، درگذشت، در حالی که بسیاری از پروتستان‌ها او را بزدل و مرتد می‌دانستند.

زندگی اراسموس یک درس خوب دیگر به ما می‌دهد: حقیقت را بگویید، و هنگامی که متعصبان شروع به جنگ می‌کنند، عقب بایستید و نیرویی برای میانه‌روی باشید. میانه روی یا اعتدال ممکن است اوج خردورزی واقعی باشد.

۱. *New Testament.*

۳. *Paul's Letter.*

۲. *Martin Luther (۱۴۸۳-۱۵۴۶).*

آرمان شهر

تامس مور

"پادشاهان واقعاً مشاور نمی‌خواهند، آنها بله‌قربان‌گو می‌خواهند، و این روزها البته بله‌قربان‌گوهای زن، کسانی که چیزی را بگویند که آنها می‌خواهند بشنوند، و بعد راهی برای آن پیدا کنند، مهم نیست که ایده پادشاه چقدر زننده و بی‌اعتبار باشد."

در ادامه موضوع خنده و طنز، در این درس به دومین هجویه بزرگ دوران رنسانس می‌پردازیم، و آن آرمان‌شهر یا یوتوپیا^۱ یا مدینه فاضله اثر تامس مور^۲ فیلسوف اجتماعی و انسان‌گرای انگلیسی است. مور در لندن به دنیا آمد. پدر او یک وکیل برجسته و ثروتمند بود که مصمم بود تا پسر جوانش تامس راه او را دنبال کند. مور در شش سالگی لاتین آموخت و برای مدتی به دربار جان مورتون^۳، اسقف اعظم کانتربری، فرستاده شد. مورتون همچنین عالی‌ترین صدراعظم انگلستان در دوران هنری هفتم^۴ بود. علاوه بر فراگرفتن زبان‌های لاتین و یونانی پیشرفته، مور نحوه مدیریت امور اداری را در دوران حضورش در دربار مورتون یاد گرفت. سپس به آکسفورد فرستاده شد، دانشگاهی که در آن به مطالعه درس‌های کلاسیک و تاریخ یونان و روم پرداخت. مور معتقد بود که مطالعه یونانی و لاتین می‌تواند افق‌های جدیدی را برای بشریت بگشاید. با این حال، پدرش می‌خواست که مور استاد نشود و او را به مدرسه حقوق در لندن فرستاد. مور در اقامتگاه شهردار لندن با اراسموس آشنا شد، و دوستی نزدیکی میان آنها برقرار

۱. *Utopia* ("جایی که وجود ندارد").

۲. Thomas More (۱۴۷۸-۱۵۳۵).

۳. John Morton (۱۴۲۰-۱۵۰۰).

۴. Henry VII (۱۴۵۷-۱۵۰۹).

گشت. مور عاشق یادگیری بود، اما همچنین به سیاست و قدرت نیز علاقه داشت. او توجه هنری هشتم^۱ پادشاه انگلستان را به خود جلب کرد، پادشاهی که خود را با افرادی که به زبان‌های یونانی و لاتین تسلط داشتند احاطه کرده بود، چرا که معتقد بود آنها به کاربردهای عملی درس‌های دوران کلاسیک آگاه هستند. مور به سرعت مدارج ترقی را در دربار هنری هشتم طی کرد، و به مأموریت‌های دیپلماتیک حساس بسیاری فرستاده شد.

مور نوشتن آرمان‌شهر را زمانی آغاز کرد که پس از پایان مذاکرات با امپراتور مقدس روم در کشورهای سفلی (کشورهای پست و کم ارتفاع مانند هلند و بلژیک) اقامت داشت. این اثر با یک بیانیه واقعی آغاز می‌شود: مور هنگام اقامت با پیتر گیلز^۲ دوستی انسان‌گرا در شهر آنتورپ بلژیک با مردی به نام رافائل هیتلودی^۳ (مردی پیر، سیه‌چرده و عاقل، اما تخیلی از پرتقال) آشنا می‌شود. گیلز، هیتلودی را به عنوان جالب‌ترین فردی که می‌شناسد به مور معرفی می‌کند و از او می‌خواهد صبح را به صحبت در باره مشاهدات و چیزهایی که دیده است بگذراند. هیتلودی در باره سفری با آمریگو و سپوچی^۴، کاشف و نقشه‌نگار ایتالیایی و برخوردش با سرزمینی به نام آرمان‌شهر توضیح می‌دهد. مور از هیتلودی می‌پرسد آیا تا کنون به این فکر کرده که مشاور پادشاه شود، و هیتلودی شرح می‌دهد که چنین کاری چقدر احمقانه خواهد بود. هیتلودی ادعا می‌کند که به پادشاه توصیه می‌کرد که تمام مالکیت خصوصی را از بین ببرد، زیرا طمع و پول ریشه تمام شرارت‌ها هستند. هیتلودی می‌گوید که یک بار سعی کرد لرد مورتون را قانع کند تا دیدگاه‌هایش را در مورد مالکیت و عدالت اجتماعی بپذیرد. او به مور می‌گوید که ایده‌هایش را از زندگی در میان مردم آرمان‌شهر به دست آورده است.

هیتلودی (که نامش به معنای "یاوه گو" است) ادعا می‌کند که آرمان‌شهر مکانی واقعی است. آرمان‌شهر یک جزیره بزرگ است که تقریباً دو هزار سال پیش توسط پادشاه یوتوپوس بنیانگذاری شد. یوتوپوس فهمیده بود که سلطنت شکل مناسبی از حکومت نیست؛ بنابراین تقریباً از همان ابتدا آرمان‌شهر به ۵۴ شهر با حکومت دموکراتیک سازمان‌دهی شد. تمام

۱. Henry VIII (۱۴۹۱-۱۵۴۷).

۲. Peter Giles (۱۴۸۶-۱۵۳۳).

۳. Raphael Hythloday.

۴. Amerigo Vespucci (۱۴۵۴-۱۵۱۲).

جلسات سیاسی در آرمان شهر به صورت عمومی برگزار می‌شوند و هر شهروند حق اظهار نظر در مورد مسائل را دارد. هر شهر به دو بخش اصلی تقسیم شده است: یک بخش زمین‌های کشاورزی و بخش دیگر محدوده داخل شهر است. کشاورزی به صورت داوطلبانه انجام می‌شود و به قدری غذا تولید می‌شود که هیچ‌کس مجبور به پرداخت هزینه برای آن نیست. خانوارها هر ۱۰ سال یک‌بار جابه‌جا می‌شوند و تمام کالاها به صورت رایگان در اختیار قرار می‌گیرند. برنامه‌های روزانه انعطاف‌پذیر هستند؛ شهروندان روزانه شش ساعت کار می‌کنند. هر شهروند یک حرفه می‌آموزد که محصول خاصی تولید می‌کند و آزادی دارد که در صورت تمایل حرفه‌های جدیدی را یاد بگیرد. شهروندان آرمان شهر به یک خدا و جاودانگی روح اعتقاد دارند. آنها همچنین به زندگی پس از مرگ باور دارند که در آن اعمال نیک پاداش داده می‌شوند و اعمال بد مجازات. با این حال، در آرمان شهر هیچ‌کس مجبور به باور چیزی نیست. در آرمان شهر جرم و جنایت بسیار کم است و مجازات‌ها خفیف بوده و در راستای یادگیری و بازپروری صورت می‌گیرند. پس از شنیدن سخنان هیتلودی، مور اظهار می‌کند که دوست دارد

چنین چیزهایی را در سرزمین خود ببیند، اما باور ندارد که چنین چیزی امکان‌پذیر باشد.

تامس مور پس از آنکه بارها از سوگند وفاداری و به رسمیت شناختن پادشاه به عنوان رئیس کلیسا خودداری کرد، زندانی و اعدام شد.

مور نسخه‌ای از کتاب آرمان شهر را برای اراسموس فرستاد و اراسموس نیز انتشار آن را در سال ۱۵۱۶ به انجام رساند. شاه هنری از این اثر چنان خوشحال شد

که به مور پیشنهاد کرد که سخنگوی پارلمان شود. مور این پیشنهاد را علیرغم هشدارهای اراسموس پذیرفت. مور به شاه هنری کمک کرد تا قدرت خود در اروپا تقویت کند، از سوی پاپ به رسمیت شناخته شود و بدعت‌گذاران مذهبی را سرکوب کند. مور با این شرط که به شاه هنری برای ابطال ازدواجش کمک کند توانست عنوان صدراعظم پادشاه انگلستان را به خود اختصاص دهد. در سال ۱۵۳۲ مشخص شد که مور نمی‌تواند ابطال ازدواج هنری را با شرایط دلخواه او به انجام برساند. مور پس از آنکه بارها از سوگند وفاداری و به رسمیت شناختن پادشاه به عنوان رئیس کلیسا خودداری کرد، زندانی و اعدام شد.

قلعه حیوانات

جرج اورول

سیسرون^۱ سیاستمدار جمهوری روم در کتاب خود درباره وظایف اخلاقی^۲ معتقد بود که مالکیت خصوصی و احترام به مالکیت خصوصی پایه‌های عدالت هستند، و هیچ اخلاقی بدون مالکیت خصوصی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

به آخرین درس خود در این مجموعه در ارتباط با موضوع خنده و طنز می‌رسیم. آخرین رمان ما در این بخش مزرعه حیوانات یا قلعه حیوانات^۳ اثر جورج اورول^۴ داستان‌نویس و منتقد ادبی انگلیسی است. اورول به پرسش‌هایی در مورد بی‌عدالتی در کل و نقش مالکیت خصوصی در وجود بی‌عدالتی می‌پردازد. افلاطون بر این باور بود که مالکیت خصوصی عامل فقدان بسیاری از اصول اخلاقی در جهان است. او جمهوریت مشترک‌المنافع و ایده‌آل خود را بر اساس نبود مالکیت خصوصی بنا نهاد. به گفته افلاطون، کلید رهایی جهان از مالکیت خصوصی، آموزش جوانان به گونه‌ای است که آنها از همه چیز به صورت مشترک بهره‌مند شوند. بزرگترین تجربه در حفظ مالکیت خصوصی به صورت اشتراکی، نظام اتحاد جماهیر شوروی بود، و اورول به بررسی این نظام در کتاب قلعه حیوانات می‌پردازد.

جرج اورول با نام اصلی اریک آرتور بلر، در خانواده‌ای که خودش آن را "طبقه متوسط رو به

۱. Marcus Cicero (قبل از میلاد ۴۳-۱۰۶).

۲. *On Moral Duties (De Officiis)*.

۳. *Animal Farm*.

۴. George Orwell (۱۹۰۳-۱۹۵۰).

بالا" توصیف کرده بود به دنیا آمد. پدر اورول یک کارمند دولت در هند بود، و خانواده‌اش مصمم بودند که او تحصیلات خوبی داشته باشد. اورول در ایتون کالج لندن تحصیل کرد، اما موفق به دریافت بورسیه تحصیلی برای دانشگاه آکسفورد نشد، و خانواده‌اش توانایی مالی فرستادن او به دانشگاه را نداشتند. اورول به نیروی پلیس هندوستان پیوست، اما آن را طاقت‌فرسا یافت و پس از چند سال استعفا داد. او نسبت به بوروکراسی بی‌اعتماد بود و می‌خواست رمان‌نویس شود، اما در انتشار مطالب خود مشکل داشت، و در مدتی که در لندن و پاریس زندگی می‌کرد، با مشکلات مالی روبرو بود. او در اواسط دهه ۳۰ عمرش بود که جنگ داخلی اسپانیا آغاز شد. اورول جنگ را نمادی از مبارزه بین نیروهای خیر و نیروهای حکومت‌های تمامیت‌خواه یا خودکامه می‌دانست.

اورول مانند بسیاری از روشنفکران آن زمان، نسبت به ماهیت واقعی حکومت شوروی بی‌اطلاع بود. در طول قرن نوزدهم، متفکران سوسیالیست در باره چگونگی از بین بردن مالکیت خصوصی بحث کرده بودند، از این رو حکومت شوروی با موجی از امید آغاز شد. آثار کارل مارکس^۱، اقتصاددان و سوسیالیست انقلابی، و دیدگاه کمونیستی او اعتبار و توان یک مذهب را به خود گرفت. در سال ۱۹۱۷ رویای ایجاد یک حکومت کمونیستی با به قدرت رسیدن بلشویک‌ها در روسیه به واقعیت پیوست. با شکل‌گیری و قدرت‌گیری حکومت شوروی در سال ۱۹۲۲، روشنفکران لیبرال در سراسر جهان به استقرار کمونیسم به عنوان طلوع عصر جدیدی می‌نگریستند. لنین رهبر انقلابی در سال ۱۹۲۴ درگذشت، و پس از آن مبارزه‌ای برای حفظ میراث او میان ژوزف استالین^۲ رهبر شوروی و لئون تروتسکی^۳ متفکر انقلابی آغاز شد. در سال ۱۹۲۷، استالین با دقت قدرت را تحکیم کرد و تروتسکی ابتدا به سبیری و سپس به مکزیک تبعید شد. استالین به صورت رهبر مطلق امپراتوری شوروی درآمد، و نسل جدیدی را بر اساس اصول و شیوه‌های کمونیسم تربیت کرد. استالین در سال ۱۹۴۱ با حمله هیتلر نشان داد که برای پیروزی در جنگ بزرگ میهنی^۴ (دوره بین سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵) قدرت کافی دارد.

اورول کتاب قلعه حیوانات را در سال ۱۹۴۵ منتشر کرد، زمانی که استالین در اوج قدرت مطلق

۱. Carl Marx (۱۸۱۸-۱۸۸۳).

۲. Joseph Stalin (۱۸۷۸-۱۹۵۳).

۳. Leon Trotsky (۱۸۷۹-۱۹۴۰).

۴. The Great Patriotic War.

خود بود. اورول نوشته‌های خود را به افشای شرارت‌های توتالیتاریسم یا تمامیت‌خواهی اختصاص داده بود. او در طول جنگ داخلی اسپانیا به نیروهای جمهوری خواه پیوست و گمان می‌کرد که علیه فاشیسم می‌جنگد. اما در آنجا از نیروهای کمونیست آموخت که استالین و هیتلر در واقع دو روی یک سکه هستند و هر دو خود را تنها وقف رسیدن به قدرت کردند. قلعه حیوانات داستان امیدهای زیادی است که با لغو مالکیت خصوصی یا در این مورد با سرنگونی ظلم و ستم انسان‌ها به وجود آمده بود.

مزرعه به "مزرعه حیوانات" تغییر نام می‌دهد، و یک دولت موقت تحت رهبری دو خوک پرنفوذ مزرعه به نام اسنوبال و ناپلئون تأسیس می‌شود.

داستان در مزرعه مانور^۱ در انگلستان آغاز می‌شود. حیوانات همه گرد هم آمده‌اند تا به سخنان میجر پیر، یک خوک (نماد نظریه‌پردازان جنبش کمونیستی) گوش دهند. او

از ظلمی که انسان بر حیوانات روا داشته سخن می‌گوید و رویایی را شرح می‌دهد که در آن کنترل مزرعه به دست حیوانات می‌افتد. میجر از استثماری که حیوانات به طور مداوم از سوی مالک مزرعه آقای جونز (نماد نیکلای دوم آخرین اپراتور روسیه) تجربه می‌کنند صحبت می‌کند. با اینکه میجر می‌داند به مرگ نزدیک است، از حیوانات می‌خواهد که رویای او را دنبال کنند. پس از مرگ میجر، این رویا زنده نگه داشته می‌شود و حیوانات برای تحقق آن تلاش می‌کنند. خوک‌ها شروع به توسعه یک دکتترین به نام حیوان‌گرایی^۲ می‌کنند که به طور علمی ثابت می‌کند حیوانات باهوش‌تر از انسان‌ها هستند. آنها ادعا می‌کنند که وقتی نظام انسانی فرو پاشد، انقلاب حیوانی موفق می‌شود و حیوانات یک دولت بزرگ تعاونی تشکیل خواهند داد. حیوانات مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را به نام "هفت فرمان" تدوین می‌کنند که در نهایت اساس آن بر این ایده استوار است که همه حیوانات برابر و برتر از انسان‌ها هستند. این فرمان‌ها روی دیوار نوشته می‌شوند. سرانجام حیوانات شورش می‌کنند و انسان‌ها از مزرعه بیرون می‌رانند. مزرعه به "مزرعه حیوانات" تغییر نام می‌دهد، و یک دولت موقت تحت رهبری دو خوک پرنفوذ مزرعه به نام‌های اسنوبال (نماد رهبران انقلابی، تروتسکی) و ناپلئون (نماد رهبران فاسد و مستبد، استالین) تشکیل می‌شود. حیوانات خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرند، و

۱. Manor Farm.

۲. Animalism.

کمیته‌هایی برای حل مشکلات مزرعه تشکیل می‌دهند. زمانی که معلوم می‌شود مزرعه حیوانات در آستانه فروپاشی نیست، کشاورزان محلی حمله می‌کنند. حیوانات در این نبرد پیروز می‌شوند و مزرعه به حال خود رها می‌شود.

حیوانات به زندگی در هماهنگی نسبی ادامه می‌دهند تا اینکه خوک ناپلئون ناگهان با کمک گروهی از سگ‌هایی که خودش مخفیانه تربیت کرده، قدرت را از اسنوبال می‌گیرد. ناپلئون رهبر بلامنازع مزرعه می‌شود و کنترل کامل را به دست می‌گیرد. او اصرار دارد که ساختن یک آسیاب بادی که قبلاً توسط اسنوبال پیشنهاد شده بود، ادامه یابد. شروع به بازنویسی تاریخ می‌کند، (همان‌گونه که در شوروی سابق روی داد). ناپلئون حالا ادعا می‌کند که اسنوبال با ایده آسیاب بادی مخالف بوده، اما او موافق آن است. وقتی آسیاب بادی فرو می‌ریزد، ناپلئون اسنوبال و همکارانش را مسئول خرابکاری‌ها و مقصر اتفاقات بد می‌داند. همکاران اسنوبال همه کشته می‌شوند، درست شبیه حیوانی که توجه همگی را به این واقعیت جلب کرده بود که ناپلئون اکنون یکی از مهم‌ترین فرمان‌های وضع شده توسط حیوانات را نقض کرده است. ناپلئون به بازنویسی فرمان‌ها و قانون اساسی حیوانات می‌پردازد، و به تدریج به تغییر و از بین بردن فرمان‌ها به نفع خوک‌ها ادامه می‌دهد. او در نهایت تصمیم می‌گیرد که مزرعه را به یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر تبدیل کند و این موضوع باعث رنج دیگر حیوانات می‌شود.

حیوانات با غذای کم مجبور به کار زیاد می‌شوند، و خوک‌ها بیشتر می‌خورند و با امکانات فراوان رفاهی حتی روی دو پا راه می‌روند و با انسان‌ها هم معامله می‌کنند. سرانجام حیوانات شاهد هم‌نشینی خوک‌ها و انسان‌ها دور یک میز می‌شوند، در حالی که مشغول نوشیدن و بازی کارت هستند. حیوانات دیگر قادر به تمایز بین این دو گونه از موجودات نیستند. ناپلئون اعلام می‌کند که "مزرعه حیوانات" همیشه "مزرعه مانور" بوده و خواهد بود. حیوانات به طویله باز می‌گردند و متوجه می‌شوند که تمام فرمان‌هایشان به طور زیادی تغییر کرده‌اند، شش فرمان اول از روی دیوار پاک شده‌اند، و مهم‌ترین تغییر در آخرین فرمان است. فرمانی که قبلاً خوانده می‌شد "همه حیوانات با هم برابرند"، اکنون این ماده به آن اضافه شده: "اما بعضی حیوانات از دیگران برابرتند."

تراژدی کاتو

جوزف ادیسون

میهن‌پرستی به معنای عشق به آزادی، عشق به وطن و آمادگی برای جان فشانی در راه کشور است، اما بر اساس این فرض که کشور شما برحق باشد. این فرض اغلب میهن‌پرستی را به مسئله‌ای دشوار برای قضاوت تبدیل می‌کند، زیرا ممکن است یک فرد میهن‌پرست از دیدگاه دیگری یک تروریست باشد.

در این درس به موضوع میهن‌دوستی می‌پردازیم. میهن‌دوستی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در آثار بزرگ مطرح می‌شود. اما امروزه ممکن است تعریف خود از میهن‌دوستی و ارتباط آن با جامعه را مورد تأمل قرار دهیم. بنیان‌گذاران ایالات متحده به دنبال الگوهای بزرگ میهن‌دوستی در تاریخ و به ویژه در تاریخ دنیای کلاسیک بودند. در عصر دموکراسی آتنی میهن‌دوستی به سادگی به عنوان این باور تعریف می‌شد که باشکوه‌ترین کار ممکن یا جان باختن برای وطن است.^۱ سخنور و ژنرال برجسته آتنی، در خطابه خود در یک مراسم تشییع جنازه درباره جوانانی سخن می‌گوید که در سال اول جنگ بین آتن و اسپارت جان باختند. او از کشوری که این جوانان برای آن جان دادند و از وظیفه شهروند برای این فداکاری نهایی صحبت می‌کند. مورخ یونانی، پولیبیوس^۲ نیز در توضیح چگونگی تبدیل شدن روم به فرمانروای مطلق جهان در طی یک نسل از عظمت جنگیدن برای کشور سخن گفته است.

۱. Pericles (۴۹۵-۴۲۹ میلاد). (قبل از میلاد ۴۲۹-۴۹۵).

۲. Polybius (۲۰۵-۱۲۵ میلاد). (قبل از میلاد ۱۲۵-۲۰۵).

سیسرون معتقد بود که هر فرد آزاد باید میهن‌دوست نیز باشد. او همچنین باور داشت که میهن‌دوستی باید بر اساس چهار اصل بنیادی خرد، عدالت، شجاعت و اعتدال شکل بگیرد. میهن‌دوستی به معنای عشق به آزادی، عشق به وطن و آمادگی برای فدا کردن جان در راه کشور است، البته به شرطی که ارزش‌ها و نظام حکومتی آن کشور برحق باشد. ذهنی بودن این فرض اغلب میهن‌دوستی را به مسئله‌ای دشوار برای قضاوت تبدیل می‌کند. بنیانگذاران ایالات متحده نیز با این پرسش روبه‌رو بودند: میهن‌پرستی چیست؟ اگر شکست می‌خورند، طبق قوانین انگلستان به عنوان خائن اعدام می‌شدند. در میان آثار بزرگ هیچ نمادی قوی‌تر از میهن‌دوستی مارکوس پورکیوس کاتو^۱ نمی‌توان پیدا کرد.

کاتو باور سزار را درک می‌کرد مبنی بر اینکه او می‌تواند روم را بازسازی کرده و امپراتوری آن را حفظ کند. با این حال، او همچنین می‌دانست که هزینه چنین بازسازی‌ای از دست دادن آزادی روم خواهد بود. روم بدون آزادی، هرچقدر هم که امپراتوری آن باشکوه باشد، چیزی جز یک پوسته خالی نخواهد بود. کاتو با متحدان اندکی که داشت، در هر قدم با سزار مبارزه کرد. او از فساد سیاسی و شخصی سزار متنفر بود. کاتو به سزار مشکوک بود و او را همدست در توطئه با

کاتو باور سزار را درک می‌کرد مبنی بر اینکه او می‌تواند روم را بازسازی کرده و امپراتوری آن را حفظ کند. با این حال، او همچنین می‌دانست که هزینه چنین بازسازی‌ای از دست دادن آزادی روم خواهد بود.

کسانی می‌دانست که قصد براندازی جمهوری آزاد روم را داشتند. تا سال ۴۸ قبل از میلاد، مشخص شد که مردم روم باید بین آزادی که کاتو پیشنهاد می‌کرد و صلح و رفاهی که سزار وعده می‌داد، یکی را انتخاب کنند. هنگامی که جنگ بزرگ داخلی آغاز شد، کاتو سرنوشت خود را در همراهی با پومپه بزرگ^۲،

سیاست‌مدار و جنگ‌سالار رومی تشخیص داد. پس از شکست از سزار در فارسال^۳، کاتو به جای درخواست عفو از سزار، نیروهای خود را به آفریقا برد. با وجود اینکه سزار بارها نیروهای کاتو را شکست داد و به او شرایط سخاوتمندانه‌ای برای عفو پیشنهاد کرد، کاتو در نهایت مرگ را به پذیرش نظم جدید سزار ترجیح داد.

۱. Marcus Porcius Cato (۲۳۵-۱۴۹ قبل از میلاد).

۳. Parsalus.

۲. Pompey the Great (۱۰۶-۴۸ قبل از میلاد).

بنیان‌گذاران ایالات متحده همان اندازه که از زندگی‌نامه‌های قدیمی کاتو الهام گرفتند، از نمایش‌نامه کاتو اثر جوزف آدیسون^۱ شاعر سیاسی مسلک انگلیسی نیز تأثیر پذیرفتند. کاتویکی از تأثیرگذارترین الگوهای ادبی و فکری برای انقلاب آمریکا بود. آدیسون عمیقاً به آزادی معتقد بود. او به عنوان یک تحصیل‌کرده دانشگاه آکسفورد مشاغلی برجسته داشت، و به خاطر شعر معروف خود به نام "مبارزه"^۲ (کمپین) در انگلستان شهرت یافت. نمایش‌نامه کاتو برای اولین بار در سال ۱۷۱۳ در لندن به روی صحنه رفت. این نمایش‌نامه به عنوان هشدار برای هم‌حزبی‌های ویگ^۳ یکی از احزاب سیاسی قدیم در پارلمان بریتانیا که حزب لیبرال از آن سرچشمه گرفت و همچنین برای محافظه‌کاران توری^۴ نوشته شد که از یک پادشاهی قدرتمند و کلیسای قوی حمایت می‌کردند. داستان نمایش‌نامه در شهر اوتیکا^۵ در شمال شرقی تونس امروزی روی می‌دهد، جایی که در آن کاتو قبلاً شکست خورده است و داستان با حضور دو پسر او مارکوس^۶ و پورسیوس^۷ آغاز می‌شود. هر دو پسر عاشق لوسیا^۸ همسر سناتور لوسیوس^۹ هستند، اما پورسیوس می‌گوید که باید این احساسات را کنار بگذارند و تنها به پدرشان و آرمان روم خدمت کنند. علیرغم تلاش‌های تعدادی از افراد مهم برای متقاعد کردن کاتو به آشتی با سزار، کاتو از پذیرش این پیشنهاد خودداری می‌کند.

سنتوریون^{۱۰} یکی از محافظان افسران بلندپایه روم تلاش می‌کند تا دختر کاتو را برآید، اما کشته می‌شود. شاهزاده نومیديا^{۱۱} (یک قلمروی پادشاهی در شمال آفریقا) به نام جوبا^{۱۲} نیز خواستار ازدواج با دختر کاتو است، اما به او گفته می‌شود که در این شرایط نباید به چیزی جز آزادی و استقلال اندیشید. کاتو با خبر می‌شود که پسرش مارکوس در دفاع از روم کشته شده است. او سوگند می‌خورد که همیشه یاد و خاطره پسرش را محترم نگهدارد و هرگز با عفو سزار موافقت نکند. کاتو با وجود اصرارهای پسرش پورسیوس برای زنده ماندن و پذیرش صلح با سزار، به خودکشی فکر می‌کند. در لحظات پایانی نمایش‌نامه، کاتو شمشیرش را در بدن خود فرو

۱. Joseph Addison (۱۶۷۲-۱۷۱۹).

۲. "The Campain."

۳. Whigs.

۴. Tories.

۵. Utica.

۶. Marcus.

۷. Porcius.

۸. Lucia.

۹. Lucius Verus (۱۳۰-۱۶۹).

۱۰. Centurion.

۱۱. Numidia.

۱۲. Juba.

می‌برد. پیش از مرگ، او به جوبا اجازه می‌دهد با دخترش ازدواج کند و به پسرش نیز اجازه می‌دهد با لوسیا ازدواج کند. پیکر او نزد سزار برده می‌شود.

قدرت نمایش‌نامه کاتو در سخنرانی‌های پاتریک هنری^۱ یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده، و همچنین در آخرین کلمات میهن‌پرستانی مانند ناتان هیل^۲ قهرمان آمریکایی‌ها در جنگ با امپراتوری بریتانیا انعکاس یافته است. در سال‌های ۱۷۷۷-۱۷۷۸، آرمان میهن‌پرستان آمریکایی تقریباً در آستانه نابودی به نظر می‌رسید. به عنوان نمونه، برای بالا بردن روحیه سربازان در دره فورج^۳ در ایالت پنسیلوانیا، جورج واشنگتن ترتیب داد تا نمایش‌نامه مورد علاقه‌اش کاتو را روی صحنه ببرند.

۱. Patrick Henry (۱۷۳۶-۱۷۹۹).

۲. Nathan Hale (۱۷۵۵-۱۷۷۶).

۳. Valley Forge.

سخنرانی خدا حافظی

جرج واشنگتن

باید همیشه به یاد داشته باشیم که فرانسه اولین متحد ایالات متحده بود و کمک‌های نظامی و مالی فرانسه برای پیروزی در جنگ استقلال آمریکا کاملاً حیاتی بود.

در ادامه بررسی درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ تمرکز ما روی آرمان میهن‌پرستی خواهد بود. در این درس، به فردی می‌پردازیم که مظهر واقعی میهن‌پرستی از دیدگاه آمریکایی است: جورج واشنگتن^۱ اولین رئیس جمهور آمریکا. واشنگتن در سال ۱۷۸۱ اطلاعاتی دریافت کرد که ناوگان فرانسه از جزایر هند غربی^۲ (یکی از مناطق آمریکای شمالی که توسط اقیانوس اطلس و دریای کارائیب احاطه می‌شود) حرکت کرده و به خلیج یورکتاون در ویرجینیا نزدیک شده است. واشنگتن تصمیم گرفت به سرعت نیروهای متحد فرانسوی و آمریکایی را به یورکتاون منتقل کند تا از ورود ناوگان بریتانیا برای تأمین نیازهای ژنرال کورنوالیس^۳ انگلیسی جلوگیری کند. با پیروزی ناوگان فرانسه بر بریتانیا، تأمین منابع تدارکاتی ژنرال کورنوالیس از طریق دریا قطع شد. واشنگتن و متحدان فرانسوی او محاصره رسمی یورکتاون را آغاز کردند، و کورنوالیس مجبور به تسلیم شد. با شنیدن این خبر و روی کار آمدن دولت جدیدی در بریتانیا، جرج سوم^۴ پادشاه انگلستان مجبور به توقف جنگ شد و جنگ انقلاب آمریکا به پایان رسید.

دست‌آورد واشنگتن به عنوان یک ژنرال خیره‌کننده بود. او یک ارتش ایجاد کرد، منابع مالی آن را

۱. George Washington (۱۷۳۲-۱۷۹۹).

۲. West Indies.

۳. Charles Cornwallis (۱۷۳۸-۱۸۰۵).

۴. George III (۱۷۳۸-۱۸۲۰).

تأمین نمود و استراتژی لازم برای شکست بزرگترین امپراتوری آن زمان را طراحی کرد. در حالی که مذاکرات در پاریس ادامه داشت، نیروهایی که تحت فرماندهی واشنگتن خدمت کرده بودند، نه می‌توانستند موخص شوند و نه حقوقی دریافت کرده بودند. واشنگتن از نامه‌ای مطلع شد که در میان افسران دست به دست می‌شد و پیشنهاد می‌کرد که او جایگاه پادشاهی را بپذیرد تا از فروپاشی کشور جدید جلوگیری کند. واشنگتن این پیشنهاد را رد کرد و به نیروهایش قول داد که حقوقشان پرداخت خواهد شد. پس از امضای نهایی پیمان صلح پاریس، حقوق نیروهای واشنگتن پرداخت شد و ژنرال واشنگتن فرماندهی خود را به کنگره قاره‌ای^۱ واگذار کرد. اما کشور در خطر تجزیه قرار داشت. جیمز مدیسون^۲ سیاستمدار و چهارمین رئیس جمهور آمریکا و دیگران به واشنگتن نامه نوشتند و از او خواستند در مجمع تجدید نظر در اصول کنفدراسیون^۳ شرکت کند. اگر چه واشنگتن بارها از بازگشت به خدمات دولتی خودداری کرد، اما در نهایت پذیرفت و به فیلادلفیا سفر کرد تا ریاست کنوانسیون را بر عهده بگیرد. واشنگتن به اتفاق آرا به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

زمانی که واشنگتن ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، کشور در وضعیت ورشکستگی قرار داشت. ایالات متحده توانایی حفاظت از مرزهای خود در برابر حملات بومیان آمریکا یا اجرای مفاد معاهده با بریتانیا را نداشت. واشنگتن یک کابینه فوق‌العاده تشکیل داد که نمونه‌ای دیگر از هوش و درایت او بود و همراه با مشاورانش آینده کشور را طراحی کرد. قدرت بالقوه‌ای در دفتر ریاست جمهوری وجود داشت، اما واشنگتن آن را به واقعیت تبدیل کرد. در پنسیلوانیا یک شورش رخ داد، و واشنگتن شخصاً فرماندهی نیروهایی را بر عهده گرفت که شورش را سرکوب کردند. نظم بدون خونریزی جدی دوباره برقرار شد و اقتدار دولت فدرال به وضوح نشان داده شد. واشنگتن اختیار را به یک ژنرال مورد اعتماد واگذار کرد تا آرامش را به منطقه مناقشه یعنی دره اوهایو بازگرداند. الکساندر همیلتون^۴ یکی از پدران بنیانگذار ایالات متحده به شکلی ماهرانه امور مالی را سر و سامان داد. تلاش‌های او چنان موفقیت‌آمیز بود که وقتی انقلاب فرانسه آغاز شد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در فرانسه از بین رفت، اروپایی‌ها شروع به

۱. Continental Congress.

۲. James Madison (۱۷۵۱-۱۸۳۶).

۳. Articles of Confederation.

۴. Alexander Hamilton (۱۷۵۷-۱۸۰۴).

سرمایه‌گذاری در ایالات متحده کردند. در زمانی که جنگ بین فرانسه و بریتانیا در گرفت، واشنگتن کشور را با دقت از خطرات مداخله در کنار هر یک از طرفین دور نگهداشت. بسیاری تصور می‌کردند که واشنگتن برای سومین دوره به ریاست جمهوری ادامه خواهد داد، اما او این کار را نکرد.

موفقیت واشنگتن به عنوان یک ژنرال
شگفت‌انگیز بود. او یک ارتش ایجاد
کرد، منابع مالی آن را تأمین کرد و
استراتژی لازم برای شکست بزرگ‌ترین
امپراتوری آن زمان را طراحی کرد.

در ۱۹ سپتامبر ۱۷۹۷، نامه‌ای از جورج واشنگتن در روزنامه آگهی‌های روزانه

آمریکایی فیلادلفیا^۱ منتشر شد. در این نامه که امروزه به عنوان سخنرانی خداحافظی واشنگتن^۲ نامیده می‌شود، واشنگتن دلایل خود را برای بازگشت به زندگی خصوصی به جای ماندن ادامه ریاست جمهوری توضیح داد. واشنگتن اظهار داشت که کشور اکنون به خوبی تثبیت شده است. او تأکید کرد که قانون اساسی پشتیبان اتحاد ایالت‌ها و قوی‌ترین پیوند برای یکپارچگی کشور و بهترین پایه برای آزادی است. واشنگتن هشدار داد که در دفاع از قانون اساسی، مردم آمریکا باید مراقب تجاوز و تعدی قدرت‌ها باشند. او همچنین به خطرات ناشی از درگیری‌های حزبی اشاره کرد. واشنگتن گفت که آزادی باید با اخلاق و دین محافظت شود و تأکید کرد که هیچ ملتی در صورت بی‌اخلاقی نمی‌تواند پایدار بماند؛ ملت باید شهروندانی اخلاق‌مدار داشته باشد که بر اساس فضایل میهن پرستی، صرفه جویی، صداقت و عدالت عمل کنند. در نهایت، واشنگتن نسبت به پرهیز از "درگیری‌های خارجی" هشدار داد. او روابط تجاری را با شرط مسئولیت مالی توصیه کرد و پیشنهاد داد که ایالات متحده باید با دیگر کشورها تجارت کند، اما از پیمان‌های تجاری اجتناب نماید.

واشنگتن که حتی از سوی دشمنان سابقش به عنوان بزرگ‌ترین مرد زمان خود شناخته می‌شد، در مانت ورنون^۳ در ایالت ویرجینیا بازنشسته شد. هنگامی که او درگذشت، کشتی‌های ناوگان بریتانیا و فرانسه، با وجود آمادگی برای ورود به جنگ، پرچم‌های خود را به نشانه احترام به این مرد بزرگ پایین آوردند.

۱. Philadelphia American Daily Advertiser.

۳. Mount Vernon.

۲. Washington's Farewell Address.

جنگ

آبراهام لینکلن و جرج پاتون

نامه به خانم بیکسبی^۱ بیانی عمیق از آرمان میهن‌پرستی آمریکایی است. از این نامه به عنوان یک اصل مهم در فیلمی استفاده شد که در آن به موضوع فقدان، در این مورد از دست دادن سه پسر یک مادر و تلاش ارتش برای نجات پسر چهارم از مرگ می‌پردازد. اگر فیلم‌ها را به کتاب‌های بزرگ تبدیل می‌کردیم و آن‌ها را کتاب‌های بزرگ می‌نامیدیم، نجات سرباز رایان^۲ جایگاهی برجسته در میان آن‌ها می‌داشت.

میهن‌پرستی یک ارزش بنیادی انسانی است، ارزشی که در تجربه آمریکایی نیز اساسی بوده است. آبراهام لینکلن^۳ معنای عمیق میهن‌پرستی را در نامه‌ای که به خانم بیکسبی در بوستون ماساچوست نوشت بیان کرد. خانم بیکسبی پنج فرزند پسر خود را در میدان جنگ از دست داده بود. لینکلن این نامه را برای ابراز همدردی و همچنین تحسین و احترام خود به او نوشت، به زنی که "چنین فداکاری پرهزینه‌ای را در محراب آزادی" کرده بود. این بیانیه عمیق از سوی رئیس جمهور بزرگی صادر شد که از جنگ بیزار بود و در عمل علیه جنگ مکزیکی رأی داده بود. با این حال لینکلن کشور خود را در مبارزه‌ای بزرگ که همان جنگ داخلی بود، رهبری کرد و به این باور رسید که این جنگ مجازاتی الهی برای اشتباه اخلاقی برده‌داری است. در ذهن لینکلن، زندگی جاودان کشور با خون مردانی مانند پسران خانم بیکسبی خریداری شده است.

۱. Mrs. Bixby.

۳. Abraham Lincoln (۱۸۰۹-۱۸۶۵).

۲. *Saving Private Ryan*.

نسل آمریکایی‌هایی که در جنگ جهانی دوم شرکت کردند، تجلی بارز خود را در زندگی ژنرال جورج اس. پاتون^۱ داشت. پاتون نمونه یک میهن‌پرست واقعی و مردی با سرنوشت بزرگ بود که همچنین یک جنگجوی توانمند به شمار می‌رفت. پاتون از خانواده‌ای با سابقه طولانی نظامی‌گری در ویرجینیا می‌آمد. یکی از اجداد او ژنرالی در جنگ انقلاب آمریکا بود، و پدر و عمویش در ارتش کنفدراسیون خدمت کرده بودند.

از همان اوایل زندگی، پاتون آرزو داشت که سرباز شود. او در مؤسسه نظامی ویرجینیا^۲ و سپس در آکادمی نظامی ایالات متحده^۳ به تحصیل پرداخت. پس از فارغ‌التحصیلی، پاتون در سواره نظام آمریکا خدمت کرد و توسط ارتش برای شرکت در مسابقات پنج‌گانه المپیک برگزیده شد. پاتون در جریان جنگ جهانی اول به یکان زرهی تانک پیوست و در نبرد زخمی شد. او پس از جنگ با دوایت آیزنهاور^۴ دوستی نزدیکی برقرار کرد.

هنگامی که جنگ جهانی دوم آغاز شد، پاتون به عنوان یکی از فرماندهان بخش شمال آفریقا انتخاب شد. پاتون در برخورد با دولت فرانسه در مراکش مهارت‌های دیپلماتیک خوبی نشان داد و فرماندهی ارتش هفتم را بر عهده گرفت. او آن قدر به عنوان یک فرمانده موفق بود که برای رهبری عملیات بعدی بزرگ متفقین در سیسیلی برگزیده شد. اگرچه پتون برخی تصمیمات

تعهد شدید پاتون نسبت به افراد تحت رهبری و اصول ارتش تقریباً موجب از دست دادن مقامش شد، زمانی که خبری منتشر شد مبنی بر اینکه او تهدید کرده بود که مردی را به دلیل ترس در بیمارستان به قتل برساند.

جنگجالی گرفت، اما تا ماه اوت ۱۹۴۳ او مشهورترین ژنرال جنگی در ارتش ایالات متحده شناخته می‌شد. او در مهارت‌هایی که یک ژنرال بزرگ را می‌سازد: استراتژی، تاکتیک، فرماندهی میدان جنگ، و تدارکات تبحر داشت. تعهد شدید پاتون نسبت به سربازان خود و همچنین اصول ارتش تقریباً

موجب از دست دادن مقامش شد، و آن زمانی بود که خبری منتشر شد مبنی بر اینکه او تهدید

۱. George S. Patton (۱۸۸۵-۱۹۴۵).

۲. Virginia Military Institute.

۳. West Point.

۴. Dwight Eisenhower (۱۸۹۰-۱۹۶۹).

کرده بود که مردی را به دلیل ترس در بیمارستان به قتل برساند.

آیزنهاور از پاتون حمایت کرد، تا حدی به دلیل دوستی و تا حدی به دلیل کارآمدی او. پاتون به شمال انگلستان فرستاده شد تا مأموریتی بی معنی را انجام دهد: سازماندهی و فرماندهی ارتشی که وجود نداشت. حضور پاتون در شمال انگلستان به متقاعد کردن آلمانی‌ها کمک کرد که حمله متفقین به نورماندی در کاله، شهری ساحلی و بندرگاه مهم در شمال فرانسه صورت خواهد گرفت. پاتون نقش خود را ایفا کرده بود، اما به او دستور داده شد که سکوت کند. حمله به نورماندی موفقیت‌آمیز بود، اما نیروهای آمریکایی و بریتانیایی پس از آن درگیر شدند. پاتون فرماندهی ارتش سوم آمریکا را برعهده گرفت و یکی از جسورانه‌ترین حملات تاریخ را برای بیرون راندن آلمانی‌ها از مواضع‌شان رهبری کرد. در ۱۶ دسامبر ۱۹۴۴ فرماندهی عالی متفقین متقاعد شده بود که آلمانی‌ها شکست خورده‌اند؛ تنها پاتون در این مورد شک داشت. هنگامی که حمله آردن یا نبرد بولج^۱ (منطقه بیلاقی در مرز بین بلژیک و آلمان) آغاز شد، پاتون و ارتش سوم او یکی از بزرگ‌ترین پیشروی‌های زمستانی در تمام تاریخ نظامی را انجام دادند تا نیروهای ۱۰۱ هوابرد را نجات دهند.

اگرچه پاتون موفقیت‌های چشمگیری داشت، اما فردی خطرناک به نظر می‌رسید. برای مشغول نگه‌داشتن پاتون، او را به عنوان فرماندار نظامی بایرن^۲ (بزرگ‌ترین ایالت در میان ایالات شانزده‌گانه آلمان) منصوب کردند، شغلی که چندان برای آن مناسب نبود. اظهار نظر پاتون مبنی بر اینکه نازی‌ها شبیه جمهوری خواهان و دموکرات‌ها هستند، در سطح ملی خبرساز شد و عملاً به دوران حرفه‌ای او پایان داد. پاتون مسئول واحد نظامی نگارش تاریخ جنگ شد. این ژنرال بزرگ در دسامبر ۱۹۴۵ در یک تصادف رانندگی کشته شد. او در کنار سربازانش در یک گورستان نظامی در لوکزامبورگ به خاک سپرده شد.

۱. The Battle of the Bulge.

۲. Bavaria.

زندگی نامه

تئودور روزولت

جورج پاتون نمونه بارز فردی است که هویت او کشورش بود، عمیقاً آن را دوست داشت، اما همچنین بزرگ‌ترین معنا و هدف خود را در جنگ یافت.

در این درس به بررسی موضوع میهن‌پرستی در کتاب‌های بزرگ ادامه می‌دهیم. آیا میهن‌پرستی برای ما امروزه هنوز همان معنایی را دارد که در زمان انقلاب آمریکا، جنگ داخلی آمریکا، یا جنگ جهانی دوم داشت؟ تئودور روزولت^۱ بیست و ششمین رئیس جمهور آمریکا مانند جورج پاتون و جورج واشنگتن یکی از بزرگ‌ترین آمریکایی‌هایی بود که به شرافت جان‌سپاری برای کشورش اعتقاد داشت. روزولت یکی از موفق‌ترین رؤسای جمهور در تاریخ آمریکا، یکی از بزرگ‌ترین میهن‌پرستان و یکی از بهترین نویسندگان بود. زندگی‌نامه او گواهی بر استعداد اوست.

روزولت در یک خانواده ثروتمند در نیویورک به دنیا آمد. پدرش بیشتر اوقات خود را صرف کارهای خیریه می‌کرد. روزولت دیدگاه وسیعی نسبت به ملت آمریکا داشت، برای مردم عادی آمریکا احترام عمیقی قائل بود، و بیش از هر چیز باور داشت که مسیر تاریخ آمریکا بی‌نظیر است. او از دانشگاه هاروارد فارغ التحصیل شد و به فکر تحصیل در رشته حقوق افتاد، اما از پیامدهای اخلاقی کار وکالت دچار تردید بود. در عوض تصمیم گرفت وارد سیاست شود و به

۱. Theodore Roosevelt (۱۸۵۸-۱۹۱۹).

سرعت پیشرفت کرد. مرگ همسر جوانش ضربه‌ای بسیار سنگین به او وارد کرد. او مراقبت از دخترش را به خواهرش سپرد، زیرا داشتن فرزند در کنار او برایش بیش از حد دردناک بود. روزولت سپس به غرب آمریکا به منطقه داکوتا سفر کرد، و در آنجا به اداره یک مزرعه دامداری پرداخت. روزولت در آنجا به این درک رسید که این مردم عادی آمریکا هستند که این کشور را استثنایی می‌کنند، نه مؤسسات حقوقی یا شرکت‌های تجاری نیویورک.

روزولت در سال ۱۸۸۹ آماده بازگشت بود. او به نیویورک برگشت و در آنجا به عنوان رئیس پلیس منصوب شد. دو رئیس جمهور او را برای خدمت در کمیسیون خدمات دولتی انتخاب کردند، و او در ایجاد یک سیستم آزمون خدمات دولتی به منظور حذف پارتی‌بازی نقشی کلیدی داشت. روزولت برای فرمانداری نامزد شد و شکست خورد، اما به عنوان معاون وزیر نیروی دریایی منصوب گشت.

جنگ آمریکا و اسپانیا که در سال ۱۸۹۸ روی داد نبردی بود که در پی آن سلطه اسپانیا بر مستعمرات آن کشور در قاره آمریکا پایان یافت. از نگاه روزولت، این جنگ یک جنگ عادلانه بود. او برای کمک به نیروهای آمریکا درخواست تشکیل یک واحد سواره نظام داوطلب را داد و مجوز آن را دریافت کرد. در اول ژوئیه ۱۸۹۸ روزولت فرماندهی حمله به تپه سان خوان^۱ (مجموعه‌ای از تپه‌ها در شرق سانتیاگو در کوبا) را بر عهده گرفت. علیرغم برتری نیروهای اسپانیا از نظر تسلیحاتی نسبت به آمریکا، واحد سواره نظام روزولت توانست این تپه را تصرف کند. روزولت مانند وینستون چرچیل بر این باور بود که در جنگ نوعی شکوه و جلال وجود دارد که هرگز نمی‌توان آن را کاملاً کوچک جلوه داد.

روزولت به یک قهرمان ملی تبدیل شد و به سرعت به عنوان فرماندار نیویورک به قدرت رسید. او به شدت به سیاست‌های ترقی‌خواهی اعتقاد داشت و از بسیاری جهات یک دموکرات در حزب جمهوری خواه بود. در سال ۱۹۰۰ برخی از اعضای حزب جمهوری خواه تصمیم گرفتند بهترین راه برای ساکت کردن روزولت (و شاید خراب کردن او) این باشد که او را معاون رئیس

۱. San Juan Hill.

جمهور کنند. روزولت معاونت ریاست جمهوری را در زمان ویلیام مک‌کینلی^۱ پذیرفت، و پس از ترور مک‌کینلی به سرعت ریاست جمهوری را بر عهده گرفت. او یک برنامه سیاسی بلندپروازانه به نام اسکوتر دیل^۲ (معامله منصفانه) را راه‌اندازی کرد. این برنامه به او این امکان را داد تا در دوران ریاست خود بیش از تقریباً هر رئیس جمهور دیگر آمریکا دستاورد داشته باشد. بر اساس اسکوتر دیل، روزولت یکی از اولین رؤسای جمهوری بود که به موضوعاتی مانند خدمات بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی و مزایای رفاهی پرداخت. او همچنین به سیاست خارجی قوی اعتقاد داشت. روزولت نیروی دریایی ایالات متحده را به یکی از قدرتمندترین نیروهای جهان تبدیل کرد. او معتقد بود که جنگ در راه است و ایالات متحده احتمالاً مجبور خواهد شد با دشمنانی در اروپا و ژاپن بجنگد. اگرچه شرکت‌های مختلفی سال‌ها تلاش کرده بودند که کانال پاناما را بسازند، اما روزولت موفق به تکمیل آن شد. در سال ۱۹۰۶ روزولت یک معاهده صلح را میانجی‌گری کرد که به جنگ روسیه و ژاپن پایان داد. او به خاطر این تلاش جایزه

در سال ۱۹۰۶ روزولت یک معاهده صلح را میانجی‌گری کرد که به جنگ روسیه و ژاپن پایان داد. او به خاطر این تلاش جایزه صلح نوبل را دریافت کرد و پس از مرگ مدال افتخار کنگره به او اعطا شد.

صلح نوبل را دریافت کرد و پس از مرگ مدال افتخار کنگره به او اعطا شد.

روزولت در اوج محبوبیت خود اعلام کرد که دیگر برای ریاست جمهوری نامزد نخواهد شد. او به قول خود عمل کرد و از قدرت کناره‌گیری کرد. اما نسبت به انتخاب جانشین خود ویلیام تفت^۳ نظارت می‌کرد و فکر می‌کرد تفت برنامه‌های او را ادامه خواهد داد. ولی تفت در این زمینه ناامیدکننده بود. روزولت تا سال ۱۹۱۲ به شدت ناراحت و نومید بود، زیرا می‌دید که بسیاری از دستاوردهایش از بین رفته‌اند. علاوه بر از دست رفتن برنامه‌های اسکوتر دیل، آمریکا برای جنگ نیز آماده نبود. بنابراین روزولت دوباره برای ریاست جمهوری مبارزات انتخاباتی را آغاز کرد، اما در مقابل وودرو ویلسون^۴، مردی که روزولت او را ریاکار می‌دانست، شکست

۱. William McKinley (۱۸۴۳-۱۹۰۱).

۲. Square Deal.

۳. William Taft (۱۸۵۷-۱۹۳۰).

۴. Woodrow Wilson (۱۸۵۶-۱۹۲۴).

خورد. با آغاز جنگ بزرگ، روزولت از آمریکا خواست که در کنار بریتانیا و فرانسه قرار بگیرد. مقالاتی که روزولت در آن زمان نوشت، به شدت به ویلسون حمله می‌کردند. در سال ۱۹۱۸ روزولت خبر کشته شدن پسرش در میدان جنگ را دریافت کرد. او هرگز نتوانست از این فقدان به طور کامل بهبودی یابد و در سال ۱۹۱۹ در سن ۶۰ سالگی درگذشت.

در زندگی‌نامه و مقالات روزولت، او تعریفی از میهن‌پرستی برای ما به جا می‌گذارد که همچون تعریف واشنگتن هنوز امروزه هم راهنمای ماست. او باور داشت که آمریکایی‌ها باید کشور را در درجه اولِ اولویت، و سیاست‌های حزبی را در درجه دوم قرار دهند. روزولت فلسفه زندگی خود را در این جمله تجسم و خلاصه کرد: "زندگی مانند یک بازی فوتبال است. با تمام قدرت به خط حریف برخورد کن. منصفانه برخورد کن، اما با تمام قدرت."

حکمت کتاب‌های بزرگ

وینستون چرچیل معتقد بود که بزرگترین اشتباه دنیا این است که دانش‌آموزان معمولی ابتدایی و دبیرستان را مجبور به خواندن اودیسه و ایلید کنیم. او می‌گفت: "این کار فقط باعث می‌شود که از آن‌ها متنفر شوند و هرگز به سراغشان نروند. بگذارید مردم مستقیماً با خواندن کتاب‌هایی که دوست دارند به این آثار برسند."

به آخرین بخش خود در بررسی درس‌های زندگی از کتاب‌های بزرگ رسیده‌ایم. در اینجا بر آنچه آموخته‌ایم تأمل می‌کنیم. یکی از راهنماهای ما در تعریف کتاب‌های بزرگ تئودور روزولت رئیس جمهور و برنده نشان افتخار کنگره آمریکا است که در درس قبلی به او پرداختیم. در زمان روزولت ایده داشتن "یک قفسه بزرگ از کتاب‌های کلاسیک" که هر فرد تحصیلکرده‌ای باید بخواند رایج بود. اما روزولت معتقد بود که مردم باید کتاب‌هایی را بخوانند که برایشان جذابیت دارد. اولین گام در دوست داشتن کتاب‌های بزرگ این است که کتاب‌هایی را انتخاب کنید که برای شما جذاب هستند. چیزی به نام یک فهرست جهانی و ثابت از آثار برتر وجود ندارد.

ما در ابتدا معیارهایی را برای تعیین کتاب‌های بزرگ که شایسته توجه هستند، تعیین کردیم. یک کتاب بزرگ باید دارای یک موضوع عالی باشد، موضوعی که به تنهایی با ارزش و مهم است و می‌تواند به تصمیمات زندگی کمک کند. یک کتاب بزرگ باید به زبانی فصیح نوشته شده باشد. این زبان می‌تواند روشن و محکم، پرشور و احساس‌یاب یا مهیج و پرتنش باشد، اما باید به زبانی باشد که روح را تعالی بخشد. یک کتاب بزرگ باید فراتر از زمان خود، در طول اعصار با ما

سخن بگوید. شرایط تاریخی زمان نگارش کتاب نیز مهم است. ما به عنوان خواننده باید تاریخ را بدانیم، نویسنده را بشناسیم و از سنت‌ها آگاه باشیم.

در نهایت ما کتاب‌های بزرگ را می‌خوانیم، زیرا آنها اصولی را که باید بر اساس آنها زندگی کنیم به ما نشان می‌دهند: خرد، عدالت، شجاعت و اعتدال. این اصول بنیادین جوهره سنت علوم انسانی را تشکیل می‌دهند. در دنیای امروز که اطلاعات فراوانی ما را گرفته است، خرد واقعی کمیاب است. در نهایت، خرد از استفاده از اطلاعات و دانش برای اتخاذ تصمیمات مهم زندگی حاصل می‌شود. عدالت را ممکن است به نحوه رفتار ما با دیگران تعریف کرد، چنانکه اصل بنیادین عدالت را از کتاب‌های مذهبی تا سخنان تئودور روزولت و جورج پاتون دیده‌ایم که می‌گوید: "با دیگران همان گونه رفتار کن که می‌خواهی با تو رفتار کنند." شجاعت در دانستن آنچه درست و دفاع از حق و حقیقت است به گونه‌ای که دنیا را به مکان بهتری تبدیل می‌کند،

در عین حال زندگی ما باید با اعتدال یا میانه‌روی همراه باشد، و با خردورزی و شجاعت خومان تشخیص خواهیم داد که آیا اعمال ما از حد اعتدال خارج شده‌اند یا نه.

شاید مهم‌ترین درس
کتاب‌های بزرگ در باره
آزادی باشد: آزادی در
تصمیم‌گیری، آزادی در
تحمل رنج، و آزادی در
کسب خرد.

ما بر اساس این سنت انسان‌گرایانه به مطالعه کتاب‌های بزرگ می‌پردازیم، زیرا این کتاب‌ها ما را انسان‌ها و شهروندانی بهتر می‌سازند. شاید می‌توانستیم از بسیاری از

اشتباهات جهانی جلوگیری کنیم، اگر رهبران ما کتاب‌های بزرگ را می‌خواندند و در آنها تأمل می‌کردند. به عنوان مثال، لورنس عربستان معتقد بود که غرب هرگز خاورمیانه را درک نخواهد کرد، زیرا از مطالعه اسلام یا یهودیت و پذیرفتن شدت و اهمیتی که مذهب همیشه در این منطقه از جهان داشته خودداری کرده است. بسیاری از موضوعاتی را که در طنز سیاسی دموکراسی آنتی دیدیم، در جامعه ما نیز قابل مشاهده است. باید از آنها درس بگیریم قبل از اینکه به تراژدی‌های معاصر تبدیل شوند. یکی از خردمندانه‌ترین درس‌هایی که از کتاب‌های بزرگ می‌توان آموخت، این است که به خود از دریچه نگاه دیگران بنگریم.

کتاب‌های بزرگ همچنین به ما می‌آموزند که چگونه انتخاب‌های زندگی را به عمل آوریم. بسیاری از ما ممکن است وسوسه شویم و راه ترقی تامس مور فیلسوف اجتماعی و انسان‌گرای دوره رنسانس را دنبال کنیم، نردبان موفقیت حرفه‌ای را بالا بوریم، اما در نهایت بدانیم که موفقیت غیرممکن است. همان طور که در مورد تامس مور دیدیم، این وسوسه می‌تواند کشنده باشد. و وقتی سختی‌ها به سراغمان می‌آیند، چگونه با آنها روبرو شویم؟ تنها می‌توانیم امیدوار باشیم که با شجاعتی همچون توماس مور که اشتباهات خود را پذیرفت با آنها روبرو شویم. همچنین مهم است تلاش کنیم تا سرنوشت خود را بیابیم. نباید دچار رضایت کاذب شویم و به وضعیت موجود راضی باشیم یا بگذاریم که سختی‌های روزگار ما را از توانایی خلاقیت یا عمل کردن محروم کنند.

در نهایت کتاب‌های بزرگ به ما نشان می‌دهند که آمریکا یک کشور منحصر به فرد است. شاید مهم‌ترین درس کتاب‌های بزرگ در باره آزادی باشد: آزادی در تصمیم‌گیری، آزادی برای تحمل رنج، و آزادی برای کسب خرد. کتاب‌های بزرگ الهام‌بخش و راهنمایی هستند برای اینکه چگونه زندگی کنیم تا دنیا به مکان بهتری تبدیل شود.

جدول زمانی

قبل از میلاد

..... ۳۰۰۰	ظهور نخستین تمدن‌های متشکل با
	اختراع خط و پیدایش ادبیات در مصر و
	منطقه بین‌النهرین (میان رودان در عراق
	فعلی)
..... ۲۵۰۰	اهرام ثلاثه مصر
..... ۱۲۴۰-۱۲۵۰	جنگ تروآ
..... ۱۲۳۰	تاریخ احتمالی خروج قوم یهود از مصر
..... ۷۲۵	نوشتن کتاب اودیسه
..... ۴۹۰-۴۰۴	عصر طلایی دموکراسی آتن
..... ۳۳۶-۳۲۳	فرمانروایی اسکندر کبیر
..... ۲۱۸-۱۴۶	ظهور امپراتوری روم
..... ۴۸-۳۱	تأسیس پادشاهی در روم توسط جولئوس
	سزار و آگوستوس

بعد از میلاد

..... ۳۱	قبل از میلاد - ۱۸۰ بعد از میلاد
..... ۶-۳۶	زندگی عیسی مسیح

..... ۱۴۵۳-۳۱۲	قرون وسطی
..... ۴۷۶	سقوط امپراتوری روم
..... ۵۷۰-۶۳۲	زندگی محمد، پیامبر اسلام
..... ۸۱۴-۷۴۲	زندگی شارلمانی
..... ۱۰۹۶-۱۰۹۹	نخستین جنگ صلیبی
..... ۱۳۰۴-۱۳۲۷	رنسانس
..... ۱۵۰۹-۱۵۴۷	پادشاهی هنری هشتم در انگستان
..... ۱۵۱۷-۱۶۴۸	اصلاحات پروتستانی
..... ۱۵۵۸-۱۶۰۳	فرمانروایی ملکه الیزابت در انگلستان
..... ۱۶۴۸-۱۷۸۹	عصر روشنگری
..... ۱۷۷۵-۱۸۲۴	تأسیس ایالات متحده آمریکا
..... ۱۷۸۹-۱۸۱۵	انقلاب فرانسه و فرمانروایی ناپلئون (از
	سال ۱۸۰۴)
..... ۱۸۶۱-۱۸۶۵	جنگ داخلی آمریکا
..... ۱۹۱۴-۱۹۱۸	جنگ جهانی اول
..... ۱۹۱۷-۱۹۹۱	انقلاب روسیه، ظهور و سقوط اتحاد
	جماهیر شوروی
..... ۱۹۳۳-۱۹۴۵	حکومت هیتلر در آلمان
..... ۱۹۳۹-۱۹۴۵	جنگ جهانی دوم
..... ۱۹۴۵	انقلاب علمی و تکنولوژی
..... ۱۹۴۸	پیدایش اسرائیل

واژه نامه

Argonauts

آرگونوت‌ها: در اسطوره‌های یونانی پهلوانان بودند که با جیسون در کشتی آرگو برای تصاحب پشم زرین سفر کردند.

chivalry

شوالیه‌گری: یا جوانمردی مجموعه‌ای از آرمان‌های قرون وسطایی که بر رفتار و اعمال یک شوالیه حاکم بود، از جمله شرافت، شجاعت، وفاداری و شفقت نسبت به ضعیفان.

classical antiquity

دوران باستان کلاسیک: دوره تاریخی تقریباً از ظهور تمدن یونان در هزاره دوم قبل از میلاد تا تغییر مذهب کنستانتین به مسیحیت در سال ۳۱۲ میلادی.

classics

مطالعات کلاسیک: اصطلاح متعارف برای توصیف مطالعه دوران باستان کلاسیک. این عبارت امروزه برای توصیف تمام کتاب‌های بزرگ از تمام تمدن‌ها و دوره‌ها به کار برده می‌شود.

communism

کمونیسم: این ایده که جامعه باید به گونه‌ای تشکیل شود که وسایل تولید و معیشت باید در مالکیت مشترک افراد جامعه باشد و کار برای منافع مشترک سازماندهی شود. کمونیسم توسط افلاطون و همچنین تامس مور در کتاب اوتوپیا یا آرمان‌شهر او آموزش داده شد، اما کارل مارکس پدر معنوی کمونیسم مدرن در دوران مدرن است. نظام سیاسی کمونیسم مدرن با ایجاد یک دولت تمامیت طلب و دستگاه حزبی مشخص شده است تا کنترل تمام جنبه‌های زندگی را تحت سلطه دولت در آورد.

courtly love

عشق درباری: ایده‌آل عشق در اواخر قرون وسطی بین یک زن متاهل و معشوق دلیر او. شرایط سختی در مورد نحوه انجام این ارتباط اعمال می‌شد. اما عشق درباری عشق افلاطونی نبود. مضوعات و آرمان‌های عشق‌های درباری الهام بخش اشعار و رمان‌های عاشقانه منشور فراوان بودند.

Crusades

جنگ‌های صلیبی: لشگرکشی‌های نظامی اروپای غربی از ملیت‌های مختلف برای آزاد کردن سرزمین مقدس (سرزمین‌های فلسطینی) از سلطهٔ مسلمانان. به طور کلی گفته می‌شود که هشت جنگ صلیبی وجود داشته که در طول سال‌های ۱۰۹۶ تا ۱۲۷۲ ادامه داشته است.

Enlightenment

روشنگری: اصطلاح تاریخی متعارف برای توصیف دوره‌ای در تاریخ اروپا از سال ۱۶۴۸ (پایان جنگ‌های مذهبی) تا سال ۱۷۸۹ (آغاز انقلاب فرانسه). اندیشهٔ روشنگری با اعتقاد به پیشرفت، علم، و استدلال مشخص می‌شود. بنیانگذاری آمریکا را می‌توان به عنوان یک رویداد روشنگری به شمار آورد.

epic poetry

شعر حماسی: شعر روایی طولانی که به رویدادهای بزرگی مانند اودیسه، سرود رولان، و سرود نیبلونگ‌ها می‌پردازد.

fudalism

ارباب‌رعیتی: نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپای قرون وسطی که بر مبنای تملک زمین توسط طبقه اشراف جنگجو در ازای خدمات نظامی آنها به یک حاکم یا ارباب استوار است.

Founding Fathers, the

پدران بنیانگذار: واژه‌های متعارف برای توصیف رهبران سیاسی که انقلاب آمریکا و قانون اساسی این کشور را شکل دادند. بنیانگذاری را می‌توان از سال ۱۷۷۵ (نبرد لکسینگتون) تا سال ۱۸۲۶ (مرگ جان آدامز و توماس جفرسون) در نظر گرفت.

Humanism

انسان‌گرایی: جریان‌های فکری اروپای رنسانس و اصلاح‌طلبی، مبتنی بر مطالعه شدید آثار کلاسیک به عنوان الگوهایی برای ادبیات، هنر، معماری، فلسفه و حتی سیاست. آثار کلاسیک روی دانش بشری در مقابل الهیات تمرکز می‌کنند، و از این رو اصطلاح "انسان‌گرایی" برای آن به کار برده می‌شود. با این حال، تمایل به استفاده از زبان‌های یونانی و لاتین برای درک بهتر مسیحیت و اصلاح آن برای بسیاری از انسان‌گرایان از جمله اراسموس و تامس مور امری اساسی بود.

Middle Ages

قرون وسطی: دوره‌ای در تاریخ اروپا از تغییر مذهب امپراتور کنستانتین به مسیحیت در سال ۳۱۲ میلادی تا سقوط شهر قسطنطنیه (استانبول در ترکیه کنونی) به دست ترک‌ها در سال ۱۴۵۳.

Nazis

نازی‌ها: پیروان آدولف هیتلر و نظریه سوسیالیسم ملی او که اساس رایش سوم آلمان (۱۹۳۳-۱۹۴۵) بود. ناسیونال سوسیالیسم بر پایه نژادپرستی شبه علمی، سوسیالیسم و ملی‌گرایی استوار بود. این ایده‌نولوژی

طرفدار تبعیت کامل افراد از اهداف دولت بود که با نژاد آلمانی یکسان بود. اساس هدف‌های هیتلر نابودی قوم یهود بود

Ottoman Empire

امپراتوری عثمانی: ساختار سیاسی مسلط بر خاورمیانه از سال ۱۴۵۳ (فتح قسطنطنیه) تا سال ۱۹۱۸ بود. بنیانگذار امپراتوری عثمان نام داشت، از این رو "عثمانی" نامیده شد. عثمانی‌ها مردمی ترک و در اصل از آسیای مرکزی بودند. امپراتوری عثمانی در اوج قدرت خود از عراق تا وین و مراکش را در بر می‌گرفت.

Peloponnesian War

جنگ پلوپونز: جنگ بین آتن و اسپارت در فاصله سال‌های ۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد که با پیروزی کامل اسپارت به پایان رسید.

Pharisees

فریسیان: اعضای یک گروه یهودی با نفوذ در زمان عیسی بودند. فریسیان اساتید شریعت یهود بودند و نفوذ مذهبی، فرهنگی و حتی سیاسی بسیار زیادی داشتند.

Reformation

اصلاحات پروتستانی: تلاش برای اصلاح کلیسای کاتولیک که منجر به ظهور عقاید مذهبی ادیان پروتستان، از جمله انکار برتری پاپ شد. دوران این اصلاحات از زمان مارتین لوتر در سال ۱۵۱۷ تا پایان جنگ‌های مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها توسط پیمان صلح چندجانبه وستفالی در سال ۱۶۴۸ است.

Renaissance

رنسانس: اصطلاح متعارف برای دوره تاریخی از پایان قرون وسطی تا اصلاحات پروتستانی است. این دوره با رنسانس یا "تولد دوباره" دانش دوران باستان کلاسیک و کاربرد الگوهای فرهنگ کلاسیک در ادبیات، فلسفه، هنر و معماری، و حتی سیاست مشخص می‌شود. تاریخ مناسب این دوران از زمان شاعر قدرتمند ایتالیایی پترارک (۱۳۷۴-۱۳۰۴) که عشق به متون کلاسیک را احیا کرد تا آغاز اصلاحات مذهبی تحت رهبری مارتین لوتر است.

Roman Empire

امپراتوری روم: نظام سیاسی حاکم بر جهان مدیترانه و اروپای غربی از سال ۴۸ قبل از میلاد تا سال ۴۷۶ بعد از میلاد. این امپراتوری سزارها است، از ژولیوس سزار تا آخرین امپراتور روم در ایتالیا، رومولوس آگوستولوس که توسط آلمانی‌ها در سال ۴۷۶ میلادی برکنار شد. در قرن سوم قبل از میلاد، رومیان در لوای حکومت جمهوری خود شروع به کسب یک امپراتوری برون مرزی کردند. مورخان به طور مبهمی از امپراتوری روم به عنوان جمهوری روم صحبت می‌کنند. ژولیوس سزار و آگوستوس به شکل حکومت جمهوری پایان دادند و یک سلطنت نظامی را تأسیس کردند که تا پایان امپراتوری بر آن حکومت می‌کرد.

Stoicism

رواقی‌گری: باورهای فلسفی و مذهبی در قرن چهارم قبل از میلاد که توسط زنون رواقی در آتن توسعه یافت. این نام از کلمه یونانی "استوا" گرفته شده که به سادگی به ایوان سرپوشیده‌ای اشاره دارد که فیلسوفان ابتدا در آنجا تدریس می‌کردند. رواقی‌گری به یک خدای یگانه، توانا و بخشنده اعتقاد داشت که جهان را آفریده و همه رویدادها به تقدیر اوست. سعادت فرد در پذیرش اراده خداوندی است. رواقی‌گری به یکی از قدرتمندترین جریان‌های فکری در امپراتوری تبدیل شد و با مارکوس آئورلیوس امپراتور روم و متفکر رواقی به اوج خود رسید.

Synoptic Gospels

انجیل‌های هم‌نوا: یا هم‌نگر اصطلاح عالمانه برای انجیل‌های متی، مرقس و لوقا. این واژه از کلمه یونانی "به یک شکل دیدن" گرفته شده است. این اصطلاح به این واقعیت اشاره دارد که این سه انجیل دارای روایت مشترکی هستند که با روایت انجیل یوحنا متفاوت است.

Talmud

تلمود: به معنی آموختن از کلمه عربی تَلَمَذ. تفاسیر ربانی بر شریعت یهودی عهد عتیق.

tragedy

تراژدی: واژه ادبی معمول برای توصیف نمایش‌نامه‌ای که به طور غم‌انگیز به پایان می‌رسد.

Trojan War

جنگ تروآ: جنگ ۱۰ ساله بین یونانیان به رهبری آگاممنون و شهر بزرگ تروآ که با نابودی تروآ به پایان رسید. موضوع ایلیاد هومر، جنگ تروآ یک جنگ واقعی است که بین سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۴۰ قبل از میلاد درگیر شد

Yiddish

یهودی: زبان رایج یهودیان ساکن اروپای مرکزی و شرقی از اواخر قرون وسطی به بعد. این زبان از یک لهجه آلمانی مشتق شده و با حروف عبری نوشته می‌شود. زبانی زنده با ادبیات فوق‌العاده بدیع است.

کتاب شناسی

Ackroyd, Peter. *The Life of Thomas More*. New York: Doubleday, 1998. A good biography for the general reader.

Addison, Joseph. *Cato: A Tragedy, and Selected Essays*. Indianapolis: Liberty Fund, 2004. An easy-to-obtain edition of Addison's influential play.

Adler, Mortimer. *How to Think About Great Ideas: From the Great Books of Western Civilization*. Chicago: Open Court, 2000. A traditional defense of the great books from one of the most influential proponents of the classics.

Ambrose, Stephen. *Undaunted Courage*. New York: Simon and Schuster, 1996. A thrilling and moving account of the expedition of Lewis and Clark by one of America's greatest historians.

Aristophanes. *The Complete Plays*. New York: Bantam, 1962, reprints. The most convenient edition in one volume, but some of the translations could be improved. Ancient comedy is very hard to translate into contemporary idiom.

Aristotle. *Poetics*. Trans. Malcolm Heath. New York: Penguin, 1996. Aristotle's *Poetics* is essential to understanding how the Greeks viewed the tragedies.

Bass, S. Jonathan. *Blessed Are the Peacemakers: Martin Luther King Jr., Eight White Religious Leaders, and the "Letter from a Birmingham Jail"*. Baton Rouge: Louisiana State University Press, 2001. A superb study of the historical context of this fundamental work in the freedom of conscience.

Bloom, Harold. *George Orwell*. New York: Chelsea House, 1987. A biography by a leading British intellectual.

Boethius. *On the Consolation of Philosophy*. Trans. V. E. Watts. London, New York: Penguin, 1969. A good, convenient translation.

Boyle, Nicholas. *Goethe: The Poet and the Age*. Oxford: Oxford University Press, 1991. An excellent introduction to the achievement of Goethe.

Brabazon, James. *Albert Schweitzer: A Biography*. Syracuse: Syracuse University Press, 2000. Perhaps the best biography of Schweitzer.

Brown, Raymond. *An Introduction to the Gospel of John*. New York: Doubleday, 2003. A recent, controversial interpretation.

Burckhardt, Jacob. *The Civilization of the Renaissance in Italy*. Trans. S. G. C. Middlemore. New York: Harper, 1958. The brilliant account of Renaissance Italy by the great 19th-century historian of ideas. Fundamental to understanding the audience of Machiavelli's comedy.

Cicero. *On Old Age*. Trans. Frank Copley. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1971, reprints. An easy-to-read translation.

Dalby, Andrew. *Rediscovering Homer*. New York: Norton, 2006. A summary of recent views of Homer's epics, which general readers might find instructive.

Denby, David. *Great Books: My Adventures with Homer, Rousseau, Wolff, and Other Indestructible Writers of the Western World*. New York: Simon and Schuster, 1996. An entertaining story of one man's journey with the great books.

D'Este, Carlo. *Patton: A Genius for War*. New York: Harper, 1995. A superb and sympathetic biography.

Dobson, Michael. *The Oxford Companion to Shakespeare*. New York, Oxford: Oxford University Press, 2001. An invaluable work of reference.

Dostoevsky, Fyodor. *The Brothers Karamazov*. Trans. Constance Garnett. New York: Norton, 1976. A standard translation with helpful supplementary material.

Ehrman, Bart. *Misquoting Jesus: The Story Behind Who Changed the Bible and Why*. New York: Harper, 2005. A trendy book, which is stimulating rather than convincing.

Ellis, Jeremy. *His Excellency, George Washington*. New York: Knopf, 2004. An engaging biography of Washington.

Erasmus, Desiderius. *The Praise of Folly*. Trans. Clarence Miller. New Haven: Yale University Press, 1979. A good translation and scholarly edition.

Euripides. *The Complete Greek Tragedies*. Edited by David Grene and Richmond Lattimore. Chicago: University of Chicago Press, 1959. The best translation of all the Greek tragedies, with excellent introductions.

Everitt, Antony. *Cicero: The Life and Times of Rome's Greatest Politician*. New York: Random House, 2001. A recent, popular account.

Fantham, Elaine. *Women in the Classical World*. New York, Oxford: Oxford University Press, 1994. An analysis from a feminist perspective.

Fears, J. Rufus. *The Wisdom of History* (2007), *Books That Have Made History: Books That Can Change Your Life* (2005), *Churchill* (2001), *Famous Greeks* (2001), *Famous Romans* (2001), *A History of Freedom* (2001). Chantilly, VA: The Teaching Company. These lecture courses provide historical background to themes discussed in *Life Lessons from the Great Books*.

Frank, Joseph. *Dostoevsky*. Princeton: Princeton University Press, 1976–2002. An exhaustive four-volume biography.

Goethe, Johann Wolfgang von. *Selected Works*. Trans. Nicholas Boyle. New York: Knopf, 2000. An excellent translation of *Werther*.

Gottfried von Strasburg. *Tristan and Isolde*. Trans. A. T. Hatto. Baltimore: Penguin, 1960. A reliable translation with a good introduction.

———. *Tristan and Isolde*. Trans. J. L. Weston. New York: AMS Press, 1970. A reprint of the translation and a reconstruction of the ending of the story by one of the most brilliant scholars of medieval literature.

Greenblatt, Stephen. *Will in the World: How Shakespeare Became Shakespeare*. New York: Norton, 2004. An engaging, modern attempt to explain the genius of Shakespeare.

Griffin. Miriam. *Nero: The End of a Dynasty*. New Haven: Yale University Press, 1985. A good biography of the emperor Seneca tried to serve.

Gummere, Richard. *Seneca: The Philosopher and His Modern Message*. New York: Cooper Square, 1963. Still the best introduction for the general student.

Hammond, J. R. *An Orwell Companion*. New York: St. Martin's Press, 1982. An indispensable reference work for those really interested in Orwell.

Hanson, Victor. *A War Like No Other: How the Athenians and Spartans Fought the Peloponnesian War*. New York: Random House, 2005. A detailed recent history of the war, drawing lessons for our own day.

Homer. *The Iliad of Homer*. Trans. Richmond Lattimore. Chicago: University of Chicago Press, 1961. A magnificent story in a magnificent translation.

———. *The Odyssey of Homer*. Trans. Richmond Lattimore. New York: Harper, 1967. The immortal story translated by the most brilliant 20th-century translator of the classics.

Huxley, Aldous. *Brave New World*. New York: Harper, 1932, reprints. The chilling vision of a future that is with us now, at least in part.

———. *Brave New World Revisited*. New York: Harper, 1958. An account of Huxley's own intellectual and spiritual journey.

Josephus. *The Jewish War*. Trans. H. St. J. Thackeray. Cambridge: Harvard University Press, 1927, reprints. Still the best translation of this major historical work.

Kraut, Richard. *The Cambridge Companion to Plato*. Cambridge, New York: Cambridge University Press, 1992. An essential work of reference.

Lambdin, Robert. *Encyclopedia of Medieval Literature*. Westport, CT: Greenwood Press, 2000. A valuable reference work.

Lape, Susan. *Reproducing Athens: Menander's Comedy, Democratic Culture, and the Hellenistic City*. Princeton: Princeton University Press, 2004. An interesting example of how contemporary classical scholars approach Greek literature.

Lawrence, T. E. *Seven Pillars of Wisdom*. New York: Anchor, 1991. A reprint of Lawrence's 1926 book. Fascinating but difficult to read because of its discursive style. Lawrence was not satisfied with it.

Lewis, Meriwether, and William Clark. *The Journals of Lewis and Clark*. Edited by Bernard DeVoto. Boston, New York: Houghton Mifflin, 1953, reprints. The best abridgement, with an excellent introduction.

Machiavelli, Niccolò. *The Comedies of Machiavelli*. Trans. David Sices and James Atkinson. Indianapolis: Hackett, 2007. A lively translation, with a helpful introduction.

Maimonides. *The Guide of the Perplexed*. Trans. Shlomo Pines. Chicago: University of Chicago Press, 1979. A medieval, philosophical writing of fundamental importance to understanding the thought of modern Judaism.

Marenbon, John. *Boethius*. Oxford, New York: Oxford University Press, 2003. An excellent, recent biography.

McConica, James. *Erasmus*. New York, Oxford: Oxford University Press, 1991. A useful biography.

Menander. *Plays and Fragments*. Trans. N. P. Miller. New York: Penguin, 1987. The best edition for the general reader.

More, Thomas. *Utopia*. Trans. George Logan, Robert Adams, and Clarence Miller. Cambridge: Cambridge University Press, 1995. A superb scholarly edition and translation.

Morford, Mark, and Robert Lenardon. *Classical Mythology*. New York, Oxford: Oxford University Press, 1999. A good, well illustrated textbook.

Murray, Gilbert. *Euripides and His Age*. New York, Oxford: Oxford University Press, 1965. A reprint of what is still the best introduction to Euripides for the general reader, by a modern Humanist.

The Nibelungenlied: Prose Translation. Trans. A. T. Hatto. New York: Penguin, 1965. A good translation with a helpful and detailed introduction.

Oates, Stephen. *With Malice Toward None: The Life of Abraham Lincoln*. New York: New American Library, 1997. The best one volume biography.

Orwell, George. *Animal Farm*. New York: Signet, 1946. Orwell's satirical novel of the failure of revolutions.

Patton, George. *War As I Knew It*. New York: Bantam, 1980. A posthumous book based on Patton's diaries.

Plato. *Timaeus, Critias, Cleitophon, Menexenus, Epistles*. Trans. R. G. Bury. Cambridge: Harvard University Press, 1929, reprints. The best translation, with a helpful historical introduction.

Plutarch. *Lives of the Noble Grecians and Romans*. Trans. John Dryden. New York: Modern Library, 2000. This new edition of a classic translation gives the reader a better understanding of the whole of Plutarch's work and its moral purpose than do other modern translations that break his biographies down into artificial units.

Roosevelt, Theodore. *The Works of Theodore Roosevelt*. New York: Charles Scribner's Sons, 1926. A 20-volume collection of the president's writings, including *An Autobiography* and *American Ideals*.

Schweitzer, Albert. *Out of My Life and Thought*. New York: Holt, 1949. Schweitzer's account of his spiritual journey.

———. *Reverence for Life*. New York: Harper and Row, 1969. A more detailed discussion of Schweitzer's philosophy of life.

Seneca. *Letters and Dialogues*. Trans. C. D. N. Costa. New York: Penguin, 1997. A convenient edition.

———. *Moral Essays*. Trans. John Basore. Cambridge: Harvard University Press, 1928, reprints. Still the best translation.

Shakespeare, William. *The Complete Plays and Poems of William Shakespeare*. Edited by William Allan Neilson and Charles Jarvis Hill. New York: Houghton Mifflin, 1942, reprints. The best complete edition, especially useful for its introductions and notes, which, unlike many more recent editions, allow Shakespeare to speak for himself.

Singer, Isaac Bashevis. *The Penitent*. New York: Ballantine, 1983. The powerful novel of a spiritual journey.

Smallwood, Mary. *The Jews under Roman Rule*. Leiden: Brill, 1976. A detailed, scholarly study; the best in its field.

The Song of Roland. Trans. Dorothy Sayers. Baltimore: Penguin, 1957. A fluid translation with an excellent introduction by a woman who was both a good medievalist and a mystery writer.

Sophocles. *The Complete Greek Tragedies*. Edited by David Grene and Richmond Lattimore. Chicago: Chicago University Press, 1957, reprints. By far, the best translations of the Greek tragedies.

Spalding, Matthew, and Patrick Garrity. *A Sacred Union of Citizens: George Washington's Farewell Address and the American Character*.

New York: Rowman and Littlefield, 1996. A superb edition of Washington's *Address*, with an insightful discussion.

Whitman, Cedric. *Sophocles: A Study of Heroic Humanism*. Cambridge: Harvard University Press, 1966. An interpretative study by a Humanist of learning and insight.

Wiesel, Elie. *All Rivers Run to the Sea: Memoirs*. New York: Knopf, 1995. This autobiography is fundamental to understanding the man and his achievement.

———. *Night*. New York: Hill and Wang, 2006. A recent edition of this powerful novel.

Wigoder, Geoffrey. *The New Encyclopedia of Judaism*. New York: New York University Press, 2002. A helpful work of reference.

Wilson, Jeremy. *Lawrence of Arabia*. New York: Atheneum, 1990. The most detailed biography but one written without a full appreciation of Lawrence as a military genius.

از همین نویسندگان در سال‌های اخیر:

پخش آمازون

- سلامتی همیشگی
برخورداری از تندرستی در تمام عمر
- سال‌ها سلامتی
چگونه با افزایش سن سالم بمانیم
- آشنایی با کتاب‌های بزرگ جهان در ۲ جلد
کتاب‌هایی که تاریخ را رقم زدند و می‌توانند زندگی شما را تغییر دهند
- معنای زندگی
در اندیشه بزرگان جهان
- زیبایی
مقدمه‌ای کوتاه
- آشنایی با علم حال در مقابل علم قال
و دیدگاه مولانا جلال‌الدین بلخی
- متهم ردیف ۱۳ در ایران شاه
خاطرات بی‌عدالتی

لینک متهم ردیف ۱۳ به صورت کتاب گویا در Castbox

<https://castbox.fm/channel/id5478204?country=us>

